



حکومت جهانی  
حضرت مهدی عجل الله فرجه  
و استراتژی انتظار  
در اندیشه امام خمینی (ره)

سید غلام رضا حسینی





سرشناسه	: حسینی، سید غلام رضا ۱۳۴۵ .
عنوان و نام پدیدآور	: حکومت جهانی حضرت مهدی <small>علیه السلام</small> و استراتژی انتظار در اندیشه امام خمینی / سید غلامرضا حسینی.
مشخصات نشر	: قم: مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۹ .
مشخصات ظاهری	: ۱۹۹ ص؛ ۱۴ × ۲۱ س م.
شابک	: ۸ - ۲۷۱ - ۹۷۳ - ۹۶۴ - ۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا
موضوع	: خمینی، روح الله رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، ۱۲۷۹ - ۱۳۶۸ - نظریه درباره امام زمان .
موضوع	: محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق.
موضوع	: مهدویت - انتظار
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۸۹ ح ۸ ح ۵۳۶ / BP ۲۲۴/۴
رده‌بندی دیویی	: ۲۹۷/۴۶۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۲۴۷۹۲۵

حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام  
و استراتژی انتظار در اندیشه امام خمینی رحمته الله علیه



انتظار در اندیشه امام خمینی

- ◀ مؤلف: سید غلامرضا حسینی
- ◀ ویراستار: احمد سعیدی
- ◀ حروف‌نگار و صفحه‌آرا: امیر سعید سعیدی
- ◀ امور چاپ: اصغر بخشایش
- ◀ ناشر: انتشارات مسجد مقدس جمکران
- ◀ چاپخانه و شمارگان: وفا / ۲۰۰۰ جلد
- ◀ نوبت و تاریخ چاپ: اول / پاییز ۱۳۹۰
- ◀ قیمت: ۲۰۰۰ تومان
- ◀ شابک: ۸ - ۲۷۱ - ۹۷۳ - ۹۶۴ - ۹۷۸
- ◀ مرکز پخش: انتشارات مسجد مقدس جمکران
- ◀ تلفن و نمابر: ۰۲۵۱ - ۷۲۵۳۳۴۰، ۷۲۵۳۷۰۰
- ◀ قم - صندوق پستی: ۶۱۷

حکومت جهانی

حضرت مهدی علیه السلام

و استراتژی انتظار در اندیشه امام خمینی رحمته الله

سید غلامرضا حسینی

## فهرست

۹	مقدمه
۱۳	فصل اول: رمز جهانی بودن اسلام
۱۵	۱- جاودانی بودن دین اسلام
۱۶	۲- جامع نگری دین اسلام
۱۸	۳- شئون پیامبر و ائمه: از دیدگاه شیعه
۲۱	۴- نبوت و امامت در اندیشه امام خمینی
۲۲	۵- انتظار منفعلانه و فعالانه از منظر امام خمینی
۲۳	۶- بنیاد امامت، مرجعیت دینی (ابلاغ و تبیین وحی) یا حکومت؟
۲۵	۷- تأثیرپذیری اندیشه‌های سیاسی دوره غیبت از چیستی امامت
۳۰	۸- شرایط تاریخی اندیشه پردازي سياسي شیعه در عصر غیبت
۳۲	۹- ضرورت اسلام و قرآن در اندیشه امام خمینی
۳۵	فصل دوم: وحدت جهان اسلام زمینه ساز ظهور
۳۷	۱- وحدت جهان اسلام در اندیشه امام خمینی <small>علیه السلام</small>
۳۸	۲- ضرورت وحدت از نگاه امام <small>علیه السلام</small>
۴۰	۳- صلح و صفای جهانی در اندیشه امام خمینی <small>علیه السلام</small>
۴۱	۴- لوازم و امکانات وحدت اسلامی
۴۴	۵- انگیزه‌های وحدت
۴۸	۶- گستره وحدت اسلامی
۵۰	۷- اهداف وحدت اسلامی
۵۱	۸- اهداف بلند مدت امام <small>علیه السلام</small>
۵۵	فصل سوم: حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) بر محور عدل
۵۷	۱- عدالت، رسالت همه انبیا
۵۷	۲- جهان و همه هستی بر محور عدل
۶۱	۳- شکل‌گیری حکومت عدل جهانی

- ۴- قلمرو عدالت گستری حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام ..... ۶۳
- ۵- عدالت در تمام مراتب انسانیت ..... ۶۶
- ۶- حکومت عدل ..... ۶۸
- ۷- عدالت فراگیر ..... ۶۹
- ۸- عدالت خواهی، وظیفه منتظران ..... ۶۹
- ۹- عدالت جهانی در اندیشه امام خمینی ..... ۷۰
- فصل چهارم: جایگاه نیابت در اسلام** ..... ۷۵
- ۱- ریشه نیابت در اسلام ..... ۷۷
- ۲- نیابت در جریان امامت ..... ۷۹
- ۳- مفهوم نیابت عامه ..... ۸۰
- ۴- نحوه اداره امور در عصر غیبت در اندیشه امام خمینی علیه السلام ..... ۸۴
- ۵- لزوم حکومت و تداوم ولایت در دوران غیبت ..... ۸۷
- ۶- آیا تشکیل حکومت مغایر با نصوص و روایات است؟ ..... ۹۰
- ۷- رسالت عالمان دین در عصر غیبت ..... ۹۲
- ۸- تکالیف شرعی آحاد مردم در عصر غیبت ..... ۹۴
- فصل پنجم: ویژگی های حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام** ..... ۹۷
- ۱- ویژگی های حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) ..... ۹۹
- ۲- جهان شمولی و توحید سراسری ..... ۱۰۰
- ۳- عصر پیشرفت علم و دانش ..... ۱۰۲
- ۴- عصر تأمین رفاه و آسایش بشر ..... ۱۰۴
- ۵- امنیت و آرامش و صلح جهانی ..... ۱۰۵
- ۶- صفا و صمیمیت ..... ۱۰۸
- ۷- عصر قاطعیت با کارگزاران و ملاطفت با زیردستان ..... ۱۰۸
- ۸- عصر ناامنی برای مشرکان و منافقان ..... ۱۰۹
- فصل ششم: حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام در اندیشه امام خمینی علیه السلام** ..... ۱۱۱
- ۱- حضرت مهدی (عج) سر امتداد لیلة القدر ..... ۱۱۳

۱۱۵. حضرت مهدی (عج) عصاره موجودات
۱۱۶. نقش حضرت مهدی (عج) در نظام عالم
۱۱۷. مهدی (عج) پرچم دار توحید و رهایی
۱۱۹. حضرت مهدی (عج) خاتم ولایت
۱۲۰. حضرت مهدی (عج) ذخیره خداوند در زمین
۱۲۲. حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) از منظر امام خمینی علیه السلام
۱۲۵. نجات بخشی حضرت مهدی (عج) در اندیشه امام خمینی علیه السلام
۱۲۷. نظارت حضرت مهدی (عج) به عملکرد ما
۱۳۰. دوران متمایز رهبری حضرت مهدی (عج) در اندیشه امام خمینی علیه السلام
۱۳۳. رضایت امام مهدی (عج)
۱۳۵. حمایت امام مهدی (عج) از پیروان امامت و فرهنگ علوی
- فصل هفتم: انقلاب اسلامی ایران، طلایه دار انقلاب حضرت مهدی (عج)**
۱۳۹. عصر امام خمینی عصر احیای اندیشه ظهور
۱۴۱. همراهی مردم با دیدگاه‌های منتظرانه امام خمینی علیه السلام
۱۴۴. ترسیم مسیر حرکت انقلاب در جهت زمینه‌سازی ظهور
۱۴۶. راهبری و نگهبانی از مسیر انقلاب در زمینه‌سازی ظهور
۱۴۷. تبیین نقش انتظار سازنده در دوران انقلاب اسلامی
۱۴۹. جمهوری اسلامی و توجه به امام مهدی (عج)
۱۵۰. انقلاب اسلامی ایران طلایه دار انقلاب حضرت مهدی (عج)
۱۵۲. تصدیق این احادیث شریفه توسط خط سیر انقلاب امام خمینی علیه السلام
۱۵۳. هدف‌های انقلاب مهدی (عج) و دستاوردهای انقلاب امام خمینی علیه السلام
۱۵۴. اهداف انقلاب مهدوی در نصوص و متون دینی
- فصل هشتم: استراتژی انتظار از نگاه امام خمینی علیه السلام**
۱۵۷. احیای اندیشه انتظار از نگاه امام خمینی علیه السلام
۱۵۹. انتظار، زمینه ساز قدرت اسلام
۱۶۰. انتظار، رمز پایداری
۱۶۲. برداشت‌های متفاوت از موضوع انتظار فرج
۱۶۳. ...

- ۱۶۴ ۵- آیا انتظار فرج صرف دعاست
- ۱۶۴ ۶- آیا انتظار فرج بی تفاوتی به امور جهان است
- ۱۶۹ **فصل نهم: اصلاح تلقی های انتظار از منظر امام خمینی علیه السلام**
- ۱۷۱ ۱- اصلاح تلقی های غلط از انتظار، در اندیشه امام خمینی علیه السلام
- ۱۷۲ ۲- مفهوم انتظار یعنی برقراری عدالت
- ۱۷۳ ۳- چیستی زمینه سازی ظهور در اندیشه امام خمینی علیه السلام
- ۱۷۵ ۴- دسیسه های باطل استعمار و مسأله انتظار
- ۱۷۶ ۵- یاری و نصرت الهی با مردم نورانی و تابع رهبران راستین است
- ۱۷۷ ۶- سرنوشت تلخ در انتظار بیراهه روندگان
- ۱۷۸ ۷- ارتقاء اندیشه ها و انگیزه های بشری در عصر ظهور امام زمان (عج)
- ۱۷۹ ۸- استقرار دین الهی
- ۱۸۱ **فصل دهم: آسیب شناسی تبلیغ در عرصه مهدویت**
- ۱۸۳ ۱- آسیب شناسی تبلیغ انتظار در عصر ظهور
- ۱۸۴ ۲- جایگاه و شأن حضرت مهدی (عج) در اندیشه امام خمینی و آیت الله بروجردی
- ۱۸۶ ۳- پرهیز از طرح مطالب سست، واهی و بی اساس
- ۱۸۸ ۴- ایجاد اندیشه های جدید در طرح مباحث مهدوی
- ۱۹۰ ۵- توجه به آفت ها و آسیب های اندیشه مهدویت
- ۱۹۲ ۶- پرهیز از درآمیختن فعالیت های مهدوی با اغراض و سلیقه های شخصی
- ۱۹۳ ۷- رعایت اخلاص در عمل و پیراسته داشتن نیت
- ۱۹۶ ۸- توجه به دیدگاه ها و نظرات بزرگان دین
- ۱۹۷ ۹- آسیب شناسی مجالس و مراسم مهدوی



## مقدمه

تشکیل یک نظام واحد جهانی، اندیشه‌ای است که از دیرباز مطرح بوده و ریشه در ندای فطری و درونی انسان‌ها دارد. در طول تاریخ همواره بشر به دنبال مدینه فاضله و سعادت دنیوی و ... در سایه یک نظام الهی و قوانین مترقی بشری بوده است. قریب به اتفاق همه مکاتب پر آوازه‌ای که در طول تاریخ به ظهور رسیدند - اعم از الهی و غیر الهی - اعتقاد به برقراری یک حکومت واحد جهانی دارند. اسلام بر پایه نیاز فطری بشر بر این اعتقاد است که اگر قرار باشد جامعه بشری به بهترین شیوه اداره شود و بشر روح صلح، امنیت و سعادت واقعی را به خود دیده و راه رشد و تکامل را طی نماید، راهش این است که همگان تحت حکومت واحد جهانی مبتنی بر قوانین آسمانی اسلام در آیند.

حکومت حضرت مهدی (عج) کامل‌ترین، پیشرفته‌ترین و گسترده‌ترین حکومت‌هاست، لذا ساختار و سازمان این حکومت، متناسب با موقعیت زمانی و مکانی، ساختار و نهادهای قدرت متمایز و ویژه‌ای خواهد داشت. پس نمی‌توان با الگوهای موجود آن را تبیین کرد؛ اما با توجه به اینکه دولت اخلاقی مهدی (عج)، مبتنی بر ساختار امامت است، بنابراین می‌توان این انگاره را مورد توجه قرار داد و ساخت جهانی آن را مشخص نمود.

این الگو با توجه به سیره و روش حکومتی امام علی علیه السلام در جهان اسلام، متصور است. بر این اساس، امام و رهبر مسلمانان، در رأس

قرار می‌گیرد و زمامداران را به عنوان والی و حاکم، به کشورهای تحت نفوذ، گسیل می‌دارد.

این برداشت، به طور کلی براساس روایات وارده صورت می‌گیرد و با در نظر گرفتن شیوه و ساخت حکومتی امام علی علیه السلام، در مورد حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) در گستره جهانی تطبیق داده می‌شود، هرچند با توجه به مقتضیات زمانی و مکانی، ممکن است تفاوت‌هایی هم با آن داشته باشد.

براساس این الگو، محور و مرکز تصمیم‌گیری‌ها، سیاست‌گذاری‌ها و اداره جهان، «امام» است و مناطق و بلاد مختلف، توسط والیان (حاکمان) منصوب از سوی امام، اداره می‌شوند. در این الگو، همه از یک قانون اساسی (اسلام) و خط مشی واحد پیروی می‌کنند، هرچند ممکن است در اشکال و قوانین داخلی، با هم تفاوت‌هایی داشته باشند.<sup>۱</sup>

در حکومت حضرت مهدی (عج)، حکومت وسیع و یکپارچه جهانی با عظمت و شکوه فراوان شکل می‌گیرد: «ان ملکنا اعظم من ملک سلیمان»<sup>۲</sup> و حکومت اسلامی بر جهان تسلط خواهد یافت: «و لا یكون ملك الا للاسلام»<sup>۳</sup> و حضرت مهدی (عج) حاکم و فرمانروای آن خواهد بود: «حتى یملك رجل من اهل بیتی... یملأ قسطاً و عدلاً»<sup>۴</sup>.

۱. دانشنامه امام علی علیه السلام، ج ۶، ص ۱۲۵ و ۱۲۶.

۲. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۳۰۶.

۳. کامل سلیمان، یوم الخلاص، ج ۱، ص ۴۹۶.

۴. محمّد بن جریر طبری، دلائل الامامة، ص ۲۵۵.

موضوع ظهور و انتظار فرج و موضوعات مرتبط به آن، مباحثی است که پس از غیبت کبرای امام عصر (عج) پیوسته و به فراخور شرایط اجتماعی و سیاسی نظام‌های حاکم بر مسلمین مطرح بوده است؛ چراکه این موضوع نه فقط در اندیشه شیعه بلکه در کل جهان اسلام در اشکال مختلف جزء بنیادی‌ترین و زنده‌ترین مسائل دینی، اعتقادی و اسلامی به خصوص از منظر مکتب اهل بیت علیهم‌السلام است، از این رو علما و صاحب نظران عرصه دین مبین اسلام بر اساس نیاز و اقتضائات جامعه زمان خود از آن سخن گفته‌اند.

در میان دیدگاه‌های مطرح شده از سوی علمای اسلام، نظریات و سخنان امام خمینی رحمته‌الله به جهت موفق شدن در پایه‌ریزی و استقرار نظامی مبتنی بر آموزه‌های مهدوی از اهمیت به سزایی برخوردار است.

امام خمینی رحمته‌الله از کسانی است که جریان ظهور مصلح کل و عدل‌گستر جهانی را هم در آثار و اندیشه متجلی کرده و هم در میدان عمل درباره مهدویت از جنبه‌های مختلف به طور زنده، آموزنده و کارآمد سخن گفته و به مورد اجرا گذاشته است.

انتظار قیام یک مصلح بزرگ جهانی، انتظار انقلاب و دگرگونی و تحولی عظیم است که وسیع‌ترین و اساسی‌ترین انقلاب‌های انسانی در طول تاریخ بشر است و تقریباً عمده ادیان الهی بشارت آن را در کتب آسمانی خویش داده‌اند.

انقلابی که عمومی، همگانی و جهانی است و تمام شؤون و جوانب زندگی انسان را شامل می‌شود. در این میان، انقلابی که بیش از هر

انقلاب دیگری در مسیر انقلاب جهانی حضرت مهدی (عج) ولو در سطح منطقه‌ای و ملی قدم نهاده است.

انقلاب اسلامی ایران است که حداقل در تئوری و نظریه‌پردازی با توجه به اینکه بر اساس قوانین اسلامی، به ویژه فقه اهل بیت است نمونه و الگوی بسیار کوچکی از مسیر حکومت عدل و داد حضرت مهدی (عج) است، مبانی فکری و نظری، اهداف و عوامل ایجاد کننده انقلاب، رهبری و چشم‌انداز آینده آن، چیزی است که این دو انقلاب را بیش از پیش به هم شبیه می‌سازد و انقلاب اسلامی ایران در جایگاه نمونه کوچکی از انقلاب جهانی حضرت مهدی (عج) مطرح می‌گردد.

بی‌شک در بحث بررسی نقش انقلاب اسلامی ایران در زمینه‌سازی برای ظهور، بیش از هر چیز تحقیق و تدبیر در دیدگاه‌های امام خمینی علیه السلام به عنوان بنیانگذار کبیر این انقلاب در این موضوع ضروریست.

در حقیقت تحقیق مذکور با یاری خداوند و استمداد از روح بلند معمار کبیر انقلاب به سرانجام رسید، باشد که مورد قبول بارگاه حضرت حق و حضرت بقیةالله الاعظم (عج) واقع گردد.

شهر مقدس قم

شهریور ۱۳۹۰ (هش) برابر با ۱۴۳۱ (هق)

سید حبیب الله موسوی



فصل اوّل:

رمز جهانی بودن اسلام

## ۱- جاودانی بودن دین اسلام

بشر از زمانی که که پا به عرصه حیات گذاشت، همواره در پی ساختن دنیایی بوده تا بتواند در سایه آن از حقوق و امتیازات مساوی همراه با امنیت و آزادی برخوردار باشد. بر مبنای چنین اندیشه و تفکری بود که اسلام در جهان جهالت زده پرتو افکند و با جهانی اعلام کردن رسالتش در پی آن بود تا بر اساس یک قانون، آن هم قانون واحد الهی، دنیا را اداره کند و حاکمیت خدا را بر زندگی بشر مستقر سازد.

هدف اسلام، ساختن همه انسان‌ها و هدایت آنها در طریق سعادت و کمال است و برایش فرقی نمی‌کند که این انسان در کجا زندگی می‌کند، و یا چه نژاد و ملیتی دارد.

با این توضیح مختصر می‌توان مهم‌ترین دلایل برای استقرار یک حکومت واحد جهانی، تحت حاکمیت قانون الهی را به شرح زیر بیان کرد:

اسلام از بدو ظهور، خود را با یک دید جهانی به مردم عرضه کرد:

﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا﴾؛<sup>۱</sup> «و فرستادیم تو را مگر برای همه مردم مژده دهنده و ترساننده». و یا اینکه: ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا﴾؛<sup>۲</sup> «بگو: ای مردمان! من فرستاده خدا به سوی همه شما هستم».

این گستردگی و این جاودانگی، بیانگر رسالت جهانی اسلام است؛ و رمز جهانی بودن اسلام، هماهنگی آن با طبیعت و فطرت بشری است: ﴿فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ﴾؛<sup>۳</sup> «پس روی خود را متوجه آیین خالص پروردگار کن، این سرشتی است که خدا، انسان‌ها را بر آن آفریده؛ دگرگونی در آفرینش خدا نیست». و چون فطرت امری است که دگرگونی در آن وجود ندارد، اسلام نیز جاودانگی و گستردگی خود را از این طریق اثبات کرده است.<sup>۴</sup>

## ۲- جامع نگری دین اسلام

«اسلام» راهی است نمایان و روشن؛ راهی به زندگی و کمال؛ این آیین، عقیده‌ای است و برنامه‌ای. عقیده‌ای که جهان هستی را می‌شناساند، و موقعیت «انسان» را در این پهنه وسیع مشخص می‌سازد و هدف اصلی آفرینش او را بیان می‌کند. و برنامه‌ای که کلیه سازمان‌ها و تشکیلات زندگی ساز را که از آن عقیده سرچشمه گرفته

۱. سوره سبأ، آیه ۲۸.

۲. سوره اعراف، آیه ۱۵۸.

۳. سوره روم، آیه ۳۰.

۴. حقوق بین المللی اسلامی، ج ۳، ص ۲۲۳-۲۲۴.

و بدان متکی است شرح می‌دهد و طرز فکر اسلامی را به صورت واقعیتهای مجسم، در زندگی بشر جلوه‌گر می‌سازد، مانند:

۱- سازمان اخلاقی، یعنی ریشه‌های اخلاق و پایه‌های اساسی و نیروهای نگاه‌دارنده آن در اجتماع.

۲- تشکیلات سیاسی و شکل حکومت و خصوصیات آن.

۳- نظام اجتماعی و هر آنچه در نگاه‌داری و بقاء آن مؤثر است.

۴- سیستم اقتصادی و فلسفه و تشکیلات آن.

۵- حقوق بین‌المللی و همبستگی جهانی.

طبق تعلیمات اسلامی، ما معتقدیم که سرانجام، بشریت فرمانبر اسلام خواهد شد و جهان در آینده، قلمرو اسلام خواهد گشت، و گواه ما آنکه این آیین، راه زندگی و کمال است. می‌گوییم راه زندگی؛ زیرا کلیه لوازم یک زندگی اجتماعی سعادت‌مندانه، به صورت مقرراتی متین و محکم، پیوسته و غیر قابل انفکاک، در برنامه آن گنجانده شده و موجود است. و همین مقررات است که زوایای مختلف زندگی بشر را اداره می‌کند، و به نیازمندی‌های گوناگون وی پاسخ می‌دهد، و نیروهای انسانی او را در راه‌های صحیح و ضروری مصروف می‌سازد.<sup>۱</sup> اگر انسان‌ها در کل جوامع بشری به جایی مراجعه کنند که از آدمی و سرشت او شناخت درستی داشته باشند برای اداره زندگی خود با مشکل مواجه نخواهند بود، اما خوی خودخواهی و خودبرتربینی

۱. آینده در قلمرو اسلام، ص ۱۹-۲۲.



انسان مانع از آن می‌شود تا به سوی کسی مراجعه کند که از همه جهت آدمی را می‌شناسد. اسلام معتقد است خالق انسان از مخلوق خود آگاهی کامل دارد و از همه هواها و هوس‌های او آگاه است و اوست که می‌تواند بهترین نسخه را برای ادارهٔ بهتر زندگی بشر صادر کند:

«وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعَلِمُ مَا تُوسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ»<sup>۱</sup> «و ما انسان را خلق کردیم و از وسوسه‌های نفس او کاملاً آگاهیم و ما از رگ گردنش به او نزدیک‌تریم».

«ما از رگ گردنش به او نزدیک‌تریم»، منظور آن است که ما از همه کس و همه چیز به او نزدیک‌تر هستیم، او را بهتر از هر کس دیگری می‌شناسیم، و آرزو و نیازهای او را می‌دانیم و می‌توانیم بهترین قانون را برای تنظیم زندگی‌اش عرضه کنیم.

### ۳- شؤون پیامبر و ائمه علیهم السلام از دیدگاه شیعه

امامت؛ به عنوان جایگاهی مشترک بین پیامبر و امامان علیهم السلام در گفتمان شیعه از جنبه‌های گوناگون، جای بحث و بررسی دارد:

الف) تعبیر «امامت» در ادبیات فقه و کلام شیعه، معنای وسیع‌تری از حکومت و خلافت دارد؛ شیعه همزمان برای پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام چند شأن و مقام قائل است.

ب) در اینکه کدام یک از مقام‌ها، اساس و بنیاد امامت را تشکیل می‌دهد و کدام تبعی و فرعی است، نظریه‌های متفاوتی ابراز شده است.

ج) آیا شؤون امامت از اشتراک معنوی برخوردارند که نمی‌توان آن‌ها را از هم تفکیک نمود، یا از هم جدا بوده و حتی ممکن است با توجه به دوره‌های مختلف و افراد خاص، از هم متمایز بشوند؟

د) آیا امامت، بحث کلامی است یا فقهی؟

و سؤال‌هایی دیگر از این قبیل.

شیعه، امامت را ادامه نبوت تفسیر می‌کند و برای پیامبر ﷺ و به تبع، برای امامان علیهم‌السلام شأن‌های مختلفی بیان کرده است:

۱- ابلاغ و تبیین وحی: دریافت وحی و ابلاغ آن، وظیفه پیامبر ﷺ است که این امر، بدون کمترین دخل و تصرف در پیام‌های وحیانی انجام می‌گیرد. مردم نیز وظیفه داشتند پس از شنیدن، در فهم آن بکوشند و به فرمان‌های خداوند عمل کنند:

﴿وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا﴾؛<sup>۱</sup> «آنچه را پیامبر خدا برای شما آورده، بگیرید [و اجرا کنید] و از آنچه نهی کرده، خودداری نمایید».

۲- حکومت و فرمانروایی: از دیدگاه شیعه، پیامبر ﷺ را خدا به این منصب برگزیده است. او وظیفه دارد به تشکیلات حکومتی دست بزند و قدرت سیاسی را برعهده بگیرد و در واقع بر مردم ولایت یابد:

﴿أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾؛<sup>۲</sup> «اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولوا الامر [اوصیای پیامبر] را».

۲. سوره نساء، آیه ۵۹.

۱. سوره حشر، آیه ۷.

بر اساس تفسیر مفسران،<sup>۱</sup> اطاعت خواسته شده در این آیه، افزون بر پیروی مؤمنان از شریعت است. مؤمنان موظفند از فرمان‌هایی که پیامبر صلی الله علیه و آله (حاکم) و امامان علیهم السلام (حاکمان بر حق) صادر می‌کنند، به دلیل ارتباط این فرمان‌ها با مصالح سیاسی و اجتماعی آنها، پیروی نمایند.

۳- قضاوت: بر اساس این شأن، مسلمانان موظفند در اختلاف‌ها و دعواهای شخصی، به پیامبر صلی الله علیه و آله رجوع کرده، او را داور قرار دهند و نتیجه حکم او را با جان و دل بپذیرند و این تسلیم، شرط ایمان است:

﴿فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِيْ أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾<sup>۲</sup> «به پروردگارت سوگویند! که آنها مؤمن نخواهند بود، مگر اینکه در اختلاف‌هایشان، تو را دآوری طلبند و سپس از دآوری تو، در دل خود احساس ناراحتی نکنند و کاملاً تسلیم باشند».

قضاوت پیامبر صلی الله علیه و آله نیز در وجه کلی، بر اساس دلیل و شاهد صورت می‌گرفت و با قضاوت‌های عرفی تفاوتی نداشت. پیامبر صلی الله علیه و آله در ادای این رسالت، نه به غیب، بلکه متکی به ظاهر بود، اگر در مورد خاصی، بر او وحیی نازل می‌شد استثنا بود.

حکومت پیامبر صلی الله علیه و آله نیز با حکومت‌های عرفی - در شکل - جدا نبود.

۱. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۱۳؛ امامت و رهبری، ص ۴۸.

۲. سوره نساء، آیه ۶۵.

پیامبر ﷺ در صورت لزوم مشورت می‌کرد و مؤمنان نیز از عمل سیاسی پیامبر ﷺ چنین فهمی داشته‌اند.<sup>۱</sup>

شیعه، معتقد است هر یک از سه منصب یاد شده، از پیامبر ﷺ به امامان معصوم علیهم‌السلام منتقل شده و آنها وارثان مشروع این منصب ه‌ایند، در حالی که اهل تسنن، تنها به منتقل شدن مقام حکومت اعتقاد دارند.<sup>۲</sup>

#### ۴- نبوت و امامت در اندیشه امام خمینی

از نظر امام خمینی علیه‌السلام جریان نبوت و امامت یک جریان واحد است که تحقق کامل آن در زندگی مسلمین، ضامن سعادت دنیایی و آخرتی آنها خواهد بود. در این میان امامت ائمه علیهم‌السلام، بالاخص حضرت ولی عصر (عج) در زمان حاضر، دارای ویژگی خاص است؛ زیرا او در عین حال که تداوم‌گر رسالت انبیا در شکل امامت در زمانه کنونی است، آخرین حجت خدا بر روی زمین، و صاحب ولایت مطلقه الهی است که بر باطن امور عالم، اشراف دارد، و ما از حضور مستقیم و بهره‌مندی از فیض حضوری آن حضرت محروم هستیم. از این رو در درجه اول شخصیت والای ایشان برای جهان بالاخص شیعیان امامیه، که او را منجی واقعی بشریت در آخرالزمان می‌دانند، برجستگی خاص دارد. از ویژگی‌های شخصیتی ایشان، انسان کامل، خاتم ولایت، وارث انبیا

۱. امامت و رهبری، ص ۵۰.

۲. کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، ص ۳۶۲؛ امامت و رهبری، ص ۵۰.



و اولیاء، حجت الهی حق بر روی زمین و نیز صاحب ولایت مطلقه الهی بودن است که چشم امید همه ما به او دوخته شده است و همه می دانیم که تحقق وعده الهی برای حاکمیت مستضعفان بر کره زمین توسط او محقق خواهد شد.

### ۵- انتظار منفعلانه و فعالانه از منظر امام خمینی

امام خمینی علیه السلام به عنوان یک رهبر و فقیه دینی که خود سالها برای احیای ارزشهای دینی اسلامی به وسیله تشکیل حکومت اسلامی مبارزه کرده و در نهایت موفق به این امر شده، خود را منتظر بی قرار ظهور آن حضرت و تحقق عدالت جهان گستر او می داند و بر آن است که انقلاب اسلامی و حاکمیت ناشی از آن تنها یک مقدمه و زمینه کوچکی برای بروز دولت کریمه حضرت صاحب است.

به بیان دیگر، حاکمیت ما یک حاکمیت منتظر است؛ اما در عین حال، امام خمینی به شدت با انتظار منفعلانه مخالف است و آن را در تضاد با عقل و شرع اسلام می داند؛ زیرا صرف دعا برای ظهور حضرت، بهترین راه برای توجیه سست ایمانها و گسترش ظلم و فساد در جهان و نیز توجیه عملکرد ظالمان است که به شدت مورد نظر آنها می باشد. از این رو امام خمینی علیه السلام قائل به انتظار فعالانه می باشد؛ یعنی منتظر واقعی حضرت صاحب کسی است که با تمام توان برای اجرای احکام اسلام، تحقق عدالت در همه ابعاد آن، دفاع از هستی مسلمانان و تحقق دیگر اهداف دین اسلام مبارزه نماید، که این عین انتظار مورد نظر خدا و رسول و صاحب الزمان علیه السلام است. لذا امام

خمینی علیه السلام قائل به تشکیل حکومت در زمان غیبت برای تحقق موارد فوق می باشد که این باعث انسجام جامعه دینی و جلوگیری از تعدی به مسلمانان می شود و مانع از تحریف حقیقت مهدویت است.

#### ۶- بنیاد امامت، مرجعیت دینی (ابلاغ و تبیین وحی) یا حکومت؟

بحث مهم دیگر شیعه، این است که کدام یک از این سه مقام، اساس امامت را تشکیل می دهد. در اینکه شأن قضاوت، بنیاد امامت است، بحثی نیست، اما در اینکه مرجعیت دینی اساس امامت است، یا حکومت، میان عالمان شیعه اختلاف نظر هست.

همین اختلاف، نوع شکل گیری اندیشه سیاسی شیعه در زمان های مختلف دوره غیبت را تعیین می کند. در این زمینه به بررسی سه نظریه کلامی که در واقع تشکیل دهنده سه الگوی نظری برای دوره غیبت است، می پردازیم.

۱- حکومت، اساس امامت: بسیاری از متکلمان و فقیهان شیعه از گذشته تاکنون در مسأله امامت، بر جنبه سیاسی، تکیه و تأکید نموده اند. از نسل اول عالمان شیعه، سید مرتضی و شاگردش ابوصلاح حلبی، امامت را به گونه ای تبیین کرده اند که فلسفه اصلی آن سیاست و حکومت است.

سید مرتضی، در باب «لطف بودن امامت» گفته است: «امامت پیش ما لطف در دین است، تا در نبود حاکم عادل، وضع زندگی مردم پریشان نشود و نزد آنان اعمال زشت، ظلم و جور آشکار نگردد».

بنابراین، بحث اصلی در امامت، «حکومت و سیاست» است؛ هرچند حاکم شیعه شرایطی دارد که دیگران دارا نیستند.

۲- مرجعیت دینی، اساس امامت: برخی دانشمندان معاصر، به ویژه شهید علامه مطهری رحمته الله علیه بر این باورند که مرجعیت، ابلاغ دین و تبیین شریعت، بنیاد فلسفه امامت است.

به نظر این گروه، اصلی ترین رسالت معصومان علیهم السلام نه امر سیاسی، که امر فرهنگی بوده است:

جایگاه امامت این است که با رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله، بیان تعلیمات آسمانی که در آنها اجتهاد و رأی شخصی وجود ندارد، در یک فرد متمرکز بوده؛ به طوری که مردم در مسائل دینی هرچه از او سؤال می کردند، می دانستند که پاسخ وی بر حق بوده و رأی و فکر شخصی نبوده که امکان اشتباه در آن باشد.<sup>۱</sup>

«[به نظر شیعه] امامت مسأله مصلحتی و سیاسی نیست، که به اختیار و تعیین امت باشد، بلکه قضیه‌ای اصولی است که رکن و پایه دین به شمار می رود».<sup>۲</sup>

بر این مبنا، امامت سیاسی، امری تبعی است که امامان علیهم السلام با ملاحظه مقام معنوی مرجعیت دینی، خود به خود به حکومت نیز اولویت داشتند.<sup>۳</sup>

۳- امامت، مقدمه اجرای شریعت: درحالی که تأکید نظریه نخست،

۲. تاریخ شیعه و فرقه‌های اسلام، ص ۳۹.

۱. امامت و رهبری، ص ۵۴.

۳. امامت و رهبری، ص ۸۰ و ۸۱.

به دست گرفتن قدرت سیاسی به وسیله انسانی معصوم (امام) بود و برداشت دوم، امامت را به «مفسر دین بودن امام معصوم علیه السلام» تعبیر می‌نمود، این دیدگاه بر اصل «اجرای احکام دینی» اصرار می‌کند. مبتکر این نظریه، امام خمینی علیه السلام است که مباحث خود درباره امامت، نبوت و ولایت فقیه را بر محور اجرای احکام متمرکز کرده است.

در این برداشت، امامت منصبی متأخر از اصل شریعت و تابعی از آن و لازمه اجرای شریعت است که توجیه‌گر ضرورت وجود نبی صلی الله علیه و آله و وجود امام علیه السلام نیز به شمار می‌آید. در این دیدگاه، شریعت اصل است؛ حاکم و حکومت، وسیله و ابزاری برای اجرای آن به شمار می‌آید.

امام خمینی علیه السلام درباره وسیله بودن حکومت برای اجرا فرموده‌اند: «عهده دار شدن حکومت فی حد ذاته شأن و مقامی نیست؛ بلکه وسیله انجام [دادن] وظیفه اجرای احکام و برقراری نظام عادلانه اسلام است».<sup>۱</sup>

#### ۷- تأثیرپذیری اندیشه‌های سیاسی دوره غیبت از چیستی امامت

می‌توان بر اساس دیدگاه‌های یاد شده درباره چیستی امامت، چند الگوی متفاوت از نظریه‌های سیاسی شیعه را بر اساس ادوار تاریخی از هم تفکیک نمود:

#### الف) الگوی صبر:

الگوی صبر، انتظار و تعطیلی حکومت معصوم در مدتی طولانی در

۱. ولایت فقیه، ص ۵۴.



دوره غیبت، بر اندیشه‌های شیعه مسلط بوده که از یک طرف تحت تأثیر برداشت اول (حکومت) و از سوی دیگر، روندی تلخ و بلندمدت تاریخی، چنین برداشتی را دامن زده، آن را تقویت کرده است. شیعه و جهان اسلام بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله - چه در زمان حضور و چه غیبت - گرفتار حکومت‌های ستمگرانه «بنی امیه» و «بنی عباس» می‌گردد. پادشاهان این دو قبیله، یکی بدتر از دیگری برای چندین قرن بر دنیای مسلط می‌گردند. تیره شدن تاریخ سیاسی اسلام، ذهنیت دوگانه (سفید مطلق حکومت معصومان و تاریک مطلق حکومت غیر معصوم) شیعه را بنیان می‌نهد و به تدریج نهادینه می‌گردد؛ به عبارت دیگر، تسلط ذهنیت دوگانه تاریخی، هیچ‌گاه به عالمان شیعه این اجازه را نمی‌دهد که بتوانند در دوره غیبت به شکل سوم حکومت - نه معصوم باشد و نه حکومت شاهان ستمگر - بیندیشند.

تجربه تلخ تاریخی، آنها را به این نتیجه ذهنی رسانده بود که تنها دوگونه حکومت وجود دارد: حکومت معصوم صلی الله علیه و آله و حکومت ستمگران که نمی‌تواند مشروع باشد.

سید مرتضی با این منطق که تا ایجاد شرایط مطلوب، ظاهر شدن امام، واجب نیست، تحصیل شرایط امامت (حکومت) را برای اجرای حدود الهی لازم نمی‌داند. او تعطیلی برخی احکام شریعت را در دوره غیبت بلامانع می‌داند و معتقد است تنها هنگام ظهور معصوم صلی الله علیه و آله

واجب می‌گردد؛ شرایط امامت تحصیل کردنی نیست، باید خود به خود حاصل گردد.<sup>۱</sup>

محقق حلی، از علمای قرن هفتم نیز فقیهان را در دوره غیبت، صاحب حکم و نایب امام معصوم علیه السلام می‌داند.<sup>۲</sup>

در هر حال، تصویری که از مسأله حکومت در دوره غیبت، با تکیه بر دیدگاه نسل اول و دوم دانشمندان شیعه می‌توان ارائه نمود، وجود دولت در دولت است. دولت جائز با تکیه بر تشکیلات حکومتی، حکمرانی می‌کند و دولت‌های کوچک فقیهان در حدّ وسیع خود، احکام حسبیه را اجرا می‌کنند، این اجراگاهی به استقلال وزمانی در قالب همکاری اضطراری با سلطان جائز صورت می‌گیرد.<sup>۳</sup>

### ب) الگوی اصلاح:

بر پایه بنیاد اندیشه‌های اصلاحی، دانشمندان شیعه می‌کوشند، تا حکومت موجود را از راه‌های گوناگون تعدیل نموده، از ستم و ستمگری آن بکاهند و در نتیجه، از حالت انعکاس بیرون آمده، در عرصه سیاست به صورت فعال ظاهر می‌گردند. این فرصت در مایه حکومت شیعی صفویان حاصل گشت.

این الگو نیز، از یک طرف تحت تأثیر نظریه امامت (مرجعیت

۱. الشافی، ج ۱، ص ۱۲ و ۱۰۳.

۲. اندیشه سیاسی محقق حلی، ص ۹۸ (به نقل از شرایع الاسلام، ص ۱۳۸).

۳. اندیشه سیاسی محقق حلی، ص ۱۴ و ۱۰۶.

دینی و نه حکومت) است که معتقد به ضرورت حکومت، در جامعه است؛ هرچند حکومت موجود آرمانی نباشد. از سوی دیگر، متأثر از شرایط خاص تاریخی بوده که حکومت شیعی در جهان اسلام (ایران) شکل گرفته است.

بر این اساس، دانشمندان شیعه در تلاشتند با بیشترین همکاری، حکومت موجود را در راستای اهداف دینی سوق داده، از ستم آن بکاهند. این همکاری تا آنجا است که محقق کرکی، فقیه قرن دهم، به دعوت «شاه اسماعیل» به ایران می‌رود. او کتاب جامع المقاصد را «قانونی» برای رفع نیازهای حکومت موجود نوشته و به شاه تقدیم می‌نماید. «شاه طهماسب» بعد از شاه اسماعیل، طی فرمان‌هایی اطاعت از محقق کرکی را واجب قلمداد می‌کند، حتی به ایشان می‌گوید: شما نایب امامید و شایسته‌تر به مقام سلطنت. و سپس خود را کارگزار او خطاب می‌کند.<sup>۱</sup>

اوج نظریه اصلاحی شیعه در دوره مشروطیت، به دست فقیه نامدار و تیزهوش و زمانشناس، «آیت الله نائینی» تحریر و تدوین گشت. مرحوم نائینی اذعان دارد تنها حکومت مشروع تمام عیار، حکومت معصوم علیه السلام است، اما اکنون که دوره غیبت است و دسترسی به حکومت معصوم علیه السلام ممکن نیست، بین دو شکل از نظام سیاسی قرار گرفته‌ایم. از دیدگاه مرحوم نائینی، نظام سیاسی پادشاهی و مشروطه در مقایسه

۱. اندیشه سیاسی محقق شیرازی، ص ۳ و ۲۸۰.

با حکومت معصوم نامشروعند، اما وقتی این دو حکومت را مقایسه می‌کنیم، یکی بر دیگری ترجیح دارد؛ زیرا مفسده یکی از آنها کمتر از دیگری است. نظام سیاسی مشروطه مفسده کمتری دارد و حکومت پادشاهی مفسده‌اش بیشتر است. بنابراین، مشروطه بر پادشاهی برتری دارد و ایجاد آن، از باب دفع افسد به فاسد واجب است.

بر اساس الگوی اصلاح، تحت تأثیر نظریه «امامت یعنی مرجعیت دینی و نه حکومت» عده‌ای از دانشمندان معاصر، تا مرحله اندیشه امکان تشکیل حکومت کاملاً مشروع در زمان غیبت، حتی به دست غیر فقیه پیش رفته‌اند.

با این حال، درون الگوی امامت، این امر پذیرفته شده که با وجود امام معصوم علیه السلام او به حکومت اولویت دارد و حکومت دیگران مشروعیت ندارد.

### ج) الگوی حکومت مشروع تمام عیار:

این الگو، برآمده از نظریه سوم است که در بحث امامت، به جای تأکید بر فرد امام یا پیامبر صلی الله علیه و آله روی شریعت و ضرورت اجرای آن اصرار می‌کند. بر پایه این استدلال، شریعت از جانب خدا تشریح شده و هدف از آن، اجرای عملی محتوای دین در جامعه بوده است. از این رو، هر کس عالم به شریعت و شایسته اجرای آن باشد، باید مجری شریعت بوده، مقدمات آن را که مهمترینش تشکیل حکومت است، فراهم نماید. این چکیده نظریه‌ای است که اولین بار حضرت امام خمینی ره مطرح کردند و بدین شیوه بر آن استدلال نمودند.

البته حضرت امام علیه السلام، ادله عقلی و نقلی زیادی برای تأیید این نظریه بیان داشته‌اند.<sup>۱</sup>

پیش از این نظریه امام خمینی علیه السلام، مهمترین بحث فقها در مورد حکومت، صرفاً مسأله اجرای حکم (احکام شرعی) به وسیله فقیهان در دوره غیبت بود. ابتکار و نوآوری امام علیه السلام در این بود که از مرحله لزوم اجرای احکام شریعت پلی برای دستیابی به حکم وضعی شرعی ساخت. ایشان حکومت و تأسیس تشکیلات سیاسی، نظامی، قضایی، اقتصادی و اجتماعی را زمینه و مقدمه اجرای شریعت دانستند.

اندیشه سیاسی امام خمینی علیه السلام در جهان تشیع از فضای فکری جدید حکایت می‌کند، که راه جدید برای ورود فعالانه در عرصه سیاست، تا مرحله شکل‌گیری حکومت گشود و در عمل نیز این اتفاق بزرگ تاریخی محقق گردید.

#### ۸- شرایط تاریخی اندیشه‌پردازی سیاسی شیعه در عصر غیبت

اندیشه‌های سیاسی شیعه، از حادثه بزرگ غیبت شروع می‌شود. «دوره حضور» مقطعی است که معصوم علیه السلام در جامعه حضور دارد و او، حاق و عین واقعیت را در امور اخروی و دنیوی بیان می‌کند. طبق تفکر شیعه، هر اندیشه‌ای که خلاف اندیشه معصوم باشد، بی‌اعتبار و باطل است.

در «دوره غیبت»، شیعه فرصت اندیشیدن دارد، اما تسلط

۱. ر.ک: ولایت فقیه، ص ۱-۱۶۰؛ شؤون و اختیارات ولی فقیه، ص ۲۳.

سنگین‌تری مانع اصلی بهره‌گیری از این فرصت است. اندیشوران شیعه، تنها در مقاطع خاصی افکار خود را آشکار کرده‌اند.

نخستین اندیشه پردازان شیعه - در دوران غیبت - کسانی‌اند که در شرایط سیاسی - اجتماعی مناسبی قرار گرفتند و توانستند بدون تقیه، نظریه پردازی کنند؛ بزرگانی چون «شیخ مفید»، «سید مرتضی»، «ابوصلاح حلبی»، «شیخ طوسی» و دیگران که در قرن چهارم و پنجم بودند، به طور رسمی دیدگاه‌های کلامی، فقهی و سیاسی شیعه را بیان کردند و آن را به شکل مکتوب به نسل‌های بعدی انتقال دادند.

شرایط مناسب برای این دانشمندان، حاصل حکومت نسبتاً خردورزانه «آل بویه» بود. در آن دوره، «بغداد» مرکز علمی جهان اسلام بود که شیعیان نیز در آنجا اندیشه‌پردازی می‌کردند.

نسل دوم نظریه پردازان شیعه، عالمان قرن هفتم و هشتم بودند. اینها نیز با توجه به موقعیت ویژه‌ای که تحت حکومت مغول‌ها پیش آمده بود، افکار و اندیشه‌های شیعه را در حوزه‌های مختلف فکری، شرح و بسط می‌دادند. از مهمترین عالمان این دوره می‌توان «محقق حلی»، «علامه حلی»، «خواجه نصیر الدین طوسی» و «شهیدین» را نام برد. این فرزندان در ایران و عراق پراکنده بودند.

نسل سوم، کسانی بودند که در دوره سلطنت «صفویه» ظاهر شدند و این حضور، تا زمان مشروطه ادامه یافت. آنان تحت تأثیر فضای باز سیاسی، به نفع شیعیان اندیشه‌پردازی کردند. در این گروه، عالمان

برجسته‌ای، چون «محقق اردبیلی»، «کاشف الغطا»، «صاحب جواهر»، «شیخ انصاری»، «محقق نائینی» و شاگردان آنها قرار داشتند.

نسل چهارم، با امام خمینی علیه السلام شروع می‌شود. این گروه تحت تأثیر افکار و اندیشه‌های امام خمینی علیه السلام، شجاعانه در عصر عمل، فضای بسته دوره پهلوی را به چالش کشانده، تا مرحله انقلاب و پیروزی آن پیش رفتند و در نتیجه، فضای جدیدی برای توضیح و تبیین آزادانه اندیشه‌های شیعه پیش آمد.

#### ۹- ضرورت اسلام و قرآن در اندیشه امام خمینی

«اینهایی که می‌گویند که هر علمی بلند بشود... خیال کردند که هر حکومتی باشد این برخلاف انتظار فرج است، اینها نمی‌فهمند چی دارند می‌گویند. تزریق کردند، که این حرف‌ها را بزنند، نمی‌دانند دارند چی می‌گویند، حکومت نبودن یعنی اینکه همه مردم به جان هم بریزند، بکشند هم را، بزنند هم را، از بین ببرند، برخلاف نص آیات الهی رفتار بکنند. ما اگر فرض می‌کردیم دویست تا روایت هم در این باب داشتند، همه را به دیوار می‌زدیم، برای اینکه خلاف آیات قرآن است. اگر هر روایتی بیاید که نهی از منکر را بگوید نباید کرد، این را باید به دیوار زد. این‌گونه روایت قابل عمل نیست. و این نفهم‌ها نمی‌دانند دارند چه می‌گویند.»<sup>۱</sup>

حضرت امام، در پایان بررسی دیدگاه‌های یاد شده، دیدگاه خود را



در باب مفهوم انتظار فرج، به صراحت مطرح کرده و می‌فرمایند:

البته این پر کردن دنیا را از عدالت، این را ما نمی‌توانیم انجام دهیم. اگر می‌توانستیم می‌کردیم، اما چون نمی‌توانیم بکنیم، ایشان باید بیایند. الآن عالم پر از ظلم است. شما یک نقطه هستید در عالم، عالم پر از ظلم است. ما بتوانیم جلوی ظلم را بگیریم، باید بگیریم، تکلیفمان است. ضرورت اسلام و قرآن، تکلیف ما کرده است که باید برویم همه کار را بکنیم. اما نمی‌توانیم بکنیم؛ چون نمی‌توانیم باید او بیاید تا بکند، اما باید فراهم کنیم کار را، فراهم کردن اسباب این است که کار را نزدیک بکنیم، کار را آنچنان انجام بدهیم که عالم مهیا بشود، برای آمدن حضرت علیه السلام.<sup>۱</sup>

فرمایش امام راحل، یادآور این حدیث نبوی است که:

«يُخْرِجُ النَّاسَ مِنَ الْمَشْرِقِ فَيُوطِنُونَ لِلْمَهْدِيِّ؛ يَعْنِي سُلْطَانَهُ؛ مَرْدَمِيَّ از

مَشْرِقِ زَمِينِ بِيه پَا مِي خِيَزَنْد وَ زَمِينَهُ رَا بَرَايِ بَرِپَايِي حُكُومَتِ مَهْدِيِّ علیه السلام، آماده مي‌سازند».<sup>۲</sup>

آری انتظار در قاموس امام خمینی علیه السلام مفهومی جز آمادگی فردی و اجتماعی برای برپایی دولت کریمه؛ حضرت ولی عصر - ارواحنا له الفداء - ندارد و این همان است که در فرهنگ شیعی بدان اشاره شده و در روایات معصومین علیهم السلام از آن سخن به میان آمده است.

۱. ر.ک: همان، ص ۱۶-۱۷.

۲. منتخب الاثر في الامام الثاني عشر علیه السلام، ص ۳۰۴.

اینجاست که هر پژوهشگر منصفی بر نقش عظیم حضرت امام خمینی علیه السلام در احیای اندیشه انتظار، اذعان نموده و اقرار خواهد کرد که هیچ حکومتی در طول قرون گذشته به اندازه حرکت رهایی بخش امام راحل در زمینه سازی ظهور حضرت حجت علیه السلام تأثیر نداشته است. به امید روزی که فجر انقلاب اسلامی به صبح روشن انقلاب جهانی حضرت مهدی علیه السلام متصل شود و چشم‌های ناقابل‌ما، به جمال بی‌مثال آن پیک خجسته پی روشن گردد، ان شاء الله.

فصل دوم:

وحدت جهان اسلام  
زمینه ساز ظهور

## ۱- وحدت جهان اسلام در اندیشه امام خمینی علیه السلام

اندیشه وحدت امام خمینی علیه السلام با وجود آنکه جنبه عبادی-سیاسی داشت، آرمان ویژه‌ای بود که نوشتار حاضر در صدد تبیین نسبی این آرمان است. باید پرسید، انگیزه‌های امام خمینی علیه السلام در تفکر وحدت چه بود و چه اهدافی را تعقیب می‌نمود؟

«وصیت من به ملت‌های کشورهای اسلامی است که انتظار نداشته باشید که از خارج کسی به شما در رسیدن به هدف که آن پیاده کردن احکام اسلام است کمک کند... کشورهای اسلامی دولت‌ها را دعوت کنند که از وابستگی به قدرت‌های بزرگ خارجی خود را رها کنند و با ملت خود تفاهم کنند در این صورت پیروزی را در آغوش خواهند کشید و نیز ملت‌ها را دعوت به وحدت کنند»<sup>۱</sup>

«از جمله چیزهایی که برای قیام مسلمانان و مستضعفان جهان علیه چپاولگران جهانی و مستکبران جهان خوار لازم به تذکر است، آن است که نوعاً قدرت‌های ستمگر از راه ارباب و تهدید، یا به وسیله بوق‌های تبلیغاتی خودشان و یا به وسیله عمال مزدور بومی خائشان

---

۱. وصیت‌نامه حضرت امام خمینی علیه السلام، ص ۵۶.

مقاصد شوم خود را اجرا می‌کنند. در صورتی که اگر ملت‌ها با هوشیاری و وحدت در مقابلشان بایستند، موفق به اجرای آن نخواهند شد.<sup>۱</sup>

## ۲- ضرورت وحدت از نگاه امام علیه السلام

امام خمینی علیه السلام پیامدهای تفرقه را به خوبی شناخته بود و می‌دانست که تفرقه در میان امت اسلامی در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی تأثیر منفی بسیاری بر جای گذاشته است که رفع آنها بسیار مشکل است و به زمان زیادی نیاز دارد و تنها راه جلوگیری از آسیب‌های ناشی از این تفرقه، وحدت و برادری است که باید حول محور اسلام عزیز و تعالیم حیات بخش آن صورت گیرد که در این راستا ضرورت‌های وحدت را نیز تشخیص داده بودند تا بدان وسیله، امت اسلامی به مسیر و صراط مستقیم الهی رهنمون گردد.

اولین ضرورت وحدت از دیدگاه امام، قیام در راه خدا بود تا جامعه بشری به طور کلی اصلاح شود: «قال الله تعالى: ﴿قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلِي وَفُرَادَى﴾<sup>۲</sup> خدای تعالی در این کلام شریف، از سر منزل تاریک طبیعت تا منتهای سیر انسانیت را بیان کرده و بهترین موعظه‌هایی است که خدای عالم از میانه تمام مواعظ انتخاب فرموده و این یک کلمه را پیشنهاد بشر فرموده، این کلمه، تنها راه اصلاح دو جهان است.<sup>۳</sup>

۲. سوره سبأ، آیه ۴۶.

۱. صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۹۲.

۳. صحیفه امام، ج ۱، ص ۲۱.

در این راستا باید عدالت در جهان گسترش یابد و حزب مستضعفین جهان تشکیل شود: «اگر یک حزبی در عالم پیدا بشود، یک حزب عالمی، حزب مستضعفین که همان حزب الله است، این مشکل رفع بشود»<sup>۱</sup> و مسلمین جهان به رشد سیاسی کافی برسند. و با بازگشت به فرهنگ خودی و خودباوری و سعی در خودکفایی، از غرب نهراسند و در برابر قدرت‌ها ایستادگی کنند.

ضرورت بعدی وحدت، جلوگیری از توطئه و تفوق استکبار جهانی به سرکردگی آمریکا است که با ایجاد تفرقه و اختلاف بین مسلمانان سعی در رسیدن به هدف خود دارد. امام راحل می‌دانست که: «دشمن اصلی اسلام و قرآن کریم و پیامبر ﷺ، ابرقدرت‌ها؛ خصوصاً آمریکا و ولیده فاسدش، اسرائیل است که چشم طمع به کشورهای اسلامی دوخته و برای چپاول مخازن عظیم زیرزمینی آنان در این توطئه شیطانی، [مشغول] تفرقه انداختن بین مسلمانان به هر شکل که بتوانند، می‌باشند»<sup>۲</sup>.

امام می‌خواست با وحدت و ایجاد همبستگی اسلامی بین مسلمانان، همه ملل اسلامی به استقلال و آزادی دست یابند؛ زیرا مسلمانان باید برای به دست آوردن استقلال و آزادی، این کلید پیروزی را به دست آورند و برای وحدت کلمه، کوشش کنند و به استکبار جهانی اجازه ندهند که در مقدرات کشورهای اسلامی، دخالت کند.

۱. صحیفه امام، ج ۹، ص ۳۳۱.

۲. ر. ک: صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۲۸.

### ۳- صلح و صفای جهانی در اندیشه امام خمینی علیه السلام

امام خمینی علیه السلام برای ایجاد صلح و صفا، وحدت را ضروری می‌دانست و می‌فرمود: «جمهوری اسلامی مایل است با همه همجواران و دیگران با صلح و صفا زندگی کند»<sup>۱</sup> و در جای دیگری نیز فرمودند: «امیدواریم که صلح جهانی بر پایه استقلال ملت‌ها و عدم مداخله در امور یکدیگر و مراعات اصل حفظ تمامیت ارضی کشورهای منطقه، بنا گردد».<sup>۲</sup>

از نظر امام علیه السلام، لازمه صلح و صفای جهانی، زیست مسالمت‌آمیز با همه کشورهای عالم است. «دولت و ملت جمهوری اسلامی، طالب اخوت ایمانی با مسلمانان جهان و منطقه و طالب زیست مسالمت‌آمیز با همه کشورهای عالم است».<sup>۳</sup> بنابراین خواهان گسترش روابط براساس اصل احترام متقابل است: «روابط، با تمام خارجی‌ها بر اساس اصل احترام متقابل خواهد بود، در این رابطه، نه به ظلمی تسلیم می‌شویم و نه به کسی ظلم می‌کنیم».<sup>۴</sup> «ما با همه ملت‌های عالم می‌خواهیم دوست باشیم، با همه دولت‌های عالم به حسب طبع اولی، می‌خواهیم دوست باشیم. می‌خواهیم که روابط حسنه، با احترام متقابل نسبت به همه داشته باشیم».<sup>۵</sup>

امام خمینی علیه السلام حکومت اسلامی را حکومتی آزاد و مستقل می‌دانست که روابطش با شرق و غرب به یک نحو است و اگر آنها روابط حسنه

۱. صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۳۹۶.

۲. صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۱۵۳.

۳. صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۴۸۳.

۴. ر. ک: صحیفه امام، ج ۴، ص ۲۴۸.

۵. صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۱۵۳.



داشته باشند، دولت اسلام هم با آنها روابط حسنه دارد و اجازه نمی‌دهد کسی در مقدرات مملکت‌مان دخالت کند؛ بنابراین «... با همه اقشار بشر با تمام مستضعفین عالم روابط حسنه داریم، به شرط اینکه روابط متقابل و احترام متقابل باشد»<sup>۱</sup>.

بنابراین می‌توان گفت امام خمینی علیه السلام با توجه به وظایف شرعی خود برای اصلاح بشر، ایجاد همبستگی بین همه مستضعفان جهان و مسلمانان دنیا، گسترش عدالت اجتماعی، به وجود آوردن صلح و صفا در همه جهان، خودباوری و نفی سبیل، جلوگیری از دخالت ابرقدرت‌ها در مقدرات کشورهای ضعیف و مسلمانان و چپاول ذخایر آنها و گسترش روابط مبتنی بر احترام متقابل و حسن همجواری وحدت مسلمانان و مستضعفان جهان را ضروری می‌شمرد و آن را تنها عامل و رمز پیروزی و بقای هر امتی می‌دانست و بنابراین بر ایجاد وحدت تأکید فراوانی می‌نمود.

#### ۴- لوازم و امکانات وحدت اسلامی

هر آرمان و هدفی لوازمی دارد که بدون آنها، تحقق‌ناپذیر است. علاوه بر اینکه برای رسیدن به آرمان و اهداف باید امکانات مورد نیاز نیز فراهم شود، تا آرمان و اهداف در حدّ آمال و آرزو باقی نمانده؛ بلکه به وسیله این امکانات مورد نیاز، انسان به اهداف خود و سرمنزل مقصود برسد. اندیشه وحدت امام خمینی علیه السلام نیز آرمان امام علیه السلام،

۱. صحیفه امام، ج ۶، ص ۲۲۰.

و دارای لوازمی بود که امکانات تحقق آن باید فراهم می‌شد. ضروری‌ترین مسأله در این رابطه عدالت است؛ زیرا «عدالت لازمه توحید است» و برای ایجاد وحدت اسلامی، باید عدالت اسلامی به عنوان زمینه اصلی وحدت گسترش یابد؛ زیرا در جهان پر از ظلم و بیداد و هر جامعه ظالمانه‌ای، وحدت هرگز تحقق نخواهد یافت.

امام علیه السلام می‌فرمودند که «انبیا از آدم تا خاتم تشریف آوردند... برای اینکه پرچم توحید و عدالت را در بین ملت‌ها برپا کنند».<sup>۱</sup>

استقلال و آزادی از دیگر لوازم وحدت است و حتی می‌توان گفت، استقلال علمی کشورهای اسلامی از مهم‌ترین آنهاست «... زیرا وقتی ما می‌توانیم در مقابل همه دنیا بایستیم و بگوییم ما نه طرف مغضوب علیهم می‌رویم و نه طرف ضالین، نه طرف غرب می‌رویم نه طرف شرق می‌رویم، وقتی ما می‌توانیم اینطور باشیم و به صراط مستقیم عمل کنیم که همه ما با هم باشیم، همه ید واحد باشیم».<sup>۲</sup>

می‌دانیم که انسان‌ها، به طور فطری در فرقه‌های مختلف آفریده شده‌اند و عقاید و سلايق گوناگونی دارند. مسلمانان نیز بر این اساس، عقاید و نظرات متفاوتی دارند که این اختلاف عقیده موجب تنش و درگیری‌های زیاد بین آنها شده است، اما از نظر امام خمینی علیه السلام اختلاف عقیده، نباید مانع وحدت شود و می‌توان با داشتن عقاید متفاوت، وحدت نیز داشت: «عقاید مختلف، اسباب اختلافات خارجی

۲. ر.ک: صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۳۲۷.

۱. ر.ک: صحیفه امام، ج ۱۷، ۹۸.

چرا بشود»<sup>۱</sup> بنابراین همه انسان‌ها و به تبع آن، همه مسلمانان باید عقاید و سلايق شخصی و فرقه‌ای و نژادی و ... خود را نادیده گرفته و با تأکید بر اصول مشترک انسانی و اسلامی خود، حول محور توحید، زمینه‌های پیاده شدن حاکمیت همه جانبه اسلام، فراهم گردد.

امام خمینی علیه السلام برای تحقق آرمان وحدت خویش، از امکانات موجود بهره می‌جست و حتی امکانات جدیدی را پیگیری می‌نمود. یکی از این امکانات، مسأله فلسطین و اشغال آن توسط رژیم اشغالگر قدس؛ یعنی اسرائیل بود که ایده تشکیل «اسرائیل بزرگ؛ یعنی از نیل تا فرات»<sup>۲</sup> را در سر داشت و برای تحقق این ایده خود به کشورهای اسلامی تجاوز نمود و مسلمانان ساکن این سرزمین را کشتار نمود و یا از خانه و کاشانه خود آواره کرد.

امام برای مقابله با خوی تجاوزگری و خونخواری رژیم اشغالگر قدس و محو اسرائیل از صحنه روزگار، آخرین جمعه ماه مبارک رمضان را به عنوان روز جهانی قدس اعلام نمود، تا همه مسلمانان در یک روز علیه اسرائیل به حرکت و خروش درآیند.

امام علیه السلام آزادسازی قدس را تکلیف همه مسلمانان می‌دانستند «...اصولاً این تکلیف همه مسلمین است که قدس را آزاد کنند و شرّ این جرثومه فساد را از سر بلاد اسلامی قطع کنند»<sup>۳</sup> که این امر جز با اتحاد همه مسلمانان امکان‌پذیر نمی‌باشد.

۱. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۱۲۱.

۲. صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۱۰۷.

۳. صحیفه امام، ج ۵، ص ۱۸۶.

مراسم سالانه حج ابراهیمی از دیگر امکاناتی بود که امام علیه السلام برای تحقق وحدت امت اسلامی، از آن بهره گرفت. و مراسم برائت از مشرکین را که می‌رفت به حافظه تاریک تاریخ و فراموشی ابدی سپرده شود، دوباره احیاء نمود تا همه حجاج از هر کشوری که باشند، سیاه و سفید، آسیایی، آفریقایی، اروپایی و آمریکایی، شیعه و سنی و... با شرکت در راهپیمایی برائت از مشرکین، گوشه کوچکی از وحدت امت اسلامی را جلوه‌گر سازند و با اجتماع در کنار همدیگر از امور مسلمانان و دردها و آلام آنها آگاه شده و برای رسیدگی به این دردها، چاره‌جویی کنند.

بنابراین امام علیه السلام استقلال، آزادی و عدالت را لازمه و زمینه‌ساز وحدت اسلامی و همه مستضعفان جهان می‌دانست و اصولاً اختلاف عقیده را مانع تحقق وحدت تلقی نمی‌کرد و برای پیاده شدن مقاصد اسلام و حاکمیت همه جانبه آن، وحدت را تنها وسیله ممکن می‌دانست و برای جامه عمل پوشانیدن به آرمان وحدت اسلامی از امکاناتی نظیر مسئله فلسطین و آزادی قدس و مراسم حج و برائت از مشرکین که مورد اتفاق همه فرق و مذاهب اسلامی بود، استفاده می‌کرد و مسلمانان جهان را به تفاهم و اتحاد همه جانبه دعوت می‌نمود.

##### ۵- انگیزه‌های وحدت

امام خمینی علیه السلام در آرمان وحدت خود، انگیزه‌های گوناگونی داشت که از مکتب اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله الهام گرفته بود. از نظر امام علیه السلام،

دین مبین اسلام و حکومت‌های الهی با سایر حکومت‌های مادی، تفاوت‌های اصولی دارد؛ زیرا حکومت‌های غیر الهی فقط در پی تحقق و حفظ نظم کشور خود بوده و حداکثر کاری که انجام می‌دهند، این است که نگذارند کسی به دیگری ظلم و تعدی بکند؛ در حالی که اسلام و حکومت‌های الهی برای هر مسأله احکام خاص خود را دارد و یکی از این مسائل مهم، دفاع از کیان اسلام است که به وحدت مسلمانان بستگی دارد، «از امور مهمه‌ای که بر همه واجب است، دفاع از اسلام، دفاع از جمهوری اسلامی است» که به وحدت بستگی دارد و مسأله وحدت برای حفظ کیان اسلام امری حیاتی است. از طرف دیگر، تفرقه امر منکری است که باید از آن جلوگیری شود؛ زیرا امر به معروف و نهی از منکر از واجبات الهی است و برای اطاعت امر خدا باید امر به معروف و نهی از منکر نمود که «بزرگ‌ترین منکر، غلبه اجانب بر ماست، این منکر را باید نهی کنید، حکومت‌ها را نهی کنید از مخالفتی که با هم دارند و با ملت دارند، با دشمنان اسلام که خدا فرموده مراوده نکنیم محبت می‌کنند، الآن منکری بالاتر از این نیست که مصالح مسلمین را به خطر انداخته است، این وظیفه همه شماست، که می‌خواهید برای خدا کار کنید، همه باید این دشمنی را نهی کنیم و وحدت اسلامی را شعارمان کنیم، با وحدت وزیر پرچم لا اله الا الله [بودن]»<sup>۱</sup>.

۱. صحیفه امام، ج ۷، ص ۱۸۷.

وحدت نیز امر معروفی است که موجب صلح و آرامش در دنیا می شود و باید برای تحقق شرایط صلح، آیین وحدت و اخوت را ایجاد نمود و آن را مستحکم تر کرد؛ زیرا «... ما دنبال این هستیم که دنیا در صلح و آرامش باشد، اسلام از اول دارای یک همچو مقصدی بود و خصوصاً در بین مؤمنین، در بین مسلمین، اخوت را سفارش فرموده است...»<sup>۱</sup>

انگیزه دیگر امام علیه السلام انسان سازی است تا در سایه وجود انسان های کامل، عدالت نیز گسترش یابد و زمینه های آسیب پذیری جامعه مسلمانان از بین برود، در غیر این صورت آسیب پذیری آنان حتمی است؛ زیرا «... آن روز آسیب به ما می رسد که از باطن بگندیم، افراد باطنشان بگندد و این گند هم سرایت کند و یک دسته ای را از بین ببرد و متعفن کند»<sup>۲</sup> در حالی که تربیت یافتگان مکتب انبیا و ائمه - سلام الله علیهم - هرگز خلاف نمی کنند که در پی این تخلف، جامعه نیز آسیب ببیند.

انگیزه دیگر، تأمین استقلال و آزادی و محافظت از استقلال و آزادی و شرافت انسانی مسلمانان می باشد؛ بنابراین امام علیه السلام می فرماید: «اگر ما تسلیم آمریکا و ابرقدرت ها می شدیم، ممکن بود امنیت و رفاه ظاهری درست می شد و قبرستان های ما پر از شهدای عزیز ما نمی گردید. ولی استقلال و آزادی و شرافتمان از بین می رفت. آیا ما می توانیم اسیر آمریکا و دولت های کافر شویم، تا بعضی چیزها ارزان شود و شهید و مجروح ندهیم؟»<sup>۳</sup>

۲. صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۱۲۴ - ۱۲۵.

۱. صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۴۰۵.

۳. ر. ک: صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۳۵.

دیگر انگیزه امام علیه السلام در آرمان وحدت، حلّ معضلات کشورهای اسلامی و مسلمانان جهان است؛ لذا امام همه آنها را به وحدت فرا می‌خواند و برقراری روابط دوستانه بین آنها را توصیه می‌کند.

اما امام بر این نکته واقف است که هر «هدف بزرگ، دارای اشکالات و گرفتاری‌های بزرگ نیز هست»<sup>۱</sup> مسأله وحدت امت اسلامی و مستضعفان جهان نیز اهداف بزرگی است که موانع بزرگی در سر راه آن قرار دارد.

ولی با عنایت به اینکه فطرت و سرشت انسان وهستی بر وحدت استوار و تنیده شده است و همه هستی به سوی هدف واحدی، رهسپار است «با صبر و تحمل انقلابی به پیش می‌رویم تا عدل الهی و اسلام عزیز»<sup>۲</sup> را در جهان گسترش دهیم. از این رو امام علیه السلام به همه مسلمانان جهان توصیه می‌نماید: «ای مسلمانان ... بر فرهنگ اسلام تکیه زنید و با غرب و غربزدگی مبارزه نمایید و روی پای خودتان بایستید و بر روشنفکران غربزده و شرق زده بتازید و هویت خویش را دریابید و بدانید که روشنفکران اجیر شده، بلایی بر سر ملت و مملکتشان آورده‌اند که تا متحد نشوید و دقیقاً به اسلام راستین تکیه ننمایید، بر شما آن خواهد گذشت که تاکنون گذشته است»<sup>۳</sup>.

۱. صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۴۵.

۲. ر.ک: همان.

۳. صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۲۱۱-۲۱۲.



### ۶- گستره وحدت اسلامی

وحدت مورد نظر امام خمینی علیه السلام دارای دامنه وسیعی است و از ملت شیعه ایران تا همه مسلمانان جهان و مستضعفان عالم و حتی همه انسان‌های روی زمین را شامل می‌شود؛ بنابراین امام علیه السلام به همه آنها توصیه می‌کند که با الگوگیری از انقلاب اسلامی ایران، خود را بیابند و اعتماد به نفس پیدا کنند که «... اِتکال به نفس بعد از اعتماد به خداوند، منشأ خیرات است».<sup>۱</sup> انقلاب اسلامی ایران موجب احیا و بیداری نفوس مستضعفان، محرومان و مسلمانان جهان شد و خیرات و برکات زیادی را به همراه آورد. این انقلاب پیام آور وحدت و آزادی و استقلال برای مستضعفان جهان و مسلمانان دنیا بود، که همه اینها ناشی از خودیابی مردم مسلمان ایران بوده است.

بعد از مردم مسلمان ایران، این وظیفه امت اسلامی است که در ایجاد وحدت بکوشند: «امت‌ها خودشان باید امت واحد باشند، مجتمع باشند، خودشان را از هم جدا ندانند، مرزها را اسباب جدایی قلب‌ها ندانند».<sup>۲</sup> اگرچه امروزه مسلمانان جهان توسط مرزهای جغرافیایی از همدیگر جدا شده و بیش از ۵۰ کشور کوچک و بزرگ تشکیل داده‌اند؛ اما به حکم الهی و بنا به مقتضیات و شرایط زمانی باید تحت لوای اصول مشترک اسلامی و انسانی پیوندهای خود را مستحکم‌تر نمایند که به لطف الهی، افق روشن آن آشکار شده است.

۱. صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۶۲.

۲. ر.ک: صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۱۰۵.

«امروزه دورنمای صدور انقلاب اسلامی... در جهان مستضعفان و مظلومان دیده می‌شود و جنبشی که از طرف مستضعفان و مظلومان جهان علیه مستکبران و زورمندان شروع شده، در حال گسترش است».<sup>۱</sup>

علاوه بر امت اسلامی، روحانیون هر دینی نیز وظیفه دارند، برای تحقق آرمان‌های انبیا که وحدت یکی از مهم‌ترین آنهاست، اقدام نمایند «روحانیون مسیح، روحانیون مسلمان، روحانیون یهود،... در مرتبه اول واقعند، برای تحقق دادن به آرمان انبیا که همان وحی الهی است...».<sup>۲</sup>

همچنین علما و روشنفکران کشورهای اسلامی، وظیفه دارند در ایجاد وحدت اسلامی کوشش کنند که تنها راه پیروزی و بقای آنهاست. امام علیه السلام پیشنهاد می‌نمایند: «علما و روشنفکران همه کشورهای اسلامی به انگیزه پیدا کردن راهی برای نجات کشورهای اسلامی از چنگال ابرقدرت‌های غرب و شرق و برای بیرون کردن سران کشورهای اسلامی از تحت سلطه جهانخواران و برای ایستادگی در مقابل استعمار و استثمار، طرحی بریزند که هرچه بیشتر با یکدیگر در تماس باشند، و اساس طرح را بر بیداری خلق‌های محروم بگذارند و به یقین باور کنند که راه را خواهند یافت و پیروز خواهند شد».<sup>۳</sup>

امام علیه السلام دامنه شمول وحدت را فراگیر دانسته و از همه انسان‌ها

۱. ر. ک: صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۴۸۰. ۲. ر. ک: صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۴۰۶.

۳. صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۳۴۲.

و مستضعفان جهان، مسلمانان عالم و همه فرقه‌ها و مذاهب اسلامی و حتی از روحانیون ادیان مختلف و روشنگران مسلمان، می‌خواهد که در راستای ایجاد اتحاد ملل بر اساس اصول مشترک انسانی و اسلامی بکوشند و از همه شعائر برای ایده وحدت خواهی خود، بهره جویند.

### ۷- اهداف وحدت اسلامی

امام خمینی علیه السلام در آرمان وحدت خود، اهدافی را دنبال می‌کرد که می‌توان آنها را به اهداف داخلی، اهداف خارجی و اهداف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی، تقسیم‌بندی نمود. از جمله اهداف داخلی وحدت می‌توان به آزادی و استقلال، رفع ایادی اجانب، و قطع دست خیانتکاران و جنایتکاران، عظمت و شرافت مسلمانان، پیشبرد اهداف اسلام، تحقق همه جانبه اسلام در ایران، استقرار حکومت دموکراسی صحیح، نه دموکراسی غربی و شرقی فاسد، بقای انقلاب اسلامی، تحقق عدالت اجتماعی، بسط عدالت فردی و اجتماعی اشاره کرد.

اما هدف‌های خارجی آرمان وحدت امام علیه السلام عبارتند از: ایجاد معرفت برای بشر، برقراری صلح و آرامش در جهان، پیاده کردن دموکراسی و آزادی حقیقی، تحقق یک انقلاب عمیق عمومی در سراسر جهان، در مقابل جهانخواران ضد بشریت، بازیابی استقلال روحی و دور کردن احساس حقارت از خود در مقابل حکومت‌های جور، شکسته شدن سلطه جهانخواران بر ملت‌های مستضعف جهان،

به دست آوردن حق تعیین سرنوشت، توسط ملت‌ها و بیداری دولت‌ها، استقرار حکومت اسلام در همه اقطار عالم، تشکیل امتی شکست‌ناپذیر و بنیان مرصوص، ایجاد هویت اسلامی برای مسلمانان، رهایی از فقر علمی در جوامع اسلامی، رسیدگی به درد مسلمانان.

امام خمینی علیه السلام در نظر داشت در کوتاه مدت، حکومت اسلامی را در ایران مستقر نموده و با نفی استعمار و استبداد و کسب استقلال و آزادی، در میان ملت، عدالت اجتماعی را تحقق بخشیده و آن را بسط و گسترش دهد و از نظام جمهوری اسلامی ایران الگوی ویژه‌ای برای همه مسلمانان جهان و مستضعفین عالم ارائه نماید، تا آنها نیز به استقلال و آزادی نایل شده و دست اجانب و ابرقدرت‌ها را از سرزمین خود کوتاه نمایند. بنابراین می‌فرمودند که همه مردم، باید دولت اسلامی را تقویت کنند تا بتوانند اقامه عدل کنند.

#### ۸- اهداف بلند مدت امام علیه السلام

حفظ و تقویت معنویات مردم و اقامه عدل بین خودشان و نجات دادن مظلومان از دست ظالمان که با برقراری صلح و آرامش در جهان و استقرار دموکراسی و آزادی حقیقی و گسترش عدالت در آن، بشریت به معرفت جدیدی نایل گردیده و حکومت اسلامی در همه عالم، مستقر شود تا حکومتی شکست‌ناپذیر و بنیان مرصوص تشکیل شود و جوامع اسلامی هویت اسلامی خود را باز یافته و از فقر علمی، رهایی یابند و با تشکیل ارتش مشترک از کیان اسلام و امت اسلامی دفاع نمایند و هرگز به جهانخواران اجازه ندهند که ذخایر آنها را به یغما برند.

این هدف‌ها هر یک در مقوله‌ای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی تقسیم‌بندی می‌شوند.

اهداف سیاسی عبارتند از: استقلال و آزادی همه ملل جهان و مسلمانان، برقراری صلح و آرامش در جهان، پیاده شدن دموکراسی و آزادی حقیقی، تحقق عدالت فردی و اجتماعی، کسب حق تعیین سرنوشت ملت‌ها، تشکیل امت اسلامی، تشکیل حزب مستضعفین جهان، حفظ عظمت و شرافت، پیشبرد هدف‌های سیاسی اسلام، تحقق اسلام در همه ابعاد، تحقق انقلاب عمومی در سراسر جهان، شکستن سلطه جهانخواران بر مستضعفان، برچیدن پایگاه نظامی شرق و غرب و تشکیل ارتش دفاعی اسلامی و رسیدگی به دردها و امور مسلمانان و حفظ نظام جمهوری اسلامی.

هدف‌های اقتصادی نیز عبارتند از: کسب استقلال و خودکفایی، گسترش عدالت اقتصادی، پیاده کردن هدف‌های بین‌المللی اسلام، در جهان و جلوگیری از استعمار و استثمار و به دست گرفتن مقدرات اقتصادی خود.

اما هدف‌های اجتماعی؛ شامل تحقق عدالت اجتماعی، منع فساد و فحشا و انواع کجروی‌ها، برقراری صلح و آرامش، تشکیل امت اسلامی و بنیان مرصوص، بیداری از خواب غفلت و ... می‌باشد.

از هدف‌های فرهنگی نیز می‌توان به حفظ عظمت و شرافت، بقای انقلاب اسلامی، جلوگیری از فساد و فحشا و نابودی پایگاه ظلم و فساد، ایجاد معرفت برای بشر، بازیابی استقلال روحی و دور کردن

احساس حقارت در مقابل دشمنان، ایجاد هویت اسلامی برای همه مسلمانان، رهایی از فقر علمی در جوامع اسلامی و ... اشاره کرد. همچنین تشکیل ارتش مشترک اسلامی برای دفاع از کیان اسلام و برچیدن پایگاه نظامی شرق و غرب از کشورهای اسلامی از هدف‌های سیاسی - نظامی امام علیه السلام در دعوت به وحدت بود.

فصل سوم:

حکومت جهانی حضرت  
مهدی (عج) بر محور عدل

## ۱- عدالت، رسالت همه انبیا

«قضیه غیبت حضرت صاحب (عج)، قضیه مهمی است که به ما مسائلی می‌فهماند؛ مِنْ جمله اینکه: برای یک همچو کار بزرگی که در تمام دنیا، عدالت به معنای واقعی اجرا بشود، در تمام بشر نبوده کسی الا مهدی موعود (عج) که خدای تبارک و تعالی او را ذخیره کرده است برای بشر. هر یک از انبیا که آمدند، برای اجرای عدالت آمدند و مقصدشان هم این بود که عدالت را در همه عالم اجرا بکنند، لکن موفق نشدند. حتی رسول ختمی مرتبت ﷺ که برای اصلاح بشر آمده بود و برای اجرای عدالت آمده بود و برای تربیت بشر آمده بود، باز در زمان خودشان موفق نشدند به این معنا.»<sup>۱</sup>

## ۲- جهان و همه هستی بر محور عدل

کوتاه‌ترین طریق برای دستیابی به عدالت اجتماعی، وجود انسان‌های عادل و پارسایی است که نهاد آنان، مزین به ملکه عدالت گشته است و راه پر پیچ و خم رسیدن به عدالت جمعی را به دور از دغدغه شیوه‌های سازمانی و نهادمند پیچیده امروزه، طی می‌نمایند.

---

۱. ر.ک: صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۴۸۰.



در این مفهوم، انسان‌های عادل همانند مهره‌های شطرنج تلقی می‌شوند که بدون نیاز به بازیگری در صحنه، خود جابجا می‌شوند و بازی را به پیش می‌برند. انسان عادل، به تمام ابعاد و مؤلفه‌ها و شاخص‌های عدالت آشناست و تمام آنها را در گفتار و رفتار خویش رعایت می‌نماید. در پی احقاق حقوق خویش است و به خوبی با حقوق خود و سایرین آشناست، به قوانین عمل می‌کند و سعی در ایجاد توازن و برابری در جامعه دارد تا جامعه‌ای فارغ از تبعیض و امتیازات ناعادلانه ایجاد گردد.

از نگاه اندیشمندان مسلمان، جهان و همه هستی بر محور عدل و داد در حرکت است و این اصل در تمام وجوه هستی برقرار است. یکی از وجوه کوچک آن، نفس آدمی است که فطرتاً با عدالت آشناست و آدمی نقطه پرگار و اصل و اساس آفرینش است که خود عادل بوده و مکلف به برقراری عدالت در جامعه است. از این رو برخی در تعریف عدالت گفته‌اند: «عدالت روحیه و نیرویی است که همواره متعادل عمل می‌کند و مطابق حق و واقعیت پیش می‌رود و حق هر کسی را به وی می‌دهد و جلو احساسات نفع طلبانه شخصی یا انتقامجویی و بدخواهی و یا رفتار برابر سلیقه و میل خود را می‌گیرد و در یک کلمه تابع حق و قانون است».<sup>۱</sup>

۱. عدالت در روابط بین الملل و بین ادیان از دیدگاه اندیشمندان مسلمان و مسیحی،

عالمان مسلمان بیش از بحث در مورد عدالت اجتماعی، به عدالت شخصی و فردی عنایت داشته و در این خصوص نیز بر عدالت شخصی حاکم، تأکید مضاعف نموده‌اند. مصادیق توجه به عدالت فردی از تعاریفی که ارائه شده، پیدا است. همچون تعریف عدالت به اعتدال قوای شهویه، غضبیه و عقلیه، استقامت بر شرع و طریقت اسلام،<sup>۱</sup> داشتن مروت و مردانگی که مروت به معنای سازگاری با هنجارهای اجتماعی و سرپیچی نمودن از آن است. تعریف عدالت به حسن در مجموع که خواجه نصیرالدین طوسی آن را مطرح نموده است، محاسنی همچون صداقت، الفت، وفا، شفقت، صله رحم، مکافات، حسن شرکت، حسن قضا، تودد، تسلیم، توکل و عبادت را در بر می‌گیرد.<sup>۲</sup>

فقیهان نیز عدالت را ملکه راسخه‌ای تعریف نموده‌اند که سبب ملازمت بر تقوی در ترک محرّمات و انجام واجبات می‌شود. و یا در تعریفی دیگر، عدالت را ملکه راسخه‌ای تعریف نموده‌اند که فرد را از انجام کبایر و اصرار بر صغایر باز می‌دارد.

به نظر می‌رسد بتوان چند علت برای چرایی توجه به عدالت فردی، خصوصاً در شخص حاکم ذکر نمود. یکی اینکه تحقق عدالت اجتماعی را بدون عادل بودن مجری یا مجریان آن ناممکن دانسته و شخص غیر عادل را در ایجاد جامعه‌ای عدل محور، ناتوان می‌دیدند.

۱. اندیشه سیاسی شهید رابع امام سید محمد باقر صدر، ص ۲۵۵.

۲. اخلاق ناصری، ص ۱۱۵-۱۱۶.

به عبارت دیگر مباحثی مثل عدالت نهادهای اجتماعی که امروزه در برابر عدالت افراد مطرح می‌شود، در باور آنان نمی‌گنجیده است.

دلیل دیگر، این است که علمای مسلمان معتقد بودند حاکم مسلمان، الگوی جامعه است. آنان بر این باور بودند که مردم پیرو فرمانروایان خود هستند و اگر آنان دادگرانه عمل کنند، شهروندان نیز عدالت را پیشه خویش می‌سازند. سخنی از امام علی علیه السلام وجود دارد که در آن به خوبی می‌توان نمود این اندیشه را دید:

«...رایت عدالت را در میان شما برافراشتم و از حدود حلال و حرام آگاهتان کردم و از عدالت خویش، جامه عافیت بر تنتان پوشاندم و معروف را با گفتار و کردارم در میان شما گسترش دادم...»<sup>۱</sup>

در واقع می‌شود بیان کرد که توجه به مردم و دخیل دانستن آنان در حکومت، اندیشه‌ای نو و تازه است و پیشینیان اغلب به آن نمی‌اندیشیده‌اند. تفکر مسلمانان در این زمینه اغلب افلاطونی است و به حاکمی عادل و عالم می‌اندیشند که از چند و چون امور بیش از سایرین آگاه است. امامت شیعه، نمونه‌ای عالی چنین تفکری است و عقیده به وجود عدالت در حاکم جامعه به عنوان مهم‌ترین رکن اندیشه‌های سیاسی شیعی می‌تواند دلیل دیگر برای طرح این مسأله از سوی اندیشمندان اسلامی باشد.

درست برخلاف اندیشه اهل سنت که با نظام‌های سیاسی گوناگون

۱. نهج البلاغه، ترجمه عبدالحمید آیتی، خطبه ۸۶، ص ۱۷۳.

کنار می آید، شیعیان تنها حکومتی را مشروع می دانند که حاکم آن از عدالت برخوردار باشد و به دلیل وجود همین ویژگی، شیعه قیام علیه حاکم جور را روا می شمرد.

در هر صورت مهم ترین وظیفه حاکم عادل، رفع ظلم و جور از جامعه و رساندن مظلومان به حقوقشان است. اینکه چگونه می توان انسان ها را به سمت و سوی عدالت هدایت نمود، بحثی است که در چارچوب عدالت فرهنگی می گنجد.

### ۳- شکل گیری حکومت عدل جهانی

ظهور منجی موعود و شکل گیری حکومت عدل جهانی از جمله آرمان های مشترک انسان ها در طول تاریخ بشر بوده است، به رغم تفاوت در نگرشی که نسبت به منجی عالم در ادیان مختلف می باشد، لیکن در اصل ظهور و تحقق حکومت عدل جهانی بین ادیان مختلف اتفاق نظر وجود دارد؛ اما به اعتقاد شیعه ظهور حضرت مهدی علیه السلام و شکل گیری حکومت عدل جهانی از یک اعتقاد صرف فراتر رفته و هویت شیعی را در طول تاریخ شکل داده است.

در نگاه شیعه، حکومت جهانی آن حضرت (عج) تحقق بخش مدینه فاضله بوده و به فلسفه تاریخ، غایت تاریخ را رقم خواهد زد. ولذا یکی از ویژگی های منحصر به فرد حکومت جهانی آن حضرت (عج) برقراری عدل و داد در جامعه بشری آن روز است، چنان که پیامبر گرامی اسلامی صلی الله علیه و آله می فرماید: «لو لم یبق من الدنیا الا یوم واحد لطول الله ذلك الیوم حتی ینخرج رجلاً من اهل بیتی یملا الارض عدلاً»

و قسطاً كما ملئت ظلماً و جوراً؛<sup>۱</sup> اگر تنها یک روز از عمر دنیا باقی مانده باشد خداوند آن روز را آن قدر طولانی خواهد نمود تا اینکه مردی از خاندان من را برانگیزاند که جهان را پر از عدل و داد کند چنانکه از ظلم و ستم پر شده باشد».

و نیز می فرماید: «و یسعهم عدله؛<sup>۲</sup> عدالتش همه را فرا می گیرد».

می فرماید: «ابشرکم بالمهدی... یرضی عنه ساکن السماء و ساکن الأرض یقسم المال صحاحاً فقال له رجل: و ما صحاحاً؟ قال السوية بین الناس؛<sup>۳</sup> شما را مژده می دهدم به آمدن مهدی، ساکنان آسمان و زمین از او راضی هستند، او سرمایه ها را به طور صحیح تقسیم می نماید. شخصی سؤال نمود: به طور صحیح یعنی چه؟ فرمود: به مساوات بین مردم تقسیم می نماید».

امام باقر علیه السلام می فرماید: «یسوی بین الناس حتی لا تری محتاجاً الی الزکاة؛<sup>۴</sup> حضرت مهدی اموال را میان مردم چنان به تساوی تقسیم می نماید که دیگر نیازی مندی یافت نمی شود تا به او زکات دهند».

امام علی علیه السلام می فرماید: «فیریکم کیف عدل السیرة و یحیی میت الکتاب و السنة؛<sup>۵</sup> او (حضرت مهدی علیه السلام) روش عادلانه در حکومت حق را بر شما

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۵.

۲. احقاق الحق، ج ۳، ص ۲۹۵؛ معجم، ج ۱، ص ۲۴۰، ح ۱۲.

۳. غیبة الطوسی، ص ۱۷۸؛ معجم الامام المهدی، ج ۱، ص ۹۵؛ مسند احمد بن حنبل، ج ۳،

ص ۳۷؛ مجمع الزوائد، الهیثمی، ج ۷، ص ۳۱۳؛ الدر المنثور، السیوطی، ج ۶، ص ۵۷.

۴. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۳۹۰. ۵. نهج البلاغه، خطبه ۱۳۸.

می‌نمایاند، کتاب خدا و سنت رسول او را که تا آن روز متروک مانده‌اند، زنده می‌کند».

این ویژگی آنچنان فراگیر است که حتی به درون خانه‌ها نیز نفوذ کرده و روابط افراد خانواده‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: به خدا سوگند مهدی عدالتش را تا آخرین زوایای خانه‌های مردم وارد می‌کند، همچنان که سرما و گرما وارد خانه‌ها می‌شود.<sup>۱</sup>

آری حکومت عادلانه که یکی از آرزوهای فطری بشری است، سرانجام در حکومت الهی و جهانی آن حضرت علیه السلام تحقق خواهد یافت. نکته‌ای که در اینجا حائز اهمیت است، این است که مقصد نهایی در حکومت آن حضرت، نه عدل، بلکه سعادت انسان‌ها است، و عدل به عنوان زمینه‌سازی چنین امری است، بلکه هدف به سعادت رساندن بشر می‌باشد.

#### ۴- قلمرو عدالت‌گستری حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام

اجرای عدالت جزء اساسی‌ترین اهداف و انگیزه‌های الهی انبیا و اولیا و مصلحان الهی در طول تاریخ بوده است و همچنین اجرای عدالت در حکومت عدل‌گستر جهانی نیز به عنوان اصل بنیادین مطرح است و در روایات متعدد بر آن تأکید شده و بزرگان اهل عرفان نیز با استناد به روایات و معارف شهودی خود اظهار داشته‌اند که خداوند

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۲.

خلیفه‌ای دارد که روزی ظهور می‌کند و زمین را که از ظلم و بیداد پر شده است، از عدل و قسط پر می‌نماید و اگر از عمر دنیا تنها یک روز باقی بماند، خداوند آن روز را طولانی خواهد کرد تا این خلیفه الهی که از عترت رسول خدا و از فرزندان فاطمه و هم‌نام پیامبر است ظهور نماید.<sup>۱</sup>

بنابراین جریان عدالت‌گستری، جزء اهداف اساسی دولت کریمه و حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) است، اما پرسش مهم در این باره آن است که قلمرو این عدالت تا کجاست؟ آیا در سایه دولت کریمه مهدی (عج) تنها در بُعد اقتصادی و اجتماعی و مانند آن عدالت اجرا می‌شود یا تمام شؤون عالم و آدم به برکت آن عدل کل، تعدیل و اصلاح خواهد شد؟

ظاهراً در میان صاحب نظران که درباره عدالت‌گستری حضرت مهدی (عج) سخن گفته‌اند، امام خمینی علیه السلام نخستین فردی است که قلمرو عدالت‌گستری دولت کریمه حضرت مهدی (عج) را فراتر از ابعاد اقتصادی و اجتماعی و مانند آن که نوعاً مورد توجه عمومی است، مطرح کرده و اصلاح تمام شؤون عالم و آدم را جزء قلمرو عدالت‌گستری آن حضرت خوانده و از این رهگذر روزنه جدیدی برای افراد محقق در مسأله مهدویت گشوده است تا جریان عدالت‌گستری مهدی را با استفاده از متون دینی با این رویکرد نیز مورد تحقیق و تحلیل قرار دهند.

۱. فتوحات مکیه، ج ۳، باب ۳۶۶، ص ۳۲۷.

امام خود در این باره می‌گوید: «ما مفتخریم که ائمه معصومین از علی بن ابی طالب گرفته تا منجی بشریت، مهدی صاحب زمان -علیهم آلف التحیات و السلام- که به قدرت خداوند قادر، زنده و ناظر امور است، ائمه ما هستند. قضیه غیبت حضرت صاحب، قضیه مهمی است که به ما مسائلی را می‌فهماند، از جمله اینکه برای یک همچو کار بزرگی که در تمام دنیا، عدالت به معنای واقعی اجرا بشود، در تمام بشر نبوده، کسی الا مهدی موعود (عج)... هر یک از انبیا که آمدند برای اجرای عدالت آمدند؛ لکن موفق نشدند. حتی رسول ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله که برای اصلاح بشر آمده بود و برای اجرای عدالت آمده بود و برای تربیت بشر آمده بود، باز در زمان خودشان موفق نشدند و آن کسی که به این معنا موفق خواهد شد و عدالت را در تمام دنیا اجرا خواهد کرد، نه آن هم این عدالتی که مردم عادی می‌فهمند که فقط قضیه عدالت در زمین برای رفاه مردم باشد؛ بلکه عدالت در تمام مراتب انسانیت. انسان اگر انحرافی پیدا کند، انحراف عملی، انحراف روحی، انحراف عقل، برگرداندن این انحرافات را به معنای خودش، این ایجاد عدالت است در انسان. اگر اخلاق منحرف باشد، از این انحراف وقتی به اعتدال برگردد، این عدالت در او تحقق پیدا کرده است. اگر در عقاید انحرافی باشد، برگرداندن آن عقاید کج به عقیده صحیح و صراط مستقیم، این ایجاد عدالت است در عقل انسان»<sup>۱</sup>.



آن‌گونه که اشاره شد این نحو تفسیر از عدالت‌گستری حضرت مهدی (عج) گرچه در متون و روایات به گونه‌ای اشاره شده؛ اما در میان اهل تحقیق و اندیشه به نظر می‌رسد که حضرت امام خمینی علیه السلام در طرح و یا احیای این حقیقت همانند بسیاری از معارف دیگر مبتکر و پیش‌آهنگ است و شایسته است این اندیشه بلند او سبب شود که بزرگان اهل تحقیق این مسأله را در مباحث مهدویت بسط و گسترش دهند.

#### ۵- عدالت در تمام مراتب انسانیّت

وقتی که ایشان ظهور کنند ان شاء الله (خداوند تعجیل کند در ظهور او)، تمام بشر را از انحطاط بیرون می‌آورد. تمام کجی‌ها را راست می‌کند: «یملأ الارض عدلاً بعد ما ملئت جوراً» همچو نیست که این عدالت همان که ماها از آن می‌فهمیم، که نه یک حکومت عادلانه باشد که دیگر جور نکند. آن، این هست اما خیر، بالاتر از این معناست. معنی «یملأ الارض عدلاً بعد ما ملئت جوراً» الآن زمین و بعد از این، شاید از این هم بدتر بشود. پر از جور است. تمام نفوسی که هستند در آنها انحرافات است. حتی در نفوس اشخاص کامل هم انحرافات هست و لو خودش نداند. در اخلاق‌ها انحراف هست. در عقاید انحراف هست. در اعمال انحراف هست و در کارهایی هم که بشر می‌کند، انحرافش معلوم است و ایشان مأمورند که تمام این کجی‌ها را مستقیم کنند و تمام این انحراف را به اعتدال برگردانند که واقعاً صدق بکنند: «یملأ الارض عدلاً بعد ما ملئت جوراً». از این جهت، این عید، عید تمام بشر است. ایشان تمام بشر را هدایت خواهند کرد ان شاء الله و ظلم و جور را از تمام

روی زمین بر می‌دارند به همان معنای مطلقش. از این جهت این عید بزرگ از عید ولادت حضرت رسول صلی الله علیه و آله که بزرگ‌ترین اعیاد است، این عید به یک معنا بزرگ‌تر است.<sup>۱</sup>

در زمان ظهور مهدی موعود (عج) که خداوند ذخیره کرده است او را، از باب اینکه هیچ کس از اولین و آخرین، این قدرت برایش نبوده است و فقط برای حضرت مهدی موعود (عج) بوده است، عدالت را در تمام عالم گسترش بدهد و آن چیزی که انبیا موفق نشدند به آن، با اینکه برای آن خدمت آمده بودند، خدای تبارک و تعالی ایشان را ذخیره کرده است که همان معنایی که همه انبیا آرزو داشتند، لکن موانع، اسباب این شد که نتوانستند اجرا بکنند و همه اولیا آرزو داشتند و موفق نشدند که اجرا بکنند، به دست این بزرگوار اجرا بشود. اینکه این بزرگوار را طول عمر داده، خدای تبارک و تعالی، برای چنین معنایی، که ما از آن می‌فهمیم در بشر کسی نبوده است دیگر، قابل چنین معنایی نبوده است. و آنها بعد از انبیا هم بودند، لکن موفق نشدند، کسی بعد از انبیا و اولیای بزرگ، پدران حضرت موعود (عج) کسی نبوده است که بعد از این، اگر مهدی موعود (عج) هم مثل سایر اولیا به جوار رحمت حق می‌رفتند، دیگر کسی در بشر نبوده است که عدالت را اجرا بکند. نمی‌توانسته و این، یک موجودی است که ذخیره شده است برای چنین مطلبی.<sup>۲</sup>

۱. ر.ک: صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۴۸۲. ۲. ر.ک: صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۴۸۱.

## ۶- حکومت عدل

آن کاری که لشکر امام زمان علیه السلام باید بکند، با آن کاری که لشکر طاغوت می‌کرد، فرق دارد. همانطوری که خود امام زمان علیه السلام با طاغوت فرق دارد آن، حکومت جور بود و این، حکومت عدل. آن، حکومت طاغوت بود و این، حکومت خدا.<sup>۱</sup>

یک عدالت اجتماعی در همه عالم می‌آید، اما نه اینکه انسان‌ها بشوند یک انسان دیگر. انسان‌ها همان هستند که یک دسته‌شان خوبند، یک دسته‌شان بد. منتها آنهایی که بد هستند، دیگر نمی‌توانند کارهای خلاف بکنند.<sup>۲</sup>

در حکومت عدل بقیه الله (عج) هم عدالت جاری می‌شود، لکن حب‌های نفسانی در بسیاری از قشرها باقی است و همان حب‌های نفسانی بنا بر نقل بعضی روایات، حضرت مهدی (عج) را تکفیر می‌کنند.<sup>۳</sup>

ما نباید توقع داشته باشیم که صبح کنیم در حالی که همه چیز سر جای خودش باشد. در زمان حضرت صاحب (سلام الله علیه) هم که ایشان با تمام قدرت می‌خواهند عدل را اجرا نمایند، با این ترتیب نمی‌شود که هیچکس حتی خلاف پنهانی هم نکند.<sup>۴</sup>

۱. ر.ک: صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۴۶۷. ۲. ر.ک: صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۲۴۰.

۳. ر.ک: صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۱۶۲. ۴. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۳۰۳.

## ۷- عدالت فراگیر

... و فتنه انگیزی‌ها پاک شود و حکومت عدل الهی بر سراسر گیتی گسترش یابد و منافقان و حيله‌گران از صحنه خارج شوند و پرچم عدالت و رحمت حق تعالی بر بسیط زمین، افراشته گردد و تنها قانون عدل اسلامی بر بشریت حاکم شود و کاخ‌های ستم و کنگره‌های بیداد فرو ریزد و آنچه غایت بعثت انبیا علیهم صلوات الله و حامیان اولیاء علیهم السلام بوده، تحقق یابد و برکات حق تعالی بر زمین نازل شد و قلم‌های ننگین و زبان‌های نفاق افکن، شکسته و بریده شود و سلطان حق تعالی بر عالم پرتوافکن گردد و شیاطین و شیطان صفتان به انزوا روند و سازمان‌های دروغین حقوق بشر از دنیا برچیده شوند و امید است که خداوند متعال آن روز فرخنده را با ظهور این مولود فرخنده هرچه زودتر برساند و خورشید هدایت و امامت را طالع فرماید.

## ۸- عدالت خواهی، وظیفه منتظران

ما منتظران مقدم مبارکش، مکلف هستیم تا با تمام توان کوشش کنیم تا قانون عدل الهی را در این کشور ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه) حاکم کنیم و از تفرقه و نفاق و دغل بازی بپرهیزیم و رضای خداوند متعال را در نظر بگیریم.<sup>۱</sup>

این کشوری که کشور ائمه هدی و کشور صاحب الزمان (سلام الله علیه) است، کشوری باشد که تا ظهور موعود ایشان به استقلال خودش

۱. صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۴۷۳.

ادامه بدهد، قدرت خودش را در خدمت آن بزرگوار قرار بدهد که عالم را ان شاء الله به عدل و داد بکشد و از این جورهایی که بر مستضعفان می‌گذرد، جلوگیری کند.<sup>۱</sup>

حالا ابتدا این پر کردن دنیا را از عدالت، این را ما نمی‌توانیم بکنیم. اگر می‌توانستیم می‌کردیم، اما چون نمی‌توانیم بکنیم، ایشان باید بیایند. الآن عالم پر از ظلم است. شما یک نقطه هستید در عالم. عالم پر از ظلم است، ما اگر بتوانیم جلوی ظلم را بگیریم، باید بگیریم. تکلیفمان است. ضرورت اسلام و قرآن، برای ما تکلیف کرده است که باید کار بکنیم. اما نمی‌توانیم بکنیم، چون نمی‌توانیم بکنیم، باید او بیاید تا بکند، اما ما باید فراهم کنیم کار را. فراهم کردن اسباب این است که کار را نزدیک بکنیم، کار را طوری انجام دهیم که عالم مهیا بشود برای آمدن حضرت (عج).<sup>۲</sup>

#### ۹- عدالت جهانی در اندیشه امام خمینی

دیدگاه امام خمینی علیه السلام نیز در باب عدالت، برخاسته از برداشتی است که از اسلام دارد. ایشان، اسلام را دینی می‌داند که برای همه بخش‌های زندگی انسان چه در اجتماع و چه در خانواده و چه در وجود او، قوانین و مقرراتی دارد که مطابق با روحیه و خلق انسان است و در صورت عمل به آنها، به سعادت و کمال خواهد رسید. در باب عدالت فردی نیز ایشان در ادامه روش فقیهان قبل از خود، عدالت را ملکه

۲. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۶-۱۷.

۱. صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۳۰۹.

راسخه‌ای می‌داند که باعث ملازمت بر تقوی در ترک محرمات و انجام واجبات می‌گردد.

ایشان در تعریفی دیگر، عدالت را تسلیم نمودن شهوت و غضب در برابر عدل و شرع دانسته است.<sup>۱</sup> حدّ وسط بین افراط و تفریط،<sup>۲</sup> تعدیل جمیع قوای باطنیه و ظاهریه،<sup>۳</sup> خط مستقیم و سیر معتدل<sup>۴</sup> و ... تعاریف دیگری هستند که ایشان از عدالت نموده است. او عدالت را فطری می‌داند و معتقد است سنت خداوندی بر این است که انسان‌ها عادلانه زیست کنند.

«حکمت آفریدگار بر این تعلق گرفته که مردم به طریقه عادلانه زندگی کنند و در حدود احکام الهی قدم بردارند. این حکمت همیشگی و از سنت‌های خداوند متعال و تغییرناپذیر است».<sup>۵</sup>

از آنجا که عدالت فطری است و همیشه در نهاد آدمی وجود دارد، بایستی آن را زنده نگه داشت؛ برای این کار، امام تهذیب و تزکیه نفس را پیشنهاد می‌کند و معتقد است تا وقتی نفس تربیت نشود و عدالت در نهاد انسان راسخ و استوار نگردد، تحقق آن در جامعه شدنی نیست: «هر اصلاحی نقطه اولش خود انسان است، چنانچه خود انسان تربیت نشود، نمی‌تواند دیگران را تربیت کند... و امیدوارم که این مجاهده

۱. شرح چهل حدیث، ص ۱۶۹.

۲. شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص ۱۴۷.

۳. صحیفه امام، ص ۱۵۱.

۴. شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص ۱۵۲.

۵. ولایت فقیه، ص ۴۰.

نفسانی برای همه ما حاصل بشود و دنبال آن مجاهده برای ساختن یک کشور...»<sup>۱</sup>

در ادامه بحث می‌توان به سخنانی از امام خمینی علیه السلام اشاره کرد که در آن به اقشار مختلف در جامعه توصیه می‌کند خودسازی را فراموش نکنند. کتب اخلاقی و سیاسی امام سرشار از دعوت به تهذیب و تزکیه نفس و غنیمت شمردن فرصت دنیا در جهت خودسازی است. ایشان همچون بسیاری اندیشمندان مسلمان معتقد است که تحقق عدالت اجتماعی از مسیر عدالت فردی می‌گذرد. از جمله وی در خطابی به پاسداران بیان می‌کند که برای حفاظت از حکومت عدل، خود باید عادل باشند.<sup>۲</sup>

این کلام امام گویای این است که ایشان مردم را نیز در تحقق عدالت سهیم می‌نماید، گرچه مهم‌ترین راه تضمین این امر را عادل بودن حاکم جامعه می‌داند. وی با تأکید فراوان بر هیأت حاکمه، از آنان می‌خواهد تا هم سطح کم‌درآمدترین اقشار جامعه زندگی کنند و به طور مکرر از زندگی امام علی علیه السلام مثال می‌آورد که چگونه خود را با شهروندان دولت اسلامی یکسان می‌دانست.<sup>۳</sup>

«چون حکومت اسلام، حکومت قانون است، برای زمامدار علم به قوانین لازم می‌باشد... اگر زمامدار مطالب قانونی را نداند، لایق

۱. صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۴۹۱.

۲. صحیفه امام ج ۷، ص ۲۵۹.

۳. صحیفه امام، ج ۷، ص ۲۵۷-۲۵۹.

حکومت نیست، چون اگر تقلید کند، قدرت حکومت شکسته می شود و اگر نکند، نمی تواند حاکم و مجری قانون اسلام باشد... زمامدار بایستی از کمال اعتقادی و اخلاقی برخوردار و عادل باشد، و دامنش به معاصی آلوده نباشد... زمامدار اگر عادل نباشد در دادن حقوق مسلمین، اخذ مالیات‌ها و صرف صحیح آن، و اجرای قانون جزا، عادلانه رفتار نخواهد کرد»<sup>۱</sup>.

بنابراین، فقیه واجد شرایط در اندیشه امام، به عنوان جانشین امام معصوم، وسیله‌ای است در راه تحقق عدالت اجتماعی و از همین رو است که باید متصف به صفات علم و عدالت باشد. بر همین اساس و با توجه به دیدگاه امام خمینی علیه السلام با تشکیل حکومت و قرار گرفتن حاکم عادل در رأس امور، زمینه‌های تحقق عدالت فراهم می‌گردد و بایستی تمامی کسانی که به نحوی مسؤولیت امری را عهده دار هستند، به قوانین جامعه احترام بگذارند، قاضی بر مبنای قوانین اسلام حکم کند، برنامه ریزان امور مالی، مالیات‌ناعادلان از کشاورزان بگیرند و ... در حکومتی که مردم و حاکمان عادلانه رفتار کنند، قوانین به خوبی اجرا می‌شود و مساوات و برابری میان همه برقرار می‌گردد.

در اندیشه امام خمینی علیه السلام عدالت شاخص اصلی اسلامی بودن و درستی عمل به شمار می‌رود. به طوری که اگر هیأت حاکمه و مردم

۱. ولایت فقیه، ص ۴۸-۴۹.



عادل نباشند، نه عدالت سیاسی محقق می‌شود و نه عدالت فرهنگی و اقتصادی.

افتراق اساسی امام از بسیاری فقهای مسلمان، تأکید بر عدالت مردم در کنار عدالت حاکمان است.

فصل چهارم:

جایگاه نیابت در اسلام

## ۱- ریشه نیابت در اسلام

نیابت یعنی جانشینی و نمایندگی و وکالت از طرف شخص یا اشخاص، به طوری که در غیاب او، کارهایی به نایب و نماینده سپرده می‌شود و موظف به انجام کارهایی است که به او محول شده است. و از طرف شخصی که جانشین اوست، باید به دقت و با احساس وظیفه به مسؤولیتی که به او سپرده شده، آنها را انجام دهد. در غیر این صورت از نظر شرع مسؤول و جوابگوی قصور خود در انجام وظایف محول بوده و احتمال دارد از طرف موکل خود از این مسؤولیت عزل شود یا رأساً به سبب کوتاهی در وظایف به خودی خود منعزل شود. نیابت احتمال دارد اختصاصی به وظیفه خاص و یا تمام وظایف موکل باشد؛ یعنی تمام اختیارات او را دارا باشد. و احتمال دارد فرد خاص از طرف موکل نیابت داشته باشد، یا طبقه‌ای با ذکر برخی از خصوصیات داشتن این ویژگی‌ها، عهده دار وکالت شوند و از طرف خودشان، یکی را به عنوان صاحب اختیار انتخاب کنند.

ریشه نیابت در اسلام به صدر اسلام و به زمان پیامبر اکرم - ﷺ - بر می‌گردد که آن حضرت گاهی برخی از صحابه را به نیابت از طرف خود مأمور انجام کارهای خود می‌نمود. مثلاً امیرالمؤمنین علی - ﷺ - را به

نیابت از طرف خود به تبلیغ دین و ابلاغ احکام الهی به جایی می فرستاد یا او را در مدینه در جای خود می گماشت و خودش به غزوه می رفت.<sup>۱</sup>

این شکل از نیابت از طرف امیرالمؤمنین علیه السلام - نیز انجام گرفته و امام حسن و امام حسین علیهما السلام - نیز بدین ترتیب نایب و نمایندگان در نقاط مختلف و به شهرهای مختلف گسیل داشته اند، چنان که امام زین العابدین علیه السلام - نیز نایبی داشته. به هر شکل که بود و تحت شرایط زمان و مکان و موقعیت سیاسی، نیابت از طرف امام معصوم بوده است. چه اینکه امام معصوم و رهبر معصوم، حاکم جامعه باشد و چه نباشد و چه در دوران اختناق شدید سیاسی و تحت شرایط سخت بوده باشند و چه در فضای باز سیاسی زندگی نموده و امامت داشته اند، در هر صورت، نمایندگی از طرف رهبر اسلامی وجود داشته و از جمله اصول محوری شیعه بوده که ضامن بقای تشیع و بسط و حفظ و انتقال افکار و اندیشه تشیع در طول تاریخ بوده است.

پیشوایی و رهبری از جمله اصول مسلم اسلام است که در طول تاریخ با ولایت و امامت و نیابت و وکالت در دو شکل خاص و عام صورت گرفته، و جامعه شیعه حتی یک لحظه بدون رهبر و پیشوا نبوده است؛ چنان که سرپرستی برای یک خانواده در هر صورت و تحت هر شرایط لازم و یک امر ضروری عقلی و عرفی می باشد، وجود پیشوا و رهبر و نیابت خاص و یا عام نیز از ضروریات و اولیات یک مذهب می باشد.<sup>۲</sup>

۱. الارشاد، ج ۱، ص ۵۳ و ۶۵.

۲. امامت و رهبری، ج ۱۲، ص ۲۵-۲۷ و ۲۹-۶۱.

این ضرورت به این صورت از اولیات محسوب می‌شود که حتی در جوامع بدوی و وحشی و قبیلگی، اهل آن مجموعه برای خود، رئیس قبیله و قوم دارند و برایش جانشین انتخاب می‌کنند.

## ۲- نیابت در جریان امامت

در جریان امامت، تمام ائمه علیهم‌السلام نیابت داشته‌اند و نمایندگانی در نقاط مختلف برای هدایت شیعیان و حل مشکلات مذهبی و روحی آنها می‌فرستادند و تا آغاز غیبت کبری نیابت خاصه جریان داشت. به طوری که افراد خاص از طرف امامان معصوم، مأمور به انجام وظایف محوله شرعی و اجتماعی در امور شیعیان بودند. نیابت این افراد احتمال داشت خاصه باشد؛ از آن جهت که کارهای مخصوص مثل دریافت سهم امام یا جواب دادن به مسائل شرعی به عهده آنها محول شده، یا نیابت عامه داشتند؛ یعنی از طرف امام معصوم نمایندگی تمام امور شرعی را عهده دار بودند.<sup>۱</sup>

نمایندگان امام عسکری علیه‌السلام - نیز در شهرهای مختلف شیعه نشین حضور داشتند و برخی از آنها نیابت‌شان استمرار داشت و این وظیفه و نقش نیابت را در دوره امام زمان علیه‌السلام - نیز استمرار دادند. نواب خاص امام زمان علیه‌السلام - چهار نفر بودند و به ترتیب به انجام مأموریت خویش موظف بودند که در طول غیبت صغری ایفای نقش می‌نمودند:

۱- عثمان بن سعید عمری که در زمان امام عسکری علیه‌السلام نیز نیابت

۱. تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، ترجمه آیت‌اللهی، ص ۷۸ و ۷۹.

و سفارت داشت. ۲- محمد بن عثمان عمری که هم نماینده امام  
عسکری بود و هم نماینده حضرت صاحب سلام الله علیه. ۳- حسین  
بن روح نوبختی بعد از محمد بن عثمان نیابت خاصه را عهده دار  
گردید. ۴- علی بن محمد سمري بعد از حسین بن روح نیابت خاصه را  
عهده دار شد.<sup>۱</sup>

او آخرین سفیر از سفرای امام عصر (عج) بود که نیابت خاصه بعد  
از او منقطع شد. بدین ترتیب غیبت صغری خاتمه یافت. از فلسفه  
این دوره از غیبت می توان به ثبات عقیده شیعه به استمرار امامت  
اشاره کرد که این دوره از غیبت بسیار ضروری بوده است. چون اگر  
واقع نمی شد شیعه پراکنده می گشت و به فرقه های بسیاری منشعب  
می شد و امامت فراموش می گردید، اما این دوره از غیبت حضرت از  
حکمت های الهی است که با چهار نایب استمرار یافت.

### ۳- مفهوم نیابت عامه

#### دوران غیبت کبری:

بعد از تثبیت عقاید شیعه در امامت حضرت مهدی علیه السلام - دوره  
نیابت عامه آغاز شد و بنابر تصریح حضرت به یکی از نوابش درباره  
نیابت خود در دوره طولانی غیبت کبری: «و اما الحوادث الواقعة فارجعوا  
فیها الی رواة احادیثنا فانهم حجّتی علیکم و انا حجة الله علیهم»<sup>۲</sup> تکلیف مردم  
مشخص گردید که در حوادث و مسائل و رویدادها، برای رهایی از

۱. کتاب الغیبة، ص ۲۱۴ و ۲۱۵ و ۲۱۶. ۲. اکمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۴.

حیرت و سرگردانی که به امام معصوم دسترسی ندارند، باید به روایان احادیث مراجعه کنند که امام، آنها را به عنوان دلیل راه هدایت برای مردم منصوب می‌نماید و خودشان نیز در دوره غیبت کبری به طور غیر آشکار از آنها حمایت نموده و عنایات ویژه‌اش شامل حال علمای شیعه می‌شود. بنابراین علمای شیعه با این توقیع شریف، نیابت عامه را عهده دار شدند.

علاوه بر بیان حضرت حجت علیه السلام روایات معتبر دیگری نیز وجود دارد که دلالت بر نیابت عامه فقها در عصر غیبت کبری می‌نمایند. مانند روایت معتبره وارده از امیرالمؤمنین علیه السلام - که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله - نقل می‌کند: «اللهم الرحم خلفائي (ثلاث مرات) قيل: يا رسول الله و من خلفائك؟ قال: الذين يأتون من بعدى، يروون حديثي و سنتي و يعلمون الناس من بعدى»<sup>۱</sup>. حضرت امام خمینی رحمته الله تمام این روایات را در شأن فقها و مجتهدین شیعه صادق می‌داند که نیابت عامه را در دوره غیبت کبری عهده دار هستند، چون از نظر عقل، رها کردن دین و ترک و تعطیل احکام، نقض غرض آفرینش و هدایت انسان‌هاست و در دوره عدم حضور امام معصوم، تنها کسی که مردم می‌توانند احکام شرعی خود را از او فرا گیرند و در امور اجتماعی و شرعی به او مراجعه کنند، بعد از امام معصوم، فقها و مجتهدین و علمای شیعه هستند و اینها به منزله نشانه‌های هدایت مردم هستند. چون مردم برای حل مشکلات

۱. وسائل الشیعه، ج ۲۷، ح ۵۰، ص ۹۱ و ح ۷، ص ۱۳۹.

ورهایی از حیرت به آنها مراجعه می نمایند. لذا امام عصر (عج) از آنها به عنوان «دلیل و حجت» یاد می کند که به معنای راهنمای کامل می باشد و هر کس در راه رشد و تعالی خود کافی است به حجت دست یابد، دیگر هیچ گونه دغدغه نخواهد داشت.

آیه «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ»<sup>۱</sup> نیز در اثبات ولایت عامه فقها با تفسیر نمودن «اولی الامر» به ائمه، نیابت فقها و علمای بزرگ شیعه را به اثبات می رساند و اکثر قائلین به اندیشه ولایت فقیه بدان استناد کرده اند، چون نیابت فقهای اسلام در طول ولایت پیامبر اکرم و بعد از ولایت ائمه علیهم السلام است و می توان از آن، نیابت و وکالت عامه و خاصه را استنباط نمود. چون اطاعت از نایب مانند اطاعت از امام است، چنان که در توقیع شریف امام زمان علیه السلام - به برخی از نوابش، این معنا به خوبی روشن شده است.<sup>۲</sup>

در دوره غیبت کبری عنایت خاص امام عصر (عج) به علمای شیعه و هدایت آنها در مسائل مختلف و حل معضلات فقهی و اجتماعی و سیاسی آنها به خوبی بر نیابت علمای شیعه در این دوره دلالت می کند، چنان که شیخ مفید و شیخ طوسی و مرحوم کلینی و شیخ صدوق و پدرش و علامه حلی و شهید ثانی و علامه بحر العلوم و مقدس اردبیلی و شیخ انصاری و...<sup>۳</sup> از انوار هدایت حضرتش بهره مند و مورد

۱. سوره نساء، آیه ۵۹.

۲. شیخ طوسی، کتاب الغیبة: فانه ثقتی و کتابه کتابی...، ص ۲۲۱.

۳. العبقری الحسان، ص ۳۷-۴۴ و ص ۱۳۰-۱۳۵؛ یوم الخلاص، ج ۱، ص ۲۲۶ و ۳۰۷.



عنايت خاص آن حضرت واقع شده‌اند و تمام فقهای اسلامی تاکنون با پشتوانه و حمایت‌های آن حضرت به صورت مخفی، ولی کاملاً محسوس و ملموس، موفق به اجرای احکام اسلام و یا احیاناً ایجاد تحولات عظیم اجتماعی و سیاسی به سود اسلام شده‌اند که بر هیچ خردمندی پوشیده نیست.

علمای شیعه با الهام از هدایت‌ها و توجهات معنوی آن حضرت و دعاهای مستمر و مؤثر آن حجت الهی در رهبری و پیشوایی مسلمانان در این مدت طولانی غیبت کبری که اسلام با مخاطرات بسیار جدی رو به رو بوده است، کشتی هدایت و رهبری را در این دریای طوفانی و پر موج و پر تلاطم حفظ کرده‌اند و در ایفای نقش برجسته خویش جان نثاری نموده‌اند و زندگی خویش را وقف حفظ اسلام و هدایت مردم نموده‌اند. مصداق روشن «اولی الامر» در عصر غیبت به اعتقاد بسیاری از اندیشمندان و فقهای اسلام، فقهای شیعه هستند که رهبری و پیشوایی آنها و جانشینی و نیابتشان از قرآن و سنت اثبات می‌شود.<sup>۱</sup> امامت که پیشوایی و رهبری جامعه همراه با

و ۵۳۴ و ۹۲۷؛ اکمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۱ - ۴۹۰.

۱. علمای بزرگ شیعه چون صاحب جواهر، فیض کاشانی، نراقی، امام خمینی و ... به ولایت فقیه و فقها تنها در امور عامه معتقدند، ولی عده‌ای از علمای شیعه نیز در امور حسیه و ولایت فقها را ثابت می‌دانند. بنابراین در اصل ولایت فقیه هیچ اختلافی بین علمای شیعه نیست، تنها اختلاف جزئی در نوع ولایت و اختیارات است؛ وحی و رهبری، ص ۱۹۷ - ۲۰۴ الی ۲۰۸.

حکومت است و برای پیامبر ثابت شده است و یکی از شؤون نبوی است، برای جانشینان او نیز ثابت است. فقها در دوره غیبت در طول این امامت و پیشوایی قرار دارند و با نصوص و ادله از آیات و روایات، این حق بر آنها مسلم است که پیشوایی جامعه اسلامی برای آنها یک تکلیف الهی است و مجاز به شانه خالی کردن در برابر تکلیف نیستند. «الأمامة ریاسة عامة فی امور الدین و الدنیا» این تعریف جامع امامت است و هیچ اختلافی در این تعریف از امامت وجود ندارد.<sup>۱</sup>

بنابراین «امامت و پیشوایی و مقتدایی دینی به طوری که آنچه پیشوا می گوید و هر طور عمل می کند، سند و حجت الهی تلقی شود، نوعی ولایت است؛ زیرا نوعی حق تسلط و تدبیر و تصرف در شؤون مردم است».<sup>۲</sup> و حقیقتاً علمای بزرگوار شیعه در طول تاریخ، طلایه داران پیشوایی و رهبری جامعه مسلمین و هدایت و سرپرستی آنها بوده و با بهره گیری وافر از منابع غنی قرآن و اهل بیت علیهم السلام - و عنایات خاص حضرت ولّی عصر (عج) امر نیابت آن حضرت را عهده دار بوده و اکنون نیز در دوره غیبت کبری، این وظیفه خطیر را عهده دار هستند.

#### ۴- نحوه اداره امور در عصر غیبت در اندیشه امام خمینی علیه السلام

امام خمینی همچنین این مسأله را در نظر دارد که در زمان غیبت حضرت صاحب علیه السلام، فرد مشخصی برای اداره امور و تشکیل حکومت

۱. امامت و رهبری، ص ۴۶ - ۵۱ و ص ۸۹ - ۹۲؛ ولایت فقیه، محمد هادی معرفت؛ نظریه سیاسی اسلام، محمد تقی مصباح؛ حکمت حکومت فقیه، حسن ممدوحی.

۲. شهید مطهری، ولاءها و ولایتها، ص ۴۹ و ۵۰.

از سوی خدا و حتی ائمه علیهم‌السلام معرفی نشده است، که این مسأله نشان می‌دهد که با توجه به ضرورت تشکیل حکومت در این زمان، به حکم عقل و شرع، این امر به عهده علمای دینی و فقهای زمان است تا با اقدام به تشکیل حکومت، زمینه اجرای احکام اسلامی و حراست از کیان سرزمین‌های اسلامی فراهم گردد.

تأکید استدلالی در این مسأله بر آن است که همان خاصیتی که امر حکومت در زمان حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و حضرت علی علیه‌السلام داشت، عیناً در زمان دیگر ائمه و حتی در عصر غیبت دارد و از این جهت فرقی میانشان وجود ندارد.

امام خمینی درباره دخالت در امور سیاسی و اجتماعی مسلمین تا آنجا تأکید دارند که حتی شرکت در اداره جامعه تحت لوای حکومت غیر عادل را برای کمک به مردم مستضعف جایز و روا می‌داند که این امر حتی در زمان ائمه علیهم‌السلام مرسوم و مورد تأیید آنها بوده است. به گفته ایشان: «در همان تشکیلات خانمان سوز دیکتاتوری هم اگر کسی وارد شود برای جلوگیری از فسادها و برای اصلاح حال کشور و توده، خوب است؛ بلکه گاهی هم واجب می‌شود».<sup>۱</sup>

امام خمینی در نهایت بین جهاد و دفاع در زمان غیبت امام زمان علیه‌السلام، تفکیک قائل می‌شود، او دفاع را در هر شرایطی، حق مسلم هر فرد و جامعه می‌داند که برای انجام آن نیازی به اذن امام زمان علیه‌السلام

هم نیست؛ زیرا دفاع از حقوق اولیه و مسلم انسان‌هاست، در حالی که جهاد، بالاخص اگر برای کشورگیری یا فتح سرزمین‌های جدید به منظور دعوت آنها به اسلام باشد، تنها در زمان تشکیل دولت امام زمان علیه السلام و به اذن ایشان امکان پذیر و مشروع است. و اگر کسی بدون اذن امام معصوم، شخصاً دست به چنین کاری بزند فعل و عمل او باطل و حرام است. از این رو، بر اساس نظر امام خمینی می‌توان گفت: دفاع که همان حفظ کیان و هستی مسلمین است؛ امری عقلی و مسلم است که شرع اسلام هم بر آن تأکید فراوانی دارد و لذا ادعای کسانی که طرفدار تعطیل امر دفاع در زمان غیبت هستند، ادعایی باطل است که احتمالاً ناشی از رخوت و سستی در ایمان و حمیت آنهاست که باعث توجیه وجود و گسترش ظلم نیز می‌شود.

امام خمینی در خصوص دفاع، که ایشان آن را قسم دوم از جنگ اسلامی می‌داند، می‌گوید: «اما قسم دوم از جنگ اسلامی که به نام دفاع، اسم برده شده و آن جنگیدن برای حفظ استقلال و دفاع از اجانب است، به هیچ وجه مشروط به وجود امام یا نایب امام نیست و کسی از مجتهدین نگفته که دفاع را باید با امام یا جانشین آن کرد، بلکه بر تمام افراد توده [مردم] واجب است به حکم اسلام، از کشور اسلامی محافظت کنند و استقلال آن را پابرجا نمایند»<sup>۱</sup>.

امام خمینی این نظر خود را با اشاره به آیاتی از قرآن کریم مورد

۱. کشف الاسرار، ص ۲۳۰.

تأکید بیشتر قرار می‌دهد، آیاتی چون: «وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَآفَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَآفَّةً»<sup>۱</sup> و آیه «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ»<sup>۲</sup>.

### ۵- لزوم حکومت و تداوم ولایت در دوران غیبت

چیزی که دغدغه مهم امام خمینی در زمان غیبت است، این است که انتظار به معنای واقعی، همان تلاش مخلصانه برای تحقق عدالت و ریشه‌کنی ظلم از جامعه با تشکیل حکومت و اداره زندگی دینداران، ضمن دعا برای تعجیل ظهور حضرت صاحب‌الزمان است. این امر از آنجا ناشی می‌شود که اسلام به عنوان دین کامل به ما حکم کرده است که در هر زمان و حتی زمان غیبت، با تشکیل حکومت، امور زندگی دینداران را سامان دهیم. به گفته امام خمینی: «همان دلایلی که لزوم امامت را پس از نبوت اثبات می‌کند، عیناً لزوم حکومت در دوران غیبت حضرت ولی عصر (عج) را در بردارد، به ویژه پس از این همه مدت که از غیبت آن بزرگوار می‌گذرد و شاید آن دوران هزارها سال دیگر نیز ادامه یابد، علم آن نزد خداوند است و ما از طولانی شدن آن به خدای بزرگ پناه می‌بریم»<sup>۳</sup>.

بنابراین لزوم تشکیل حکومت برای تدبیر امور مؤمنین در هیچ زمان و مکان، تعطیل‌بردار نیست و این یک ضرورت عقلی و دینی

۱. سوره توبه، آیه ۳۶.

۲. سوره بقره، آیه ۱۹۰.

۳. نقل به مضمون.

برای همه دینداران است. پس لزوم تشکیل حکومت همیشگی است. از این رو امام خمینی تشکیل حکومت را برای برقراری زندگی عادلانه، اجرای حدود الهی، جلوگیری از تعدی به حقوق مردم، حتی در زمان غیبت ضرورتی بدیهی می‌داند؛ زیرا تنها با تشکیل حکومت است که احکام دین اسلام، ضمانت اجرایی پیدا می‌کنند و زمینه فساد و ظلم از بین می‌رود و عدالت اجتماعی برقرار می‌گردد.

لذا امام خمینی می‌فرماید: «امروز و همیشه وجود ولی امر، یعنی حاکمی که قیّم و برپا نگهدارنده نظم و قانون اسلام باشد ضرورت دارد، وجود حاکمی که مانع تجاوزات و ستمگری‌ها و تعدی به حقوق دیگران باشد، امین و امانتدار و پاسدار خلق خدا باشد،... و از بدعت‌هایی که دشمنان و ملحدان در دین و در قوانین و نظامات می‌گذارند، جلوگیری کند»<sup>۱</sup>.

پس تشکیل حکومت در عصر غیبت همان ویژگی‌های تشکیل حکومت در دوران حضرت رسول صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام را دارد و کارکردهای سیاسی، دینی، اقتصادی و غیره خاص خود را می‌تواند داشته باشد، یعنی هم ضامن اجرای عدالت و مانع گسترش ظلم و هم ضامن اجرای احکام فردی و اجتماعی دین و تعالی جامعه در همه ابعاد است؛ زیرا عدم تشکیل حکومت در این دوران به معنای تعطیل

۱. ولایت فقیه، ص ۴۰.

قوانین و احکام دینی، سیاسی و غیره اسلام است که این آشکارا با ادعای اسلام مبنی بر کامل بودن آن در تضاد و تناقض است. از این رو امام خمینی تشکیل حکومت در عصر غیبت را تداوم‌گر امامت شیعی در شکل دیگر و جزء ولایت می‌داند، یعنی ضرورت تحقق ولایت ائمه علیهم‌السلام در دوران غیبت، تشکیل حکومت از سوی علما و فقهای دینی برای تداوم حکومت اسلام و ولایت ائمه علیهم‌السلام است. لذا امام خمینی می‌فرماید:

«اعتقاد به ضرورت تشکیل حکومت و برقراری دستگاه اجرا و اداره، جزئی از ولایت است، چنانکه مبارزه و کوشش برای آن از اعتقاد به ولایت است... ما که به ولایت معتقدیم، و اینکه رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تعیین خلیفه کرده، و خدا او را واداشته تا تعیین خلیفه کند و ولی امر مسلمانان را تعیین کند، باید به ضرورت تشکیل حکومت معتقد باشیم و باید کوشش کنیم که دستگاه اجرای احکام و اداره امور برقرار شود. مبارزه در راه تشکیل حکومت اسلامی، لازمه اعتقاد به ولایت است.»<sup>۱</sup>

بنابراین ضرورت تداوم ولایت و اجرای احکام اسلامی، در واقع همان ضرورت حفظ و بقای احکام اسلامی برای آینده است که این امر تنها با تشکیل حکومت امکان‌پذیر است. از این رو تشکیل حکومت، حتی در زمان غیبت امام معصوم نیز امری بدیهی و آشکار

است؛ زیرا در این میان، دفاع از هستی و کیان جامعه اسلامی در مقابل تجاوزات و هجوم‌های بیگانگان، تنها با تشکیل حکومت و سازمان سیاسی و نظامی و اِعمال رهبری سیاسی و نظامی امکان پذیر است. پس از آنجا که دفاع از تمامیت ارضی مسلمین، واجب عقلی و شرعی است وسیله انجام این واجب، تشکیل حکومت در هر زمان و مکان حتی عصر غیبت است. از این رو امام خمینی می‌گوید: «اکنون که دوران غیبت امام علیه السلام پیش آمده و بناست احکام حکومتی اسلام باقی بماند و امتداد پیدا کند و هرج و مرج روا نیست، تشکیل حکومت لازم می‌آید، عقل هم به ما حکم می‌کند که تشکیلات لازم است تا اگر به ما هجوم آوردند، بتوانیم جلوگیری کنیم، اگر به نوامیس مسلمین تهاجم کردند دفاع کنیم. شرع مقدس هم دستور داده که باید برای همیشه در برابر اشخاصی که می‌خواهند به شما تجاوز کنند برای دفاع آماده باشید، برای جلوگیری تعدیات افراد نسبت به یکدیگر هم، حکومت و دستگاه قضایی و اجرایی لازم است. چون این امر به خودی خود صورت می‌گیرد، باید حکومت تشکیل داد»<sup>۱</sup>.

#### ۶- آیا تشکیل حکومت مغایر با نصوص و روایات است؟

آخرین دیدگاهی که حضرت امام علیه السلام در بیانات خود بدان می‌پردازند، دیدگاه کسانی است که هر اقدامی برای تشکیل حکومت در زمان غیبت را خلاف شرع دانسته و عقیده دارند که این عمل با



نصوص روایات مغایر است:

دسته دیگری بودند که می‌گفتند که هر حکومتی اگر در زمان غیبت محقق بشود، این حکومت باطل است و برخلاف اسلام است. آنها مغرور بودند، آنهایی که بازیگر نبودند مغرور بودند به بعضی روایاتی که وارد شده است بر این امر که هر علم‌ی بلند شود قبل از ظهور حضرت، آن علم، علم باطل است. آنها خیال کرده بودند که نه، هر حکومتی باشد، در صورتی که آن روایات که هر کس علم بلند کند، علم مهدی علیه السلام به عنوان مهدویت بلند کند. حالا ما فرض می‌کنیم که یک همچو روایاتی باشد، آیا معنایش این است که ما تکلیفمان دیگر ساقط است؟

ایشان در ادامه کلامشان نتایج چنین دیدگاهی را بررسی کرده و می‌فرمایند:

اینکه می‌گوید حکومت لازم نیست معنایش این است که هرج و مرج باشد. اگر یک سال حکومت در یک مملکتی نباشد، نظام در یک مملکتی نباشد، آنطور فساد پر می‌کند مملکت را که آن طرفش پیدا نیست. آنکه می‌گوید حکومت نباشد، معنایش این است که هرج و مرج بشود، همه هم را بکشند، همه به هم ظلم کنند برای اینکه حضرت بیاید، حضرت بیاید چه کند؟ برای اینکه رفع کند این را. این یک آدم اگر سفیه نباشد، اگر مغرض نباشد، اگر دست‌سیاستی این کار را نکرده باشد که بازی بدهد ماها را که ما کار به آنها نداشته باشیم، آنها بیایند هر کاری بخواهند انجام بدهند، این باید خیلی آدم نفهمی باشد.<sup>۱</sup>

۱. ر.ک: صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۵.

### ۷- رسالت عالمان دین در عصر غیبت

از مصیبت‌های عظیم عصر غیبت این است که اگرچه مردمان این زمان، معاصر آن عزیز الهی‌اند، اما از حکومت عدل جهانی او و هدایت‌ها و ارشادهای پیوسته و مستقیم او (در اثر عواملی که تمامی آنها به خود آنان راجع است) محروم‌اند. در پی همین محرومیت اسفبار و جانکاه، بسیاری از حقایق دین مخفی مانده و برخی نیز در اثر دسایس و نیرنگ‌های شیاطین و دست‌های پیدا و پنهان دشمنان دین، چهره ناب و اصلی خود را در پس غبار خرافه، یا سوء فهم و تحریف عده‌ای جاهل و مغرض پنهان کرده است، و از این راه، امت بزرگ اسلامی گرفتار خسارت‌ها و صدمه‌های فراوان گشته و قدرت جهاد و مبارزه در جهت حرکت به سوی هدف‌های بلند و متعالی، از او سلب گردیده است.

در این میان تنها عالمان دین؛ بنابر تعیین و تأیید امامان معصوم علیهم السلام؛ به ویژه حضرت مهدی (عج)، قلعه بانان و حافظان میراث انبیا هستند،<sup>۱</sup> که با تحمل رنج فراوان و طاقت شکن و شنیدن زخم زبان‌ها و کشیدن مرارت‌ها به غبارروبی و زدودن لکه‌های تحریف و سوء فهم‌های جاهلانه از چهره پر فروغ مفاهیم بلند دینی قیام نموده، تا آثار دسیسه‌های نیرنگ بازان و بدعت مبدعان را کنار زده و مردم را در مسیر هدایت الهی قرار دهند.<sup>۲</sup>

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۱۰۱. ۲. بحار الانوار، ج ۲، ص ۹۲ و ۹۳.

از میان ابرمردان عرصه علم و تقوا و جهاد، امام خمینی علیه السلام نمود و جلوه‌ای برجسته دارد. کاری که خداوند به دست ایشان عملی کرد، به وسیله دیگران محقق نگشت و توفیقی که در این جهت نصیب او گردید، برای غیر پیش نیامد.

او با شجاعت و شهامتی بی‌بدیل و کم‌نظیر به دو کار اساسی و متعالی اقدام نمود، که تا حدود زیادی به ثمر نشست. قیام برای زدودن خرافه و کج‌فهمی از چهره دین و مفاهیم آن، که از سوی استکبار جهانی و سیاست‌های شیطانی آنها و نیز مقدس‌نماهای بی‌مزد استعمار تحمیل شده بود و دیگری تلاش در جهت ایجاد حکومت اسلامی و اجرای احکام دین که هر یک از دیگری مشکل‌تر بود.

عالمان دین و همه مسؤولانی که داعیه انتظار آن حضرت را داریم، اولین وظیفه ما این است که «نور» بشویم، نه تنها عالم عادل! این عالم شدن و عادل شدن، طلیعه راه انتظار است! این به آیه سوره مبارکه حدید عمل کردن است که ﴿لِيُقْوَمَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ﴾<sup>۱</sup> این از سایر مردم هم بر می‌آید. عالم شدن و عادل شدن طلیعه انتظار است؛ نورانی شدن وظیفه علما است. اینکه در طلیعه سوره مبارکه ابراهیم فرمود: ﴿كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ﴾<sup>۲</sup> یعنی مردم را نورانی کردن.

۱. سوره حدید، آیه ۲۵.

۲. سوره ابراهیم، آیه ۱.

کسی که خوابش معلوم نیست، بیداری اش معلوم نیست، غذا خوردنش معلوم نیست، این اصلاً «نور» نیست! فرمود: شما نور باش، مردم همین که شما را دیدند، هدایت می شوند. لازم نیست حرف بزنی! «كونوا دعاة الناس بغير السنتم»<sup>۱</sup> مگر این برق حرف می زند؟! چون نور است، همه اهداف را تبیین می کند. فرمود: «وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ»<sup>۲</sup> آن وقت این سرمایه گران و گوهر نهادینه شده را انسان رایگان بفروشد، یا به القاب بفروشد، یا با بازیگری بفروشد! فرمود: مردم باید نورانی بشوند. و در زمان ظهور آن حضرت مردم نورانی اند.

### ۸- تکالیف شرعی آحاد مردم در عصر غیبت

سپس امام راحل علیه السلام با اشاره به تکالیف شرعی آحاد مردم در جامعه مبنی بر ستیز با ظلم و مبارزه با هرج و مرج و فساد و تلاش در برپایی نظام اسلامی و حاکمیت حق و بسط عدالت به قدر استطاعت، بر ضرورت حکومت در جوامع انسانی و اسلامی در عصر غیبت امام زمان (عج) و غیره تأکید می کند و می فرماید:

ما اگر دستمان می رسید و قدرت داشتیم، باید برویم تمام ظلم و جورها را از عالم برداریم، تکلیف شرعی ماست، منتها نمی توانیم؛ اینی که هست این است که حضرت عالم را پر می کند از عدالت، نه

۲. سوره انعام، آیه ۱۲۲.

۱. بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۳۰۹.

شما دست بردارید از این تکلیفتان، نه اینکه شما دیگر تکلیف ندارید. ما تکلیف داریم که، اینی که می‌گویند حکومت لازم نیست معنایش این است که هر ج و مرج باشد. اگر یک سال حکومت در یک مملکتی نباشد، نظام در یک مملکتی نباشد، آنطور فساد پر می‌کند مملکت را که آن طرفش پیدا نیست. آنی که می‌گوید حکومت نباشد معنایش این است که هر ج و مرج بشود، همه هم را بکشند، همه به هم ظلم بکنند برای اینکه حضرت بیاید. حضرت بیاید چه کند؟ برای اینکه رفع کند این را. این یک آدم عاقل، یک آدم اگر سفیه نباشد، اگر مغرض نباشد، اگر دست‌سیاستی این کار را نکرده باشد که بازی بدهد ماها را که ما کار به آنها نداشته باشیم، آنها بیایند هر کاری بخواهند انجام بدهند، این باید خیلی آدم نفهمی باشد.

اما مسأله این است که دست‌سیاست در کار بوده. همانطوری که تزریق کرده بودند به ملت‌ها، به مسلمین، به دیگر اقشار جمعیت دنیا که سیاست کار شماها نیست، بروید سراغ کار خودتان و آن چیزی که مربوط به سیاست است بدهید به دست امپراطورها. خوب! آنها از خدا می‌خواستند که مردم غافل بشوند و سیاست را بدهند دست حکومت و به دست ظلمه، دست آمریکا، دست شوروی، دست امثال اینها و آنهایی که اذتاب اینها هستند و اینها همه چیز ما را ببرند، همه چیز مسلمان‌ها را ببرند، همه چیز مستضعفان را ببرند و ما بنشینیم

بگوییم که نباید حکومت باشد! این یک حرف ابلهانه است، منتها چون دست سیاست در کار بوده، این اشخاص غافل را، اینها را بازی دادند و گفتند شما کار به سیاست نداشته باشید، حکومت مال ما، شما هم بروید در مسجدهایتان بایستید نماز بخوانید، چه کار دارید به این کارها؟!<sup>۱</sup>

۱. ر.ک: صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۵-۱۶.

فصل پنجم:

ویژگی های حکومت جهانی

حضرت مهدی علیه السلام

### ۱- ویژگی‌های حکومت جهانی حضرت مهدی (عج)

به طور کلی دورنمایی از درخشندگی حکومت عدالت‌گستر امام قائم (عج) را ائمه علیهم‌السلام در ذیل این آیه شریفه بیان نمودند، قرآن کریم می‌فرماید: «يُخَيِّ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَكَذَلِكَ تُخْرَجُونَ»؛ «خداوند متعال زمین را پس از مرگش زنده می‌کند».

روایات زیادی در ذیل این آیه از ائمه علیهم‌السلام رسیده و این آیه را با ظهور امام عصر (عج) تطبیق نمودند، و می‌فرمایند: خداوند زمین را به سبب عدالت قائم (عج) پس از مرگ رهبران کفر و ستمگر زنده می‌گرداند.<sup>۲</sup> با مقایسه زمین خشک و مرده با زمین پر از گیاه و گل و میوه و سبز و خرم و آب و ... و مقایسه آن با حکومت مهدی (عج) به دست می‌آید که حکومت جهانی آن حضرت تا چه اندازه‌ای از عدل و داد و صفا و صمیمیت و امنیت و شادمانی در همه زمینه‌ها برخوردار است، عصر امام مهدی (عج) از چنان درخشندگی برخوردار است که خداوند به آن سوگند یاد نموده و می‌فرماید: «وَالْعَصْرِ \* إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ».<sup>۳</sup>

۲. البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص ۴۴۵.

۱. سوره روم، آیه ۱۹.

۳. سوره عصر، آیه ۱ و ۲.



امام صادق علیه السلام می فرماید: منظور از این عصر، عصر درخشان حکومت مهدی (عج) می باشد.<sup>۱</sup>

با توجه به مطالب بیان شده، لازم می دانیم که به ویژگی های جهان شمولی این دوران سراسر درخشان و پر از مهر و محبت اشاره نماییم. گرچه نمی توان به تمام خصوصیات حکومت امام عصر (عج) اشاره نمود، ولی از باب نمونه می توان به بعضی از ویژگی های خاص آن اشاره نمود، بنا به گفته شاعر شیرین سخن که می گوید:

آب دریا را اگر نتوان کشید      هم به قدر تشنگی باید چشید

## ۲- جهان شمولی و توحید سراسری

منجی عالم بشریت مهدی موعود (عج) برای حاکمیت یک دین بر همه افکار در پهنه گیتی و رساندن انسان به علت غایی خلقتش، ظهور می کند، لذا برای عالم گیر شدن یکتاپرستی، بساط کفر و نفاق، شرک و بت پرستی و عناد و دشمنی و فتنه و فساد را از زمین بر می چیند و در تمام عالم یکتاپرستی حکم فرما شده و توحید سراسری، جهان را فرا می گیرد. از این رو یکی از برنامه های اصلی مصلح بزرگ جهان و ناجی انسان ها حضرت مهدی (عج) دعوت به توحید است در سراسر عالم، امام صادق علیه السلام در ذیل آیه ۸۳ سوره آل عمران<sup>۲</sup> می فرماید: «اذا

۱. البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۳۸۰، ذیل همین آیه.

۲. «أَفَعَبِّرْ دِينَ اللَّهِ يَبْعُونَ وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ»؛ «آیا دینی جز دین خدا می جویند، حال آنکه آنچه در آسمان ها و زمین است خواه ناخواه تسلیم فرمان او هستند و به نزد او بازگردانده می شوند».

قام القائم لا يبقى ارض الا نودی فيها شهادة ان لا اله الا الله وان محمداً رسول الله؛<sup>۱</sup> هرگاه قائم آل محمد علیهم السلام قیام نماید جایی از زمین باقی نمی‌ماند مگر آنکه در آن ندا می‌شود شهادت بر اینکه خدایی غیر از الله نیست و اینکه حضرت محمد صلی الله علیه و آله رسول خداوند است».

امام کاظم علیه السلام در ذیل همین آیه می‌فرماید: آیه (۸۳ آل عمران) در شأن قائم ما آل محمد علیهم السلام نازل شده است، و اوست که یهود، نصاری، زنادقه و کفار را از شرق و غرب زمین بیرون می‌آورد و اسلام را بر آنان عرضه می‌دارد، هر کس به میل خود اسلام را پذیرفت او را فرمان می‌دهد به انجام نماز و زکات و هر تکالیفی که خداوند بر مسلمانان واجب نموده است و هر کس از روی لجاجت و عناد اسلام نیاورد گردنش را خواهد زد تا در شرق و غرب جهان کسی نماند مگر یکتاپرست» ابن بکیر (راوی این حدیث) سؤال کرد: فدایت شوم در آن زمان اکثر مردم کفارند، پس باید گردن همه آنان زده شود، امام علیه السلام فرمود: چون خداوند کاری را اراده کند زیاد را کم و کم را زیاد می‌کند.<sup>۲</sup> از جمله اخیر این روایت بر می‌آید که جامعه عصر ظهور، بینش و آگاهی مردم به اندازه‌ای رشد و کمال خواهد یافت که اکثریت آنان با رغبت و میل، و از روی بصیرت و آگاهی دین اسلام را می‌پذیرند، و در پرتو حکومت حضرت مهدی (عج) همگان خدای یگانه را پرستش

۱. ینابیع المودة، ص ۴۲۰؛ تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۰۶.

۲. البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۶۵؛ تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۰۷.

می‌کنند و در پرستش خداوند یگانه کسی و چیزی را شریک او قرار نداده، در همه جهان، توحید خالص حاکم خواهد شد. از این رو است که امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «اذا قام قائمنا وضع الله یده علی رؤوس العباد فجمع بها عقولهم وکملت به احلامهم؛<sup>۱</sup> وقتی قائم ما قیام کرد، خداوند متعال، دست رحمتش را بر سر بندگانش می‌گذارد و به وسیله آن، عقل‌ها و اندیشه‌هایشان را به کمک هم گرفته و کامل می‌سازد».

این حدیث به طور صریح می‌فرماید که اندیشه و افکار مردم عصر ظهور تکامل پیدا نموده و پیشرفت می‌کنند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: وقتی که قائم (عج) قیام کند هیچ کافر و مشرک پیدا نمی‌شود، مگر اینکه قیام او را انکار کرده و ناپسند شمارد، ولی کار به جایی می‌رسد که اگر کافر و مشرک در شکم سنگی سخت پنهان شده باشد، آن سنگ می‌گوید: ای مؤمن در شکم من کافری پنهان شده است مرا بشکن و او را بکش.<sup>۲</sup>

### ۳- عصر پیشرفت علم و دانش

پیشرفت علم و دانش بشری طبق روایات وارده در این عصر گسترش فوق العاده‌ای خواهد یافت. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «العلم سبعة و عشرون جزءاً فجميع ما جاءت به الرسل جزءان فلم يعرف الناس حتى اليوم غیر الحرفین فاذا قام القائم علیه السلام اخرج الخمس والعشیرین حرفاً فبثها فی الناس و ضم الیها الحرفین حتی یبثها سبعة و عشیرین حرفاً؛<sup>۳</sup> علم و دانش ۲۷

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۲۵. ۲. بحار الانوار، ج ۲، ص ۳۲۴.

۳. بحار الانوار، ج ۲، ص ۳۳۶، منتخب الانوار المصیئة ۳۵۳.

حرف (شعبه و شاخه) دارد، و تمام آنچه که پیامبران برای مردم آورده‌اند، دو حرف بیش نبوده و مردم تاکنون جز آن دو حرف را نشناخته‌اند، اما هنگامی که قائم ما قیام کند ۲۵ حرف دیگر را آشکار نموده و به این دو حرف اضافه خواهد نمود تا اینکه ۲۷ حرف را کامل کند».

و نیز می‌فرماید: «ان قائمنا اذا قام مد الله عزوجل لشيعتنا في اسماعهم و ابصارهم حتى لا يكون بينهم و بين القائم برید يكلمهم فيسمعون و ينظرون اليه و هو في مكانه؛<sup>۱</sup> هنگامی که قائم ما قیام کند خداوند آنچنان گوش و چشم شیعیان ما را تقویت می‌کند که میان آنها و قائم نامه‌رسانی نخواهد بود، با آنها سخن می‌گوید و سخنش را می‌شنوند، و او را می‌بینند در حالی که او در مکان خویش است و آنها در نقاط دیگر».

همچنین می‌فرماید: «المؤمن في زمان القائم و هو بالشرق ليري اخاه الذي في المغرب و كذا الذي في المغرب يري اخاه الذي في المشرق؛<sup>۲</sup> مؤمن در زمان قائم (عج) در حالی که در مشرق است برادر خود را در مغرب می‌بیند و همچنین کسی که در مغرب است برادر خود را که در مشرق است می‌بیند».

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «اذا قام قائمنا وضع الله يده على رؤوس العباد فجمع بها عقولهم و كملت به احلامهم؛<sup>۳</sup> وقتی که قائم ما قیام کرد، خداوند

۱. الکافی، ج ۸، حدیث القباب، ص ۲۳۱.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶؛ منتخب الاثر، ص ۴۸۳.

۳. اصول کافی، ج ۱، ص ۲۵.

متعال دست رحمتش را بر سر بندگان می‌گذارد و به وسیله آن، عقل‌ها و اندیشه‌هایشان را به کمک هم گرفته و کامل می‌سازد.»  
 در جای دیگر می‌فرماید: «تؤتون الحکمة فی زمانه؛<sup>۱</sup> در دولت حضرت مهدی علیه السلام به همه مردم علم و حکمت داده می‌شود.»

اینها نمونه‌هایی از روایات است که حکایت از پیشرفت و رشد همه جانبه علوم مختلف در حکومت جهانی آن حضرت علیه السلام دارد.

#### ۴- عصر تأمین رفاه و آسایش بشر

یکی از ویژگی‌های حکومت عدالت‌گستر مهدی (عج) فراهم نمودن رفاه و آسایش مردم است، رسول اکرم صلی الله علیه و آله در ضمن روایتی می‌فرماید: «تنعم فیہ امتی لم ینعموه مثلها قط تؤتی الأرض اکلها و لا تدخر منهم شیئاً و المال یومئذ کدوس یقوم الرجل فیقول: یا مهدی (عج) اعطنی، فیقول: خذه؛<sup>۲</sup> آنچنان در میان امت من وفور نعمت می‌شود که مثل آن هرگز نبوده است، زمین گنج‌ها و میوه‌های خود را آشکار می‌سازد، و مال و ثروت همچون چیزی است که زیر دست و پا افتاده باشد کسی بلند می‌شود و می‌گوید: یا مهدی به من عطا کن و حضرت می‌فرماید: هرچه می‌خواهی بردار.»

«وتظهر له الكنوز و لا یبقی فی الارض خراب الا یعمره؛<sup>۳</sup> تمام معادن و گنج‌های زیر زمین در حکومت او آشکار و استخراج می‌شود و در روی

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۲.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۲؛ کشف الغمة، دو جلدی، ص ۳۸۲.

۳. منتخب الاثر، ص ۴۸۲.

زمین مخروبه باقی نمی‌ماند مگر آنکه به وسیله آن حضرت آباد می‌شود».

رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «و تخرج الارض نباتها و يعطى المال و تکثر الماشية؛<sup>۱</sup> زمین همه نباتات خود را می‌رویانند و اموال خود را می‌دهد و دام‌ها فراوان می‌شوند»، رفاه اقتصادی و زیادی نعمت‌های الهی در حدی می‌رسد که مردم تماماً بی‌نیاز می‌شوند و کسی برای صدقه و انفاق خود، شخص نیازمندی را پیدا نمی‌کند تا به او انفاق نماید چرا که همه مردم خودکفا و بی‌نیازند.<sup>۲</sup>

#### ۵- امنیت و آرامش و صلح جهانی

آرامش، امنیت و صلح جهانی یکی از ویژگی‌های حکومت جهانی حضرت علیه السلام است، تردیدی نیست که نقش و اهمیت امنیت در زندگی اجتماعی انسان‌ها از هر آنچه که تصور کنید مهم‌تر است؛ زیرا در صورت ناامنی و عدم آرامش، نه اقتصاد کارساز است، و نه سیاست و نه فرهنگ؛ زیرا ناامنی بهترین و والاترین ارزش‌ها را به مخاطره انداخته و در آشفته بازار روزگار، مال، ناموس، آبرو، و حتی جان انسان مورد تهدید قرار می‌گیرد، که ما نمونه بارزش را در این عصر در عراق و افغانستان می‌بینیم، و یکی از دلایل غیبت امام مهدی (عج) نیز همین عدم امنیت بود که خداوند جان ایشان را با غیبت از شر دشمنانش حفظ نمود، که اگر غایب نمی‌شد معتمد عباسی او را

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۵.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۹۰.

همانند پدران بزرگوارش شهید می‌کرد، و در نهایت، زمین از حجت خدا خالی می‌شد. از این رو امنیت، یکی از با ارزش‌ترین ویژگی حکومت امام مهدی (عج) است که خداوند در زیر سایه و لوای عدل و دادگری حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) برای انسان‌ها ارزانی می‌نماید، و نه تنها انسان‌ها از امنیت برخوردار می‌شوند، بلکه حیوانات و حتی موجودات دیگر از گستردگی عدالت و امنیت و صلح و آرامش، اعلان رضایت می‌نمایند.

از امام علی علیه السلام نقل شده است: مهدی (عج) والیانی را برای برقراری عدالت در شهرهای دیگر گسیل می‌دارد و گوسفندان و گریان در یک جا به چرا مشغول می‌شوند، کودکان با مارها و کژدم‌ها بازی می‌کنند و آنان ضرر نمی‌زنند، بدی‌ها رخت بر بسته، می‌روند و نیکی‌ها باقی می‌مانند... زنا، میگساری، ربا از بین رفته و مردم به عبادات، شریعت، دیانت و نماز جماعت روی می‌آورند، عمرها طولانی شده و امانات ادا می‌شوند، (یعنی در امانت خیانت نمی‌شود) درختان ثمربخش و برکات چند برابر می‌شوند، بدان هلاک شده و نیکان باقی می‌مانند، هر کس کینه و دشمنی آل پیامبر علیهم السلام را در دل داشته باشد باقی نمی‌ماند.<sup>۱</sup>

بدون تردید اگر بازی کودکان با مارها و عقرب‌ها به معنی ظاهری

۱. عقدالدرر، ص ۲۱۱، حیات الامام المهدی ۲۹۲، عقیده المسلمین فی الامام المهدی،

خودش اطلاق شود، مراد این است که امنیت آنچنان عمومیت پیدا کرده و همگانی می شود که حتی حیوانات گزنده که طبعشان نیش زدن و گزیدن است به آنان ضرری وارد نمی کنند، و ممکن است که معنی کنایه باشد، به این معنی که کنایه از آن است که حتی انسان های گزنده خو و شرور و خطرآفرین هم به دیگران ضرر نخواهند زد، و یا کنایه از این است که هیچ کسی به کسی دیگر ضرر نمی زند، یعنی یک نوع تشبیه و تمثیل باشد. به هر حال، افراد جامعه آن روز با آگاهی کامل و تربیت سالم با صلح و آرامش در کنار همدیگر زندگی مسالمت آمیزی دارند.

امام علی علیه السلام در جای دیگر می فرماید: زمانی که قائم ما قیام نماید، بغض و کینه از دل های بندگان برود و چهارپایان و درندگان در حال صلح و آرامش با یکدیگر به سر خواهند برد.<sup>۱</sup>

امام باقر علیه السلام می فرماید: «اذا قام القائم علیه السلام حکم بالعدل و ارتفع فی ایامه الجور و امنت به السبل... تخرج العجوزة الضعيفة من المشرق ترید المغرب لا یؤذیها احد؛<sup>۲</sup> هنگامی که مهدی ما قیام نماید جور و ستم از بین می رود، و راه ها امن می شود، پیره زن ناتوان از شرق عالم به آهنگ مغرب راه می افتد و در این مسیر هیچ کسی او را اذیت نخواهد کرد».

۱. نورالابصار، ص ۱۸۸؛ عقد الدرر فی اخبار المنتظر، ص ۱۴۲؛ بحارالانوار، ج ۵۲.

۲. منابع المودة، ج ۳، ص ۲۴.



### ۶- صفا و صمیمیت

یکی از ویژگی‌های حکومت امام عصر (عج) این است که مردم را طوری تربیت می‌نماید که همه در حال برادری و برابری زندگی می‌نمایند. بین مردم صلح و صفا و آرامش و امنیت و مهر و محبت و صمیمیت برقرار است.

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «اذا قام القائم جاءت المزاملة و يأتي الرجل الى كيس اخيه فيأخذ حاجته لا يمنعه؛<sup>۱</sup> هنگامی که قائم ما قیام کند، دوستی واقعی و صمیمیتی حقیقی پیاده می‌شود، هر نیازمندی دست می‌برد و از جیب برادر ایمانی خود به مقدار نیاز بر می‌دارد و برادرش او را منع نمی‌کند».

### ۷- عصر قاطعیت با کارگزاران و ملاطفت با زیردستان

یکی دیگر از ویژگی‌های مهم دولت جهانی امام عصر علیه السلام قاطعیت درباره کارگزاران، مجریان امور و برخورد شدید با متخلفان است، ولی در مقابل، ملاطفت و مهربانی با مستمندان و بیچارگان است. برخلاف تمام حاکمان دنیا و نهادهای این عصر و زمان، امام علی علیه السلام می‌فرماید: «أَلَا وَ فِي غَدٍ وَ سَيَاتِي غَدٍ بِمَا لَا تَعْرِفُونَ يَا خُدَّاءَ الْوَالِي مِنْ غَيْرِهَا عَمَّالَهَا عَلَى مَسَاوِي أَعْمَالِهَا وَ تُخْرِجُ لَهُ الْأَرْضَ أَفَالِيدَ كَبِدِهَا وَ تُلْقِي إِلَيْهِ سِلْمًا مَقَالِيدَهَا فَيُرِيكُمْ كَيْفَ عَدْلُ السَّيْرَةِ وَ يُخِي مَيْتَ الْكِتَابِ وَ السُّنَّةِ؛<sup>۲</sup> آگاه باشید! فردایی که به زودی خواهد آمد شما را از آن هیچ شناختی نیست، زمامداری حاکمیت پیدا

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۲.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۳۸.

می‌کند که غیر از خاندان حکومت‌های امروزی است. حضرت مهدی (عج) عمال و کارگزاران حکومت‌ها را بر اعمال بدشان کیفر خواهد نمود، زمین میوه‌های دل خود (معادن طلا و نقره) را بیرون می‌ریزد و کلیدهایش را به او می‌سپارد، او روش عادلانه در حکومت حق را به شما می‌نماید، کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله را که تا آن روز متروک ماندند زنده می‌کند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «المهدی سمح بالمال، شدید علی الاعمال، رحیم بالمساکین؛<sup>۱</sup> مهدی (عج) بخشنده است که مال را به وفور می‌بخشد، بر کارگزاران و مسؤولان دولت خویش بسیار سخت می‌گیرد، بر بینوایان بسیار رؤوف و مهربان است».

#### ۸- عصر ناامنی برای مشرکان و منافقان

در عصر ظهور، هیچ جای امنی برای انسان‌های مشرک و منافق پیدا نمی‌شود، باید همه یا موحد باشند و یا مغلوب امام و یارانش گردیده تا یک جامعه توحیدی و سراسر یکتاپرستی به وجود بیاید. امام صادق علیه السلام در یک روایتی برای مفضل می‌فرماید: «فوالله یا مفضل لیرفع عن الملل و الادیان الاختلاف و یکون الدین کله واحد کما قال الله جل ذکره: ان الدین عند الله الاسلام؛<sup>۲</sup> به خدا سوگند ای مفضل! اختلاف از میان ملت‌ها و ادیان برداشته می‌شود و همه به صورت یک دین در می‌آیند چنان‌که خداوند در قرآن می‌فرماید: دین در نزد خدا تنها اسلام است».

در روایتی از امام باقر علیه السلام آمده است که می‌فرماید: «کأنی اری

۱. الملاحم و الفتن، ص ۱۳۷.

۲. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۴.

باصحاب القائم و قد احاطوا بما بين الخافقين فليس من شيء الا و هو مطيع لهم؛<sup>۱</sup>  
 گویا یاران قائم علیه السلام را می بینم که بر شرق و غرب عالم مسلط شده اند  
 و هیچ چیزی نیست مگر آنکه مطیع و فرمان بردار آنها باشد».

رسول اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «ابشركم بالمهدی... یرض عنه ساکن السماء  
 و ساکن الارض؛<sup>۲</sup> شما را به آمدن مهدی مژده می دهم که ساکنان آسمان  
 و زمین از او راضی هستند».

امام باقر علیه السلام می فرماید: «و لیبلغنّ دین محمد ما یبلغ اللیل و النهار حتی  
 لا یكون شرك علی ظهر الارض؛<sup>۳</sup> بدون تردید آیین محمد صلی الله علیه و آله به هر نقطه ای  
 که شب و روز می رسد، خواهد رسید و دیگر اثری از شرک، روی زمین  
 نمی ماند».

و نیز می فرماید: «اذا قام القائم ذهب دولة الباطل؛<sup>۴</sup> آن هنگام که قائم علیه السلام  
 قیام کند هر دولت باطل از بین می رود».

«و لا یكون ملك الا الاسلام؛<sup>۵</sup> در آن روز حکومتی جز حکومت اسلامی  
 نخواهد بود».

از این روایات به خوبی و روشنی استفاده می شود که حکومت  
 حضرت مهدی (عج) تمام کره زمین را خواهد گرفت و تمام انسان های  
 روی زمین موحد شده و در سایه حکومت جهانی و الهی آن حضرت  
 زندگی خواهند نمود.

۱. کمال الدین و تمام النعمة، ص ۶۷۳. ۲. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۱.

۳. منتخب الاثر، ص ۱۵۷. ۴. الکافی، ج ۸، ص ۲۷۸.

۵. الملاحم و الفتن فی ظهور الغایب المنتظر: ابن طاووس، ص ۶۶.

فصل ششم:

حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام

در اندیشه امام خمینی رحمته الله

### ۱- حضرت مهدی (عج) سرّ امتداد لیلۃ القدر

در روایتی از امام محمد تقی علیه السلام درباره لیلۃ القدر رسیده که فرمود: «یا معشر الشیعة خاصموا بسورة انا انزلناه فی لیلۃ القدر تفلحوا!»<sup>۱</sup> ای شیعیان در مقام بحث باید با سوره مبارکه قدر استدلال نمایید تا پیروز شوید».

مراد حضرت آن است که در سوره قدر از نزول فرشتگان خبر داده و فرمود: «تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ»<sup>۲</sup> در این آیه جریان نزول فرشتگان با فعل مضارع بیان شده است که دلالت بر استمرار می‌کند، بنابراین به نصّ قرآن کریم تا پایان دنیا فرشتگان با روح القدس در شب قدر به زمین فرود می‌آیند، پس باید بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله کسی که به همه صفات معنوی آن حضرت متصف است وجود داشته باشد و با فرشتگان و روح القدس سنخیت وجودی داشته باشد تا آنها در شب قدر در زمین به حضور او بیایند. بی تردید هیچ کسی غیر از امام معصوم چنین شایستگی ندارد و مهدی موعود (عج) به

۱. اصول کافی، ج ۱، کتاب الحجّة باب شأن سوره قدر، ح ۶، ص ۳۶۴.

۲. سوره قدر، آیه ۴.

عنوان آخرین پرچمدار امامت و ولایت، تنها کسی است که سبب امتداد جریان نزول فرشتگان در شب قدر شده است.<sup>۱</sup>

بنابراین حضرت مهدی (عج) در واقع سرّ امتداد لیلۃ القدر است و وجود مبارک او سبب فرود آمدن فرشتگان در شب قدر می‌شود، این حقیقت در اندیشه امام خمینی رحمته الله علیه نیز به خوبی تبلور یافته؛ از جمله می‌گوید:

امتداد لیلۃ القدر: «اگر سرّ لیلۃ القدر و سرّ نزول ملائکه در شب‌های قدر که الآن هم برای ولیّ الله اعظم حضرت صاحب سلام الله علیه این معنا امتداد دارد، سرّ اینها را ما بدانیم، همه مشکلات ما آسان می‌شود».<sup>۲</sup>

و در جای دیگر با اشاره به مفهوم لیلۃ القدر با تفصیل بیشتری در این باره سخن گفته و چنین اظهار داشته است: «چون لیلۃ القدر، لیلۃ توجه تام ولیّ کامل و ظهور سلطنت ملکوتیه اوست، به توسط نفس شریف ولیّ کامل و امام عصر هر عصر و قطب هر زمان که امروز حضرت بقیة الله فی الارضین، سیدنا و مولانا و امامنا حجة بن الحسن العسکری - ارواحنا فداه - است، تغییرات و تبدیلات در عالم واقع شود، پس هر یک از جزئیات طبیعت را خواهد بطیء حرکت کند و هر یک را خواهد سریع حرکت کند و هر رزقی را خواهد توسعه دهد، و هر یک را خواهد تضییق کند، و این اراده، اراده حق است و ظلّ و شعاع اراده ازلیّه و تابع فرامین الهیه است».<sup>۳</sup>

۱. انسان در قرآن، ص ۲۴۴.

۲. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۲۸۵.

۳. امام خمینی، ر.ک: آداب الصلوة، ص ۳۲۷.

## ۲- حضرت مهدی (عج) عصاره موجودات

یکی از حقایق دیگر که درباره حضرت مهدی (عج) مطرح است و نوعاً در ره آورد عرفانی بزرگان اهل معرفت بیشتر مطرح شده، آن است که قائم آل محمد علیهم السلام عصاره پدیده‌های عالم خلقت است؛ زیرا آنها، انسان کامل را قلب و خلاصه عالم می‌دانند. لذا در کلمات برخی از آنان چنین آمده است: «آدمیان زبده و خلاصه کاینات و میوه درخت موجوداتند و انسان کامل زبده و خلاصه آدمیان است. موجودات جمله به یک بار در تحت نظر انسان کامل اند».<sup>۱</sup>

امام خمینی علیه السلام که در عرفان همانند بسیاری از معاریف دیگر الهی دیدگاه بلندی دارد، با این رویکرد عرفانی درباره حضرت مهدی (عج) به عنوان یکی از مصداق‌های انسان کامل، کاملاً موافق بوده و خود نیز در این زمینه نکته‌های آموزنده‌ای بیان کرده، از جمله گفته است: «والعصر ان الانسان لفي خسر، -عصر- هم محتمل است که در این زمان حضرت مهدی سلام الله علیه باشد یا انسان کامل که مصداق بزرگش رسول اکرم و ائمه هدی، و در عصر ما حضرت مهدی سلام الله علیه است. قسم به عصاره موجودات، عصر، فشرده موجودات، اینک فشرده همه عوالم است، یک نسخه‌ای است، نسخه تمام عالم، همه عالم در این موجود، در این انسان کامل عصاره است و خدا به این عصاره قسم می‌خورد».<sup>۲</sup>

۱. عزیز الدین نسفی، انسان کامل، ص ۷۴.

۲. صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۴۲۳.

و در جای دیگر نیز با اشاره به آیه مبارکه سوره والعصر، از حضرت مهدی (عج) به عنوان مصداق انسان کامل که عصاره همه موجودات است یاد نموده است<sup>۱</sup> و همچنین در جای دیگر می‌گوید: «وارث نبوت، امام امت، عصاره خلقت، ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - است»<sup>۲</sup>.

### ۳- نقش حضرت مهدی (عج) در نظام عالم

یکی از مباحث مهم مهدویت، نقش آن حضرت در نظام آفرینش است. لذا در داده‌های دینی بر این نکته اصرار شده که زمین در پرتو وجود حجت خداوند پایدار است، و اگر حجت الهی لحظه‌ای در روی زمین نباشد زمین از هم متلاشی می‌شود، از جمله امام صادق علیه السلام فرمود: «لو بقیت الارض بغير امام لساخت»<sup>۳</sup> اگر زمین بدون امام باشد فرو می‌ریزد و از هستی ساقط می‌گردد».

و در روایت دیگر امام باقر علیه السلام فرمود: «لو ان الامام رُفِع من الارض ساعة لماجت باهلها كما يموج البحر باهله»<sup>۴</sup> اگر امام و حجت خدا لحظه‌ای از زمین گرفته شود، زمین با اهل آن همانند دریا، دچار اضطراب می‌شود».

از این‌گونه روایات بر می‌آید که وجود حضرت مهدی (عج) به عنوان آخرین امام و حجت خداوند در زمین از ضروری‌ترین نیازهای عالم آفرینش است؛ زیرا آن حضرت واسطه فیض خداوند در عالم

۱. ر. ک: صحیفه امام، ج ۸، ص ۳۲۷. ۲. ر. ک: صحیفه امام، ج ۹، ص ۲۴.

۳. اصول کافی، کتاب الحجّة، باب ان الارض لا تخلو من حجة، ج ۱، ص ۱۷۹، ح ۱۰.

۴. اصول کافی، کتاب الحجّة، باب ان الارض لا تخلو من حجة، ج ۱، ص ۱۷۹، ح ۱۲.



است، و این حقیقت در اندیشه امام خمینی رحمته الله علیه به گونه‌ای زیبا تجلی کرده، از جمله ایشان می‌گوید: «ولی الله اعظم و بقیة الله في ارضه ارواحنا لمقدمه الفداء که واسطه فیض و عنایات حق تعالی است و دعای خیرش بدرقه امت جد بزرگوارش علیه السلام می‌باشد...»<sup>۱</sup>

و همچنین در اشعار نغز عرفانی خود نیز در چند مورد بر این نکته که در روایات آمده اشاره کرده؛ از جمله گفته است:

حضرت صاحب زمان، مشکوة انوار الهی  
مالک کون و مکان، مرآت ذات لامکانی  
مظهر قدرت، ولی عصر، سلطان دو عالم  
قائم آل محمد، مهدی آخر زمانی  
با بقاء ذات مسعودش، همه موجود باقی  
بی لحاظ اقدسش، یکدم همه مخلوق فانی  
خوشه چین خرمن فیضش همه عرشی و فرشی  
ریزه خوار خوان احسانش، همه انسی و جانی  
از طفیل هستی‌اش، هستی موجودات عالم  
جوهری و عقلی و نامی و حیوانی و کانی<sup>۲</sup>

#### ۴- مهدی (عج) پرچمدار توحید ورهایی

همچنان که عنایت و لطف الهی اقتضا می‌کند، باید اشخاصی در

۱. صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۳۱۶.

۲. دیوان امام (مجموعه اشعار امام خمینی رحمته الله علیه)، ص ۲۶۵.

میان بشر پدید آیند که وظایف انسان را درباره توحید و یگانه پرستی و سایر تکالیف الهی از طریق وحی دریافت کنند و به مردم تعلیم دهند، همچنین ایجاب می‌کند که حقایق و معارف وحی همواره در میان مردم محفوظ بماند و افرادی پیوسته وجود داشته باشند که دین خدا نزد آنها محفوظ باشد و در وقت مصلحت به طور کامل احکام خدا در زمین اجرا شود.

در میان آورندگان وحی، ابراهیم خلیل علیه السلام از کعبه ندای توحید سر داد و مقام ختمی مرتبت به عنوان آخرین فرستاده خداوند، منادی توحید از کعبه بود و در میان حافظان دین پیامبر خاتم، مهدی موعود (عج) به عنوان آخرین سلسله اوصیای معصوم پیامبر، روزی از کعبه ندای توحید سر خواهد داد و پرچم رهایی انسان را از زیر ظلم و ستم بیدادگران، برافراشته و آدم و عالم را از بیداد ستمکاران نجات خواهد داد:

«امام امت و عصاره خلقت و وارث نبوت، ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - [است].»<sup>۱</sup>

«همان طور که رسول اکرم صلی الله علیه و آله به حسب واقع، حاکم بر جمیع موجودات است، حضرت مهدی (عج) هم حاکم بر جمیع موجودات است.»  
این مسأله نیز همانند سایر مسائل در اندیشه امام خمینی علیه السلام به صورت بسیار دل انگیز مطرح شده و درباره آن گفته است: «ابراهیم خلیل علیه السلام در اول زمان، حبیب خدا و فرزند عزیزش، مهدی موعود

۱. صحیفه امام، ج ۹، ص ۲۴.

روحی فداه در آخر زمان از کعبه ندای توحید سر دادند و می‌دهند... مهدی منتظر (عج) در لسان ادیان و به اتفاق مسلمین از کعبه ندا سر می‌دهد و بشریت را به توحید می‌خواند.<sup>۱</sup>

در جای دیگر به عنصر دادگری و نجات بخش بودن حضرت استناد نموده و می‌گوید: «آخرین ذخیره امامت حضرت بقیه الله ارواحنا فداه و یگانه دادگستر ابدی و بزرگ پرچم دار رهایی انسان از قیود ظلم و ستم استکبار، سلام بر او و سلام بر منتظران واقعی او، و سلام بر غیبت و ظهور او، و سلام بر آنانکه ظهورش را با حقیقت درک می‌کنند و از جام هدایت و معرفت او لبریز می‌شوند».<sup>۲</sup>

#### ۵- حضرت مهدی (عج) خاتم ولایت

«خاتم ولایت» از مباحث مهم و مسائل بنیادین عرفانی است که در آثار بزرگان اهل عرفان به تفصیل درباره آن بحث شده، و مسأله خاتم ولایت بودن حضرت مهدی (عج) به عنوان بهترین ره آورد اندیشه بسیاری از بزرگان اهل معرفت مطرح است که در کلمات برخی از آنان در این باره چنین تصریح شده است: «خاتم اولیاء تابع حکم شرع است، چنان‌که حضرت مهدی (عج) که در آخر زمان می‌آید، در احکام تابع شریعت حضرت محمد صلی الله علیه و آله است، اما در معارف و علوم حقیقی همه انبیا و اولیا تابع او هستند؛ زیرا باطن او باطن حضرت محمد صلی الله علیه و آله است. به این دلیل گفته شده که او حسنه‌ای از حسنات سید مرسلین است».<sup>۳</sup>

۱. ر. ک: صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۸۷. ۲. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۳۲۵.

۳. قاسانی، عبدالرزاق، شرح فصوص الحکم، فص ۶، ص ۴۳.

وجود حضرت مهدی (عج) به عنوان آخرین امام و حجت خداوند در زمین از ضروری ترین نیازهای عالم آفرینش است. این مسأله در اندیشه عرفانی امام خمینی علیه السلام نیز تجلی کرده است، وی در این باره می گوید: «همان طور که رسول اکرم صلی الله علیه و آله آن خاتم رسل به حسب واقع حاکم بر جمیع موجودات است، حضرت مهدی (عج) نیز حاکم بر جمیع موجودات است، آن خاتم رسل است، و آن خاتم ولایت کلی بالاصاله است و این خاتم ولایت کلی به تبعیت است»<sup>۱</sup>.

نکته اساسی که در کلام عرفا و سخن امام وجود دارد و نباید پوشیده بماند آن است که چون ولایت مهدی (عج) جلوه‌ای از ولایت مقام ختمی مرتبت است، به همین دلیل ولایت او ولایت کامله است و همه تابع ولایت او هستند.

#### ۶- حضرت مهدی (عج) ذخیره خداوند در زمین

بی تردید بشر از روزی که در بستر زمین قرار گرفته است، همواره آرزوی یک زندگی اجتماعی همراه با سعادت و آسایش را داشته و دارد، به امید رسیدن چنین روزی لحظه شماری می کند و بر اساس تحلیل فلسفی اگر این خواسته انسان تحقق عینی و خارجی نمی داشت و در حدّ یک آرمان دست نیافتنی بود، هرگز چنین آرزو و امید همگانی در نهاد بشر نقش نمی بست، چنان که اگر غذایی نمی بود گرسنگی هم نبود و اگر آبی وجود نداشت تشنگی تحقق

۱. ر.ک: صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۲۴۹.

نمی‌یافت. پس معلوم می‌شود به حکم ضرورت و جبر تکوینی، آینده جهان روزی را به خود خواهد دید که در آن روز جامعه بشری به آرزوی خود برسد و در کنار هم، در صلح و صفا، با هم زیستی مسالمت‌آمیز، همراه با معنویت و غرق در فضیلت و کمال زندگی نماید. این حقیقت به دست توانای انسانی که از او در معارف دینی به مهدی وقائم آل محمد علیهم السلام یاد شده، عینیت می‌یابد<sup>۱</sup> و به این دلیل امام خمینی رحمته الله علیه از حضرت مهدی (عج) به ذخیره خداوند برای بشر یاد نموده و گفته است: «خودمان را مهیا کنیم از برای آمدن آن حضرت، من نمی‌توانم، اسم رهبر روی ایشان بگذارم، بزرگ‌تر از این است، نمی‌توانم بگویم که شخص اول است، برای اینکه دومی در کار نیست، ایشان را نمی‌توانیم ما با هیچ تعبیری تعبیر کنیم، الا همین که مهدی موعود است، آنی است که خدا ذخیره کرده است برای بشر»<sup>۲</sup>.

در جای دیگر با تفصیل بیشتر بحث کرده و می‌گوید: «...مهدی موعود سلام الله علیه که خداوند ذخیره کرده است او را... عدالت را در تمام عالم گسترش می‌دهد و آن چیزی که انبیا موفق نشدند، خدای تعالی ایشان را ذخیره کرده است اجرا بکند و همه اولیا آرزو داشتند لکن موانع اسباب این شد که نتوانستند اجرا کنند، به دست آن بزرگوار اجرا بشود، این که او را طول عمر داده برای همچو معنایی،

۱. علامه طباطبایی، شیعه در اسلام.  
 ۲. صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۴۸۲.

بعد از انبیا و اولیای بزرگ مهدی موعود (عج) یک موجودی است که ذخیره شده است برای یک همچو مطلبی.<sup>۱</sup>

بنابراین مهدی موعود (عج) تنها فردی است که برای تحقق آرمان و آرزوی دیرین بشر ذخیره شده و روزی در سایه حکومت و دولت کریمه آن حضرت، عالم و آدم در صلح و صفا و آسایش به سر خواهند برد.

### ۷- حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) از منظر امام خمینی علیه السلام

هدف و آرمان اصلی امام خمینی علیه السلام ترویج و گسترش نهضت و انقلاب، تا رفع فتنه در جهان و ایجاد حکومت جهانی اسلام بوده است.

نخستین حرکتی که حضرت امام خمینی علیه السلام در این راه از خود نشان داد، آن بود که خود را در برابر مسلمانان و مستضعفان جهان مسؤول می‌دانست و از آغاز نهضت اسلامی، بر آن بود که مبارزه با طاغوت را جهانی سازد و ملت ایران را با دیگر توده‌های مسلمان بر ضد جهان خواران، به همراهی و همگامی وادارد و زمینه را برای پدید آوردن «انسجام اسلامی» در راستای قیام جهانی حضرت مهدی (عج) فراهم کند. از این رو پس از پیروزی انقلاب اسلامی دکتورین صدور انقلاب اسلامی را مطرح نمود؛ چرا که برای ایشان، صدور انقلاب به منزله تکلیف و عمل به ارزش‌های والای اسلام؛ یعنی حاکمیت اسلام و احکام مترقی آن در سراسر جهان بود و می‌فرمود: «ما انقلابمان را به تمام جهان صادر می‌کنیم؛ چرا که انقلاب ما اسلامی است و تا بانگ

۱. ر.ک: صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۴۸۱.

"لا اله الا الله و محمد رسول الله" بر تمام جهان طنین نیفکند مبارزه هست و تا مبارزه در هر جای جهان علیه مستکبرین هست ما هستیم.<sup>۱</sup>

«مسئولان ما باید بدانند که انقلاب ما محدود به ایران نیست، انقلاب مردم ایران نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچمداری حضرت حجت - ارواحنا فداه - است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد. مسائل اقتصادی و مادی اگر لحظه‌ای مسئولین را از وظیفه‌ای که بر عهده دارند منصرف کند، خطری بزرگ و خیانتی سهمگین را به دنبال دارد. باید دولت جمهوری اسلامی تمامی سعی و توان خود را در اداره هرچه بهتر مردم بنماید، ولی این بدان معنا نیست که آنها را از اهداف عظیم انقلاب که ایجاد حکومت جهانی اسلام است منصرف کند.»<sup>۲</sup>

استنباط از این فرمایش امام راحل علیه السلام آن است که ایشان جهانی کردن نهضت اسلامی را به منظور حاکمیت بخشیدن اسلام در سراسر جهان و کوتاه کردن دست استعمارگران و صهیونیسم در کشورهای اسلامی و مستضعف حتی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تعقیب نموده است و هرگز از محقق ساختن اندیشه جهان شمولی اسلام؛ یعنی برقراری حکومت واحد جهانی اسلام و مبارزه بی‌امان خویش علیه قدرت‌های استکباری خسته و ناتوان نشده؛ بلکه با ایمان کامل به راه خود ادامه

۲. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۳۲۷.

۱. صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۱۴۸.

داده است؛ چرا که ایشان معتقد بود انقلاب اسلامی ایران مقدمه‌ای برای انقلاب عظیم منجی عالم بشریت حضرت مهدی (عج) می‌باشد. یکی از استراتژی‌های مهمی که حضرت امام علیه السلام در راستای تحقق بخشیدن به برقراری حکومت واحد جهانی اسلام، آن را حائز اهمیت می‌دانست و به همگان گوشزد می‌کرد، نفی وابستگی به شرق و غرب بود؛ چرا که اقتدار و عزت مسلمانان ایجاب می‌کند تا سر در گرو ولایت طاغوت‌های شرق و غرب ندهند:

«شعار "نه شرقی و نه غربی" ما شعار اصولی انقلاب اسلامی در جهان گرسنگان و مستضعفین بوده و ترسیم کننده سیاست واقعی عدم تعهد کشورهای اسلامی و کشورهای است که در آینده نزدیک و به یاری خدا، اسلام را به عنوان تنها مکتب نجات بخش بشریت می‌پذیرند و ذره‌ای هم از این سیاست عدول نخواهد کرد. و کشورهای اسلامی و مردم مسلمان جهان باید نه وابسته به غرب و اروپا و آمریکا و نه وابسته به شرق و شوروی باشند که ان شاء الله به خدا و رسول خدا و امام زمان وابسته‌اند. و به طور قطع و یقین پشت کردن به این سیاست بین المللی اسلام، پشت کردن به آرمان مکتب اسلام و خیانت به رسول خدا و ائمه هدی است و نهایتاً مرگ کشور و ملت ما و تمامی کشورهای اسلامی است و کسی گمان نکند که این شعار، شعار مقطعی است؛ که این سیاست ملاک ابدی مردم ما و جمهوری اسلامی ما و همه مسلمانان سرتاسر عالم است، چرا که شرط ورود به صراط



نعمت حق، برائت و دوری از صراط گمراهان است که باید در همه سطوح و جوامع اسلامی پیاده شود».

پس ایجاد حکومت واحد جهانی اسلام، مهم‌ترین اهداف و آرمان حضرت امام بود که آن را از ابتدای شروع فعالیت‌های مبارزاتی تا زمان پیروزی انقلاب اسلامی و بعد از آن، دنبال می‌کرد، به طوری که در دایره کوچک حمایت از حقوق مسلمانان و ارائه کمک‌های ممکن برای آنان و در دایره بزرگ‌تر، حمایت از تمامی مستضعفان و محرومان جهان و ایستادگی در برابر ارکان استکبار و سران فتنه، جزء اصول و برنامه‌های ایشان بود.

#### ۸- نجات بخشی حضرت مهدی (عج) در اندیشه امام خمینی رحمته الله علیه

امام در این کلام، گذشته از جنبه سیاسی، به جنبه معنوی و الهی وجود مقدس حضرت مهدی (عج) اشاره کرده و بر شؤون مختلف وجودی آن حضرت، درود فرستاده است و این به جهت آن است که غیبت آن حضرت همانند ظهورش، پربرکت، نجات بخش و مؤثر است؛ زیرا وظیفه امام تنها بیان صوری معارف و راهنمایی ظاهری مردم نیست و امام چنان‌که وظیفه راهنمایی صوری مردم را به عهده دارد، همچنان ولایت و رهبری باطنی اعمال را عهده دار است و اوست که حیات معنوی مردم را تنظیم می‌کند و حقایق اعمال را به سوی خدا سوق می‌دهد. بدیهی است که حضور و غیبت جسمانی امام در این باره تفاوت ندارد، و امام از راه باطن به نفوس و ارواح مردم اشراف دارد؛ اگرچه از چشم جسمانی آنها مستور است، به همین دلیل

وجودش پیوسته لازم است؛ گرچه زمان ظهور آن حضرت تاکنون فرا نرسیده است.<sup>۱</sup>

و به جهت آنکه همه حالات و شؤون وجودی حضرت بقیة الله به نحوی برای عالم و آدم برکت آفرین است، در زیارت آن حضرت گفته می‌شود:

«السلام عليك حين تقوم، السلام عليك حين تقعد، السلام عليك حين تقرأ وتبين، السلام عليك حين تصلى وتقتل، السلام عليك حين ترکع وتسجد، السلام عليك حين تُصبح وتُمسى...»<sup>۲</sup> سلام بر تو وقتی که قیام و ظهور می‌نمایی، و وقتی که در پرده غیب می‌نشینی، سلام بر تو هنگامی که کتاب خدا را می‌خوانی و حقایق آن را بیان می‌داری، سلام بر تو هنگامی که نماز می‌گزاری و قنوت می‌خوانی، سلام بر تو به وقتی که رکوع و سجده بجا می‌آوری، سلام بر تو به هنگامی که صبح و عصر داری...».

امام خمینی علیه السلام در جای دیگر از حضرت مهدی (عج) به عنوان تنها کسی یاد نموده که آرمان توحید تمام انبیا و سفیران الهی به دست او تحقق خواهد یافت و مایه نجات آدم و عالم که هدف اساسی بعثت انبیا بوده است خواهد شد. لذا می‌گوید: «تحقق بخش غایت بعثت انبیا حضرت خاتم الاوصیاء و مفخر الاولیاء حجة بن الحسن العسکری، بزرگ شخصیتی که برپا کننده عدالتی است که بعثت انبیا علیهم السلام، برای آن بود. ابرمردی که جهان را از شر ستمگران و دغل‌بازان تطهیر

۱. علامه طباطبایی، شیعه در اسلام، ص ۱۵۲.

۲. مفاتیح الجنان، زیارت صاحب الامر علیه السلام، ص ۹۲۴.

می‌نماید و زمین را پس از آنکه ظلم و جور آن را فرا گرفته، پر از عدل و داد می‌نماید و مستکبران جهان را سرکوب و مستضعفان جهان را وارثان ارض می‌نماید.<sup>۱</sup>

### ۹- نظارت حضرت مهدی (عج) به عملکرد ما

یکی از آموزنده‌ترین نکته‌ها در بحث مهدویت که اثر تربیتی عمیقی به همراه دارد، آن است که حضرت مهدی (عج) به طور مستقیم و غیر مستقیم ناظر بر عملکرد ماست. چون در روایات متعدد این مسأله مطرح شده که اعمال مردم در هفته به انسان کامل و حجت الهی عرضه می‌شود، چرا که او به عنوان خلیفه خداوند در زمین به طور مستقیم ناظر بر عملکرد انسان‌هاست و در قیامت به عنوان شاهد و گواه نسبت به اعمال انسان گواهی می‌دهد. از جمله در روایتی چنین آمده است: «تعرض الاعمال يوم الخمس على رسول الله و على الائمة؛<sup>۲</sup> اعمال مردم روز پنج‌شنبه بر رسول خدا و ائمه علیهم السلام عرضه می‌شود».

و در ذیل این آیه که فرمود:

﴿فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيدًا﴾؛<sup>۳</sup>

«پس چگونه است حالشان آنگاه که از هر امتی گواهی آوریم، و تو را به آنان گواه آوریم». در روایتی از امام صادق علیه السلام چنین نقل شده که فرمود: «این آیه در خصوص امت محمد صلی الله علیه و آله نازل شده که در هر

۱. ر. ک: صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۴۷۲-۴۷۳.

۲. بحار الانوار، ج ۲۳، باب ۲۰، ح ۳۸، ص ۳۴۵.

۳. سوره نساء، آیه ۴۱.

عصری، امامی از ما اهل بیت شاهد آنها خواهد بود و حضرت محمد صلی الله علیه و آله شاهد ماست»<sup>۱</sup>.

این حقیقت به عنوان یکی از زنده‌ترین آموزه‌های مسأله مهدویت در اندیشه امام خمینی رحمته الله علیه به صورت زیبا مطرح شده و ایشان با اشاره به این نکته که انسان از جهت مختلف، تحت مراقبت‌های گوناگون الهی قرار دارد و مأموران الهی به طور دقیق عملکردهای انسان را کنترل و ثبت می‌کنند، در خصوص حضرت مهدی (عج) به عنوان یکی از کسانی که مراقب اعمال ماست و عملکرد بد ما سبب ناخشنودی آن حضرت می‌شود، چنین اظهار داشته است: «ببینید که تحت مراقبت هستید، نامه اعمال ما می‌رود پیش امام زمان (سلام الله علیه) هفته‌ای دو دفعه - به حسب روایت - که خدای نخواستہ از من و شما و سایر دوستان امام زمان - سلام الله علیه - یک وقت چیزی صادر بشود که موجب افسردگی امام زمان (سلام الله علیه) باشد»<sup>۲</sup>.

و در جای دیگر می‌گوید: «خلاف ما برای امام زمان سرشکستگی دارد، دفاتر را وقتی بردند خدمت ایشان، و ایشان دید ... شیعه او دارد این کار را می‌کند، این ملائکه الله که بردند پیش او دید، سرشکسته می‌شود امام زمان»<sup>۳</sup>.

و همچنین در وصیت نامه الهی و سیاسی خود به عنوان ارزنده‌ترین

۱. بحار الانوار، ج ۲۳، باب ۲۰، ح ۱، ص ۳۳۶.

۲. ر. ک: صحیفه امام، ج ۸، ص ۳۹۱. ۳. صحیفه امام، ج ۸، ص ۴۲۳.

سند که بیانگر نکته‌های بسیار آموزنده و عمیق است، درباره نظارت حضرات ائمه معصومین علیهم السلام به خصوص حضرت مهدی موعود (عج) می‌گوید: «ما مفتخریم که ائمه معصومین از علی بن ابی طالب گرفته تا منجی بشر حضرت مهدی صاحب زمان - علیهم آلاف التحیات والسلام - که به قدرت خداوند قادر، زنده و ناظر امور است، ائمه ما هستند»<sup>۱</sup>.

بی‌تردید طرح این مسأله برای همگان به خصوص عاشقان و شیعیان حضرت مهدی (عج) بهترین و مؤثرترین نکته تربیتی را به همراه دارد؛ زیرا هنگامی که انسان مؤمن و معتقد در کنار سایر اعتقادات دینی، این باور مذهبی را نیز مورد توجه قرار دهد که نه تنها خداوند از طریق ناظران و مراقبان چون فرشتگان خود بر ما و اعمال ما نظارت نامحسوس دارد؛ بلکه انسان کامل و امام هر عصر به عنوان خلیفه او نیز به طور نسبتاً محسوس ناظر اعمال انسان است و در این عصر همه رفتارهای ما تحت نظارت مستقیم و غیر مستقیم امام زمان (عج) قرار دارد و گذشته از آنکه شاهد اعمال ماست، در هفته، نامه اعمال ما به محضر و حضور ایشان عرضه می‌شود، به طور یقین مواظبت و مراقبت بیشتر خواهد نمود که عمل خلافی از او سر نزنند، و از این رهگذر دل امام زمانش از او نرنجد و تلاش خواهد کرد که در حضور و محضر او ادب انسانی و اخلاق الهی را مراعات کند و به انجام وظایف بندگی خود پای بندی بیشتری داشته باشد.

پس این اندیشه و کلام امام خمینی برای همگان، به خصوص نسل نواندیش همه جوامع اسلامی، پیام زنده و پرباری به همراه دارد. امید است در عصری که اخلاق انسانی و دستورات اسلامی از سوی فرهنگ مهاجم استکبار جهانی شدیداً مورد تهدید قرار گرفته، طرح این‌گونه حقایق الهی، آن هم در قالب اندیشه و کلام مصلح بزرگ معاصر حضرت امام خمینی علیه السلام مفید و نجات بخش واقع شود.

#### ۱۰- دوران متمایز رهبری حضرت مهدی (عج) در اندیشه

##### امام خمینی علیه السلام

امام خمینی - رهبر کبیر انقلاب اسلامی - دیدگاه‌هایی روشن درباره دوران متمایز رهبری مهدی موعود (عج) دارد. در آن روزگار که حضرت امام به عنوان مرجع تقلید شیعیان، نیابت عامه ولی عصر علیه السلام را عهده دار بود، ایشان را رهبر حقیقی امت و صاحب اصلی کشور ایران و نیز سایر کشورهای مسلمان می‌شناخت. بنابراین امام راحل چه در امور دینی و حوزوی و چه در مسائل سیاسی نهضت پانزدهم خرداد و طاغوت ستیزی همواره به عنایت و توجه حضرت مهدی (عج) و امامت وی اتکا و اتکال داشت و خود را بیش از طلبه‌ای خدمتگزار نمی‌دانست.

با پیدایش موج تحول روحانی در میان ملت ایران، رهبری حضرت مهدی (عج) جلوه دیگری یافت و امام خمینی بیش از گذشته بر این مسأله تأکید می‌ورزید و می‌فرمود:

«همه آقایان بنا بر این بگذارند که کارهایشان را روی وظیفه‌شان عمل بکنند. خودشان را ببینند در یک جمهوری اسلامی، ببینند در

یک مملکتی هستند که رأس این مملکت امام زمان - سلام الله علیه - مراقبشان هست، مأمورهای مخفی دارد، ملائکه الله مأمورند... ما یک مملکتی الآن هستیم که یک مراقبی داریم معصوم»<sup>۱</sup>.

بنیانگذار جمهوری اسلامی، با طرح رهبری حضرت صاحب الزمان علیه السلام در نظام جمهوری اسلامی، مسؤولیت‌های دینی - سیاسی ملت منتظر ایران را خاطر نشان می‌ساخت: نخست اینکه مردم در چنین نظامی باید کوشش‌هایی متناسب با اهداف و رهبری الهی نظام داشته باشند و دیگر اینکه حضور معنوی و حقیقی امام غایب را به یاد داشته و مراقب کردارهای خویش باشند.

از بخش نخست بر می‌آید که حکومت منتخب مردم ایران گرایش اسلامی دارد و رهبر حقیقی آن، انسان کامل یا امام مهدی (عج) است. طرح مسأله رهبری حضرت حجت علیه السلام در جمهوری اسلامی ایران، در واقع نمودار جهت‌گیری‌های قرآنی و ولایی پیامبر اسلام در این نظام سیاسی نوظهور است.

امام خمینی با این دیدگاه، راه آینده جمهوری اسلامی را روشن می‌سازد که همان وابستگی به بعثت و ولایت انسان کامل است. بنابراین حاکمان در این نظام انقلابی باید خود را کارگزاران او به شمار آورند، نه کارگزاران شخص و حزب سیاسی. چند و چون سیاست‌گذاری‌های آتیه جمهوری اسلامی نیز باید برآمده از فلسفه و آرمان‌های حکومت

۱. صحیفه امام، ج ۹، ص ۱۷ و ۱۸.

جهانی انسان کامل باشد نه تحمیل شده از سوی اشخاص و احزاب و دولت‌های بیگانه و استکباری. تأکید حضرت امام بر این امر بر ضرورت باور و یقین مسؤولان کشور در پیوند با حقیقت امامت انسان کامل در نظام الهی - مردمی جمهوری اسلامی دلالت دارد.

به عبارت دیگر امام خمینی سخنی فراتر از حدّ یک تعارف و مصلحت اندیشی دینی داشته است و در واقع دیدگاه عرفانی و ولایی خود را بیان می‌دارد که پذیرش رهبری انسان کامل در ایران اسلامی است. دغدغه‌ها و فرمان‌های ایشان در سالیان بعد، در زمینه اجرای احکام الهی قرآن و تبعیت از رسول اکرم و ائمه اطهار علیهم السلام نیز تردیدی به جای نمی‌گذارد که به راستی رهبری مهدی موعود به عنوان انسان کامل در جمهوری اسلامی ایران پذیرفته شده است.

از بخش دیگر کلام امام خمینی می‌توان جنبه معنوی و اخلاقی رهبری انسان کامل را به دست آورد که در هر عصری در مورد امام عصر علیه السلام قابل اثبات و پذیرفتنی و اجرا شدنی است. احادیث چندی در متون روایی شیعه موجود است که از عرضه اعمال شیعیان به پیشگاه حجت خدا و معصوم زمان علیه السلام حکایت می‌کند. بی‌گمان در عصر غیبت نیز همین روال ادامه دارد و حضرت مهدی (عج) به عنوان رهبر الهی مردم، از زشتی‌ها و زیبایی‌های کردار منتظران و مسلمانان آگاه می‌گردد.

در این مجال بیشتر بر امامت معنوی و مراقبت عینی حضرت مهدی (عج) در عصر غیبت تکیه شده است و چند و چون امامت سیاسی و اجتماعی آن حضرت باید در آینده پی گرفته شود. به سخن



دیگر، این بحث به دلیل مرتبط بودن با مقوله انسان کامل، بیانگر جنبه‌های اعتقادی - تکلیفی مهدویت در حیات منتظران است؛ هرچند که در ضمن مباحث به جنبه سیاسی امامت مهدی موعود (عج) در غیبت او نیز اشارتی شده است.

#### ۱۱- رضایت امام مهدی (عج)

موارد بسیاری در کلام رهبر فقید انقلاب اسلامی ناظر به رضایت انسان کامل از اعمال مردم است. همان طور که حضرت حجت علیه السلام مثل اولیا و انبیا در راستای کسب رضوان الهی و جلب رحمت و مغفرت حق تعالی می‌کوشد و مصداق کامل نفس راضیه و مرضیه است، دین باوران نیز به ویژه در دوران غیبت، باید گفتار و رفتاری مطلوب داشته باشند. مطلوب بودن ساختار اعمال اهل توحید و امامت معصوم علیه السلام در خرسندی آن حضرت متجلی می‌شود که چیزی به جز طاعت حق و پرهیز از معصیت او نیست.

«اعمالمان باید یک اعمالی باشد که یک وقتی به عرض ایشان رسید راضی از ما باشد»<sup>۱</sup>.

امام خمینی در این عبارت هشدار آمیز به چگونگی اعمال منتظران اشاره دارد که شامل انگیزه‌ها و کنش‌ها و واکنش‌های آنان در زندگی فردی و جمعی می‌شود؛ اخلاص در نیت و گفتار و کردار - که آیات قرآن کریم و احادیث معصومان علیهم السلام بر ضرورت آن در حیات

معنوی دلالت دارند. ویژگی بارز اعمال مورد نظر است. افزون بر آن باید از ظهور اسمای حق در بستر اعمال سخن راند که مؤمنان را همچون همراهان رسول اکرم صلی الله علیه و آله انسان‌های چند بعدی می‌سازد و جاذبه و دافعه اخلاقی و اجتماعی‌شان را به نمایش می‌گذارد؛ یعنی آنان را به صورت خودساخته‌هایی کمال طلب، در تبعیت از انسان کامل یا امام زمان خویش نشان می‌دهد.

«رزمندگان عملیات کربلای ۴ و ۶ و خصوصاً کربلای ۵ که واقعاً حماسه‌ها آفریدند و حیرت و تعجب همه جهانیان را برانگیخته‌اند... و دل انبیا و پیامبر اسلام و مولای خود حضرت صاحب الامر را شادمان ساخته‌اند»<sup>۱</sup>.

در این گفتار امام خمینی، مصداقی بارز از اعمال رضایت بخش در پیشگاه حضرت مهدی (عج) بیان شده است. حماسه آفرینی‌های مکرر مجاهدان اسلام یا منتظران ستم ستیز - که مکتب مهدوی را در عصر حاضر، مکتبی راهگشای عزت نمایانده‌اند - نمونه‌های انکار ناپذیری از اعمال صالح در فرهنگ دینی به شمار می‌آیند. اساساً روح عمل صالح - که امام زمان را شادمان می‌سازد و سبب مباهات آن حضرت نزد خداوند است - در اخلاص و جهاد دفاعی منتظران تجلی فزاینده‌ای دارد؛ زیرا مجاهدان حق به مقام محبت او دست یافته‌اند و از خوان نعمت‌های جاوید او برخوردارند. پیشوای فقید انقلاب

۱. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۲۰۰؛ در پیام به رزمندگان اسلام در دفاع مقدس.

اسلامی با ذکر حیرت و تعجب ملت‌های دربند از حرکت حماسه آفرینان دفاع مقدّس، مهدی موعود را مولای رزمندگان صالح می‌خواند. چنین تعبیری یادآور عشق و عرفان انسان‌سازی است که آنان در بستر ولایت معنوی انسان کامل به دست آورده‌اند.

## ۱۲- حمایت امام مهدی (عج) از پیروان امامت و فرهنگ علوی

حمایت انسان کامل از رهروان صراط مستقیم توحید و تقوا، حقیقتی تردیدناپذیر است و چنین حمایتی بی‌گمان پرتوی از عنایت حقّ متعال به ولیّ معصوم علیه السلام به شمار می‌رود. در دوران غیبت کبری به دلیل طولانی بودن آن و نیز هجوم فتنه‌های فکری و اجتماعی آخر زمان - که بسا راهزن ایمان و عمل منتظران خواهد گشت - به حمایت معنوی انسان کامل نیاز است. هرچند که این حمایت الهی در هنگام ظهور، به طور تمام و کامل ظاهر می‌شود. با این همه می‌توان پیش از ظهور حضرت مهدی (عج) بهره‌هایی به فراخور اعتقاد و اعمال خویش اندوخت. نباید از یاد برد که مقصود از حمایت انسان کامل، در واقع همان هدایت الهی او است که در اوقات توسل و توجّه به ساحت قدسی حضرت اباصالح علیه السلام خودنمایی می‌کند.

بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران در موارد متعدد از مسأله پشتیبانی امام عصر علیه السلام سخن رانده و آن را به عنوان یکی از اصول اعتقادی خویش در مورد مهدویت نمایانده است که در اینجا اشارتی بدان خواهیم داشت:

## الف) پیروزی انقلاب اسلامی

امام خمینی در اسفند ماه ۵۸ (در قبرستان بقیع قم) با بیان اسلامی و ایمانی بودن نهضت پانزده خرداد - که بعدها در فجر انقلاب اسلامی متجلی گشت - حمایت حضرت ولی عصر (عج) از ملت ایران و رهبری آن را یادآور می‌شود:

«این قیامی که از ۱۵ خرداد شروع شد... قیامی اسلامی است، قیامی ایمانی است... این اسلام است که غلبه کرد بر ابرقدرت‌ها، این اسلام است که فرزندان آن به شهادت راغب هستند... ما منت از ولی عصر می‌کشیم که پشتیبانی از ما فرمودند»<sup>۱</sup>.

## ب) استمرار انقلاب و دفاع از آرمان‌های انسانی - الهی آن

حضرت امام هرگونه هراس در راه اسلام و انقلاب را نفی می‌کند و مردم را متوجه حق‌گرایی در حرکت خویش می‌سازد. بدین سان از منظر حق‌گرایانه بودن نظام، شکست و پیروزی ظاهری مطرح نیست؛ زیرا مبارزان اسلام به تکالیفی عمل کرده‌اند که خدا و پیامبر اسلام در قبال ظلم و تجاوز تعیین نموده‌اند. رهبر فقید انقلاب با طرح معیت خداوند و امام عصر (عج) و یاد کردن دعای مبارک آن حضرت، دل‌های مردم و مجاهدان را به حمایت ولی حق از آنان مطمئن می‌گرداند:

«خدا همراه شماست. امام زمان - سلام الله علیه - دعاگوی شماست. از چه ما می‌ترسیم؟ ما چرا بترسیم؟ مایی که راهمان راه خداست... از

۱. صحیفه امام، ج ۶، ص ۳۶۰ و ۳۶۱.

این بترسیم که کشته می شویم خُب بشویم... از این می ترسیم که غلبه بکنند، غلبه هم بکنند ما ترس نداریم، برای اینکه ما حقیق. وقتی حق هستیم غالب هم بشویم ما حق هستیم، مغلوب هم بشویم ما حق هستیم».<sup>۱</sup>

ج) اندوه زدایی از ملت در مقابل تهاجم تبلیغاتی - نظامی استکبار جهانی امام خمینی ملت ایران را از حضور آنان در محضر ولی عصر (عج) آگاه می کند و به ادامه نهضت اسلامی خویش فرا می خواند و می فرماید:

«خداوند شما را و همه ملت ایران را در محضر مبارک امام زمان - ارواحنا فداه - آبرومند کند. شما غم نداشته باشید که پشتیبان شما خداست و امام عصر - سلام الله علیه - در محضر او واقع شد همه این امور».<sup>۲</sup>

چنان که از آموزه های عرفانی حضرت امام بر می آید، انسان و جهان - خواه ناخواه - در محضر پروردگارند. ذکر تسبیح موجودات در آیات قرآن کریم به روشنی یادآور همین واقعیت است، هرچند که برخی به مفهوم و اعماق آن پی نبرده اند. بی گمان در باور قرآنی هر مسلمان نمی توان ایمان به محضر حجت خداوند را - که در هر زمان ناظر و حامی مسلمانان است - جلوه ای از اعتقاد به محضر خداوند به شمار نیاورد؛ زیرا وی مظهر کامل اسمای جمال و جلال پروردگار است و خلافت حقیقی او را برعهده دارد. طرح و تکرار محضر مهدی موعود

۱. صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۱۳.

۲. صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۴۷۹.

در گفتار عارفانه امام خمینی در حقیقت نمودار چنین اعتقاد بایسته‌ای است که بسا مورد غفلت مسلمانان قرار گرفته است. این سخن بیان کننده این واقعیت است که غیبت حضرت صاحب علیه السلام از نوع غیبت‌های انبیا و اولیا است؛ یعنی غیبت در عین حضور. بنابراین نمی‌توان غیبت آن حضرت را به معنای عدم حضور در دورانی دراز مدت تلقی کرد. چنین باورداشته‌ی با فلسفه امامت ابراهیمی و منزلت اولیا و حجت‌های حق در هر عصر مغایرت دارد؛ زیرا جهان وزمانی بدون ولی یا امام معصوم و منصوب از طرف خداوند ممکن و قابل تصور نیست... حکمت لیلۃ القدر و استمرار آن در تمام سال‌ها و زمان‌ها در این است که قرآن و عترت پیامبر به عنوان حافظ و مفسر و مجری حقایق آن، جدایی ناپذیراند.

فصل هفتم:

انقلاب اسلامی ایران، طلایه دار  
انقلاب حضرت مهدی (عج)

## ۱ - عصر امام خمینی عصر احیای اندیشه ظهور

گرچه امام علیه السلام دورانی را آغاز نمودند که رجعت دوباره مسلمانان به ارزش‌ها و آموزه‌های اسلامی و انزوای عقاید و افکار الحادی و ماتریالیستی در سطح جهان و حیات دوباره ادیان الهی و پیروان آنها و اسلام‌گرایی بی‌سابقه در میان مسیحیان دنیا به ویژه غربیان، بخشی از ویژگی‌های منحصر به فرد آن می‌باشد، لیکن شواهد و دلایل متقن و متعدد حاکی از آن است که اینها «تمام مقصود» قیام الهی امام علیه السلام نبوده، و امام کبیر ما با وقوف بر رسالت خطیر و الهی خود، غایت قُصوای انقلاب اسلامی و هدف نهایی آن را امری فراتر از موارد مذکور؛ یعنی زمینه‌سازی انقلاب جهانی اسلام و فراهم آوردن مقدمات ظهور منجی عالم بشریت حضرت ولی عصر (عج) می‌دانستند، و بر اساس همین اعتقاد، امام بزرگوار به هدایت و رهبری انقلاب اسلامی و تحولات توفنده ناشی از آن پرداختند.

چنان‌که حضرت امام علیه السلام سال‌ها پیش از پیروزی انقلاب با هدف وقوف کامل یاران خود به اهداف بلند انقلاب اسلامی و افزایش سطح آمادگی آنان، در توضیح مراحل مورد نظر به پیشروی پرداخته و تصریح نمودند که:



«برپایی حکومت اسلامی در ایران و احیای مجدد اسلام در کشورهای اسلامی، تنها بخشی از آرمان‌های مقدس و مورد نظر می‌باشند، و زمینه سازی ظهور حضرت ولی الله الاعظم - ارواحنا فداه - هدف بلند و نهایی انقلاب اسلامی است».<sup>۱</sup>

اساساً بر همین مبنی است که امام کبیر ما، امت خداجوی خود و فرزندان شهیدان گرانقدر انقلاب را به این نکته مهم متذکر گردیدند که: «به جمهوری اسلامی که ثمره خون پدران است تا پای جان وفادار بمانید و با آمادگی خود و صدور انقلاب اسلامی و ابلاغ پیام شهیدان، زمینه را برای قیام منجی عالم و خاتم الاوصیاء، مفخر الاولیاء، حضرت بقیة الله، روحی فداه، فراهم سازید».<sup>۲</sup>

«امیدوارم که این انقلاب یک انقلاب جهانی بشود و مقدمه برای ظهور حضرت بقیة الله - ارواحنا له الفداء - باشد».<sup>۳</sup>

«امیدوارم که این نهضت و این انقلاب منتهی بشود به ظهور امام عصر - سلام الله علیه - و امیدوارم که این انقلاب ما به همه دنیا و مستضعفین صادر بشود».<sup>۴</sup>

از این رو بسیاری از صاحب نظران بصیر بر این باورند که جهان معاصر، آبستن وقایع و حوادثی بس عظیم و خیره کننده است و عصر نوینی که امام خمینی علیه السلام آغازگر آن بودند، در حقیقت «ظهور صغرای»

۱. سرمقاله روزنامه رسالت، ۷۶/۸/۲۵. ۲. ر.ک: صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۲۸.

۳. صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۱۳۱. ۴. ر.ک: صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۱۱۹.

حضرت ولی الله الاعظم امام زمان علیه السلام و مقدمه‌ای بر ظهور کبرای آن عزیز غایب از انظار می‌باشد.

بر این اساس باید معتقد بود که عصر امام خمینی آغاز عصری است که در آن: «اسلام ابرقدرت‌ها را به خاک مذلت می‌نشانند، اسلام موانع بزرگ داخل و خارج محدوده خود را یکی پس از دیگری برطرف و سنگرهای کلیدی جهان را فتح خواهد کرد».<sup>۱</sup>

آری، عصر امام خمینی آغاز عصری است که: «با صدور انقلابمان که در حقیقت صدور اسلام راستین و بیان احکام محمدی صلی الله علیه و آله است سیطره و ظلم جهان خواران را خاتمه می‌دهیم و به یاری خدا، راه را برای ظهور منجی و مصلح کل، امامت مطلق حق، امام زمان علیه السلام هموار می‌کنیم».<sup>۲</sup>

و همان‌گونه که امام کبیرمان تأکید فرمودند: «انقلاب ما محدود به ایران نیست، انقلاب مردم ایران، نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچمداری حضرت حجت - ارواحنا فداه - است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد».<sup>۳</sup>

و علایم واضح و نشانه‌های غیر قابل انکار حاکی از آن است که در این عصر: «گویی جهان مهیّا می‌شود برای طلوع آفتاب ولایت از افق مکه معظمه و کعبه آمال محرومان».<sup>۴</sup>

۱. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۳۲۵.

۲. ر. ک: صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۳۴۵.

۳. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۰۸.

۴. صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۴۸۰-۴۸۱.

## ۲- همراهی مردم با دیدگاه‌های منتظرانه امام خمینی علیه السلام

امام خمینی علیه السلام همیشه انقلاب اسلامی ایران را نسخه‌ای برگرفته از قیام اباعبدالله الحسین علیه السلام می‌دانستند و بر این موضوع تأکید داشتند که مسیر حرکت انقلاب باید همیشه در راستای اتصال به حکومت عدل امام عصر (عج) قرار داشته باشد.

همان‌گونه که امام خمینی علیه السلام در عمل و بیانات خود به روشنی خطوط اصلی انقلاب را برای همگان ترسیم کرده و اهداف تعالی بخش آن را توسعه می‌دادند و مدام به راهبردهای نظام برای رسیدن به جامعه مورد نظر امام عصر (عج) تأکید کرده و انقلاب را در چهارچوب‌های آن راهبردی می‌کردند، مردم ایران نیز با ایمان قلبی به دیدگاه‌های منتظرانه آن بزرگوار، در اتصال جامعه به حکومت مهدوی تلاش می‌کردند و در حقیقت همین ایمان مردم به دیدگاه‌های امام راحل بود که باعث می‌شد انقلاب اسلامی از کوران توطئه‌های اوایل انقلاب و دوران جنگ، سربلند بیرون بیاید.

نمونه عینی و مشهور ایمان مردم به دیدگاه‌های منتظرانه امام خمینی علیه السلام در شعاری تجلی می‌یافت که همگان با باور قلبی آن را تبدیل به دعایی برای استمرار حرکت منتظران مهدی (عج) تبدیل کرده و قرائت می‌نمودند و آن شعار و دعا این بود: «خدایا خدایا تا انقلاب مهدی، خمینی را نگهدار» که این شعار و دعا در بُعد محتوایی خود بعد از رحلت آن حضرت با شعار و دعای «خدایا خدایا تا انقلاب مهدی از نهضت خمینی محافظت بفرما» ادامه یافت.

در حقیقت در بطن و عمق این شعار دعاگونه یک باور دینی نهفته است که ناشی از شناخت و ایمان مردم به دیدگاه‌های رهبر و مقتدایشان در خصوص امام عصر (عج) و مسیر حرکت انقلاب اسلامی است.

### ۳- ترسیم مسیر حرکت انقلاب در جهت زمینه سازی ظهور

در آغازین ماه‌های پیروزی انقلاب و در دوازدهم تیرماه ۵۸، امام علیه السلام مسیر حرکت انقلاب در زمینه‌سازی ظهور را این‌گونه بیان می‌کنند:

«انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است و ما باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا بکند و مقدمات ظهور آن شاء الله تهیه بشود».<sup>۱</sup>

ایشان در همین روز و در فراز دیگری می‌فرماید:

«امیدوارم که این نهضت و این انقلاب منتهی بشود به ظهور امام عصر - سلام الله علیه - و امیدوارم که این انقلاب ما به همه دنیا و برای همه مستضعفین و برای نجات همه مستضعفین، به همه دنیا صادر بشود و همه همان را که برای شما هست و غلبه کردید بر دشمن اسلام و دشمن ملت، مستضعفین هم غلبه کنند بر مستکبرین».<sup>۲</sup>

تعمق در این سخنان، در آغازین روزهای انقلاب اسلامی نشان می‌دهد که از آغاز انقلاب، مسیر حرکت آن به منظور زمینه‌سازی برای ظهور امام عصر (عج) در اندیشه بنیانگذار انقلاب متجلی

۱. صحیفه امام، ج ۸، ص ۳۷۴.

۲. صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۱۱۹-۱۲۰.

و مستحکم بود و در ماه‌های آغاز پی‌ریزی شالوده نظام اسلامی، آن حضرت توجه داشتند تا مهندسی ساختار حکومت در مسیر نیل به اهداف امام عصر (عج) به عنوان امام حاضر باشد.

#### ۴- راهبری و نگرهبانی از مسیر انقلاب در زمینه‌سازی ظهور

امام خمینی علیه السلام پیوسته دقت می‌کردند تا موضوع صدور انقلاب اسلامی به عنوان یک اصل اساسی در زمینه‌سازی ظهور، در مسیر کمک به مستضعفین عالم باشد و در این مسیر، انقلاب اسلامی ایران به تمامی موضوعات بین‌المللی توجه داشتند و هر جا بر مظلومی ظلمی روا می‌شد، سریع عکس‌العمل نشان داده و ملت را به هوشیاری و دفاع از مظلومان، هرچند غیر مسلمان فرا می‌خواندند.

بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی بسان ناخدای یک کشتی، هیچ‌گاه از مسیر حرکت نظام در زمینه‌سازی ظهور امام عصر علیه السلام غافل نبود؛ چنان که در ماه‌های پایانی عمر با برکت خود در جمع مسؤولان نظام فرمودند:

«مسؤولان ما باید بدانند که انقلاب ما محدود به ایران نیست، انقلاب مردم ایران نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچمداری حضرت حجت - ارواحنا فداه - است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد.

مسائل اقتصادی و مادی اگر لحظه‌ای مسؤولین را از وظیفه‌ای که بر عهده دارند منصرف کند، خطری بزرگ و خیانتی سهمگین را به دنبال دارد.

باید دولت جمهوری اسلامی تمامی سعی و توان خود را در اداره هرچه بهتر مردم بنماید، ولی این بدان معنا نیست که آنها را از اهداف عظیم انقلاب که ایجاد حکومت جهانی اسلام است متصرف کند.<sup>۱</sup>

آنچه از این سخنان هویدا است میزان تعهد امام به نقش انقلاب در زمینه سازی ظهور و استمرار حرکت آن در این مسیر است، همان گونه که در این سخنان حتی یک لحظه غفلت از این مسیر را جایز نمی دانند و تمامی مشکلات پیش روی مملکت را در حاشیه این هدف بزرگ مورد ارزیابی و اهمیت قرار می دهند.

#### ۵- تبیین نقش انتظار سازنده در دوران انقلاب اسلامی

از منظر امام خمینی علیه السلام انتظار فرج به معنی سکون و بی تحرکی و به انتظار نشستن صرف نیست، آن حضرت انتظار را یک حرکت تهاجمی به سمت ظهور تعریف می کردند و این حرکت را نه فقط در شخص منتظر، بلکه در ابعاد بزرگ اجتماعی و سیاسی و در اندازه های یک مملکت و دنیا ارزیابی می کردند و خود نیز در اجرای این اندیشه پیشرو بودند.

ایشان استخراج انتظار سازنده را منوط به اعمال منتظرانه حقیقی می دانستند؛ به طوری که بعد از قرن ها انتظار منفعلانه با ارائه تعریف جدیدی از انتظار، جامعه ایران اسلامی را بیدار کرده و مسیر انقلاب را نیز بر این اساس طرح ریزی کردند.

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۳۲۷.

امام خمینی در این خصوص می‌فرمایند: «اینطور نیست که حالا که ما منتظر ظهور امام زمان - سلام الله علیه - هستیم، پس دیگر بنشینیم تو خانه‌هایمان، تسبیح را دست بگیریم و بگوییم «عجل علی فرجه».

«عجل» با کار شما باید تعجیل بشود، شما باید زمینه را فراهم کنید برای آمدن او و فراهم کردن اینکه مسلمین را با هم مجتمع کنید، همه با هم بشوید، ان شاء الله ایشان ظهور می‌کند.<sup>۱</sup>

حتی امام خمینی علیه السلام در اعلام موضع و دیدگاهی صریح به مقابله با القاء نظریات سطحی از انتظار برای ایجاد تصویری منفعلانه از اسلام و تفکر مهدوی توسط برخی می‌پردازند و بیان می‌کنند که:

«بعضی‌ها انتظار فرج را به این می‌دانند که در مسجد، در حسینیه، در منزل بنشینند و دعا کنند و فرج امام زمان - سلام الله علیه - را از خدا بخواهند.

اینها مردم صالحی هستند که یک همچو اعتقادی دارند، بلکه بعضی از آنها را که من سابقاً می‌شناختم بسیار مرد صالحی بود، یک اسبی هم خریده بود، یک شمشیری هم داشت و منتظر حضرت صاحب - سلام الله علیه - بود.

اینها به تکالیف شرعی خودشان هم عمل می‌کردند و نهی از منکر هم می‌کردند و امر به معروف هم می‌کردند؛ لکن همین، دیگر غیر از این کاری ازشان نمی‌آمد و فکر این مهم که یک کاری بکنند نبودند.

یک دسته دیگری بودند که انتظار فرج را می‌گفتند این است که ما کار نداشته باشیم به اینکه در جهان چه می‌گذرد؛ بر ملت‌ها چه می‌گذرد، بر ملت ما چه می‌گذرد، به این چیزها ما کار نداشته باشیم. ما تکلیف‌های خودمان را عمل می‌کنیم، برای جلوگیری از این امور هم خود حضرت بیایند ان شاء الله درست می‌کنند. دیگر ما تکلیفی نداریم، تکلیف ما همین است که دعا کنیم ایشان بیایند و کاری به کار آنچه در دنیا می‌گذرد یا در مملکت خودمان می‌گذرد نداشته باشیم. اینها هم یک دسته‌ای، مردمی بودند که صالح بودند»<sup>۱</sup>

ایمان امام خمینی علیه السلام در مسیر انتخابی‌اش برای انقلاب اسلامی در طی مسیر زمینه‌سازی برای ظهور، هیچ وقت دچار تردید و کمرنگی نشد؛ به طوری که آن حضرت در هر موقعیتی با شجاعت تمام از این موضع صحبت کرده و دنیا را به آن توجه می‌دادند:

«ما با خواست خدا دست تجاوز و ستم همه ستمگران را در کشورهای اسلامی می‌شکنیم و با صدور انقلابمان که در حقیقت صدور اسلام راستین و بیان احکام محمدی صلی الله علیه و آله است، به سیطره و سلطه و ظلم جهان خواران خاتمه می‌دهیم و به یاری خدا راه را برای ظهور منجی مصلح کل و امامت مطلق حق امام زمان - ارواحنا فداه - هموار می‌کنیم»<sup>۲</sup>

#### ۶- جمهوری اسلامی و توجه به امام مهدی (عج)

امام خمینی در بسیاری از سخنان خود حکومت اسلامی را که

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۳-۱۴. ۲. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۳۴۵.



خود او آن را به وجود آورده است، چنین توصیف می‌کند که:  
 «این حکومت، حکومت امام مهدی (عج) است و او حافظ این دولت است».

در اینجا به یک سخن از امام که به روشنی به نقش زمینه‌سازی این نهضت تصریح دارد، اشاره می‌کنیم:

«این نهضت مقدس برای انقلاب بزرگ مهدی موعود است»<sup>۱</sup>.

این سخن علاوه بر داشتن تصریح به این موضوع، از آخرین سخنان امام قبل از رحلت ایشان است؛ از این جهت، این سخن از پختگی کامل برای بیان نقش نهضت امام و مسیر حرکت آینده برخوردار است.

#### ۷- انقلاب اسلامی ایران طلایه دار انقلاب حضرت مهدی (عج)

امام در بخش‌هایی از سخنان خود که به مناسبت ولادت مهدی منتظر (عج) در تاریخ چهارده شعبان ۱۴۰۸ (دو ماه و نیم پیش از رحلت خود) ایراد کرده‌اند می‌فرمایند:

«سلام و درود به پیشگاه مقدس مولود نیمه شعبان و آخرین ذخیره امامت (بقیة الله ارواحنا فداه) و یگانه دادگستر ابدی و بزرگ پرچمدار رهایی انسان از قیود ظلم و ستم استکبار، سلام بر او، سلام بر منتظران واقعی او، سلام بر غیبت و ظهور او و سلام بر آنان که ظهورش را با حقیقت درک می‌کنند و از جام هدایت و معرفت او لبریز می‌شوند».

اسلام بر ملت بزرگ ایران که با فداکاری و ایثار و شهادت، راه ظهورش را هموار می‌کنند... مسؤولان ما باید بدانند که انقلاب ما محدود به ایران نیست، انقلاب مردم ایران نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچمداری حضرت حجت - ارواحنا فداه - است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد... باید دولت جمهوری اسلامی تمامی سعی و توان خود را در اداره هرچه بهتر مردم بنماید؛ ولی این بودن معنا نیست که آنها را از اهداف عظیم انقلاب که ایجاد حکومت جهانی اسلام است منصرف کند.<sup>۱</sup>

با توجه به سخنان امام خمینی و تصریح ایشان بر نقش زمینه‌ساز این نهضت برای انقلاب بزرگ مهدی، به چند نکته اشاره می‌شود:

۱- نهضت امام خمینی آغازگر انقلاب بزرگ اسلامی است که دلالت دارد بر استمرار اثرگذاری‌ها و انتشار افکار آن و رشد و گسترش آن در جهان اسلام تا زمانی که امام مهدی (عج) ظهور نماید. البته واقعیت سیاسی معاصر جهان نیز این حقیقت را تأیید می‌کند؛ زیرا جهان شاهد انتشار و رشد افکار امام خمینی در کشورهای مختلف اسلامی است که به بیداری عمومی جهان اسلام که خواهان اجرای احکام اسلام هستند انجامیده است.

۲- انقلاب امام خمینی جدا از انقلاب بزرگ مهدوی نیست؛ بلکه

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۳۲۵-۳۲۷.

بخشی از آن است و همان هدف‌های استراتژیک آن را درباره برپایی حکومت جهانی اسلام دنبال می‌کند؛ پس پرچم یکی است که خود امام مهدی (عج) آن را بر دوش می‌کشد.

آنچه که این نهضت را از دایره افراد و مصادیق و پرچم‌هایی که قبل از ظهور مهدی (عج) برداشته می‌شوند (قیام‌هایی که قبل از ظهور او به وجود می‌آیند) خارج می‌کند و بعضی از احادیث شریفه با صراحت دلالت دارند که پرچمداران این پرچم‌ها طاغوتند (و چنین قیام‌کنندگانی با طاغوت بیعت کرده‌اند و به فرمان او جنگ می‌کنند) مقصود آن حرکت‌های انقلابی است که مستقل و جدا از حرکت مهدوی باشد و در راهی که خود امام مهدی (عج) آن را ترسیم کرده است، حرکت نکند؛ یعنی بر پایه تمسک به ولایت امام زمان (عج) استوار نباشد و برای زمینه‌سازی ظهور آن بزرگوار تلاش و فعالیت نکند.

#### ۸- تصدیق این احادیث شریفه توسط خط سیر انقلاب

##### امام خمینی علیه السلام

قیام امام خمینی به طور عملی زمینه‌ساز انقلاب بزرگ مهدوی است، این مسأله را با توجه به متناسب بودن دستاوردهای این انقلاب با هدف‌های انقلاب امام مهدی (عج) استدلال می‌کنیم و این استدلال نقش مهمی در اثبات صحّت این احادیث دارد، با توجه به اینکه احادیث از سرچشمه‌های وحی صادر شده است؛ حتی اگر سندهای آنها مورد خدشه باشد؛ آنچه که نهضت امام خمینی به وجود آورده با آنچه این اخبار از آن خبر داده تطبیق می‌کند. هرچند این اخبار بیش

از هزار سال پیش از وقوع این نهضت صادر شده است یعنی در زمانی که اوضاع آن روز طوری نبوده که حتی اشاره‌ای بر آنچه که این احادیث از آن خبر می‌دهند (مثل نقش ایران در زمینه‌سازی برای ظهور امام مهدی موعود (عج) وجود داشته باشد و این ثابت می‌کند که آنچه از اخبار وارد شده اخباری غیبی است که صدور آن جز از سرچشمه وحی یا از کسی که از اخبار غیبی آگاه است ممکن نیست.

#### ۹- هدف‌های انقلاب مهدی (عج) و دستاوردهای انقلاب امام خمینی علیه السلام

در ابتدا باید هدف‌های انقلاب مهدوی و آنچه را که خدا با دست ولی خدا (عج) انجام خواهد داد بشناسیم، سپس آثار و نتایجی را که نهضت امام خمینی به وجود آورده و اثرگذاری‌هایی که در صحنه عمل داشته است و ارتباط آنها با اهداف انقلاب مهدوی و تناسبی که بین آنها وجود دارد را بشناسیم تا میزان صحت این سخن که نهضت امام خمینی زمینه‌ساز ظهور حضرت مهدی (عج) است شناخته شود.

آنچه که خداوند تبارک و تعالی به دست مهدی موعود (عج) به وجود خواهد آورد، از اخبار غیبی است که در آینده محقق خواهد شد؛ بنابراین راه شناخت آنها در رجوع به سرچشمه‌های وحی و تدبر در آیات کریمه و احادیث صحیح نبوی به ویژه روایاتی که مورد اتفاق همه فرق اسلامی است و به دست آوردن اهداف عمومی انقلاب بزرگ مهدوی می‌باشد، اما آنچه که به قسمت دوم قضیه بر می‌گردد اینکه نهضت امام خمینی یک حرکت معاصر است و می‌توان دستاوردهای سازنده آن را با تأمل و دقت در دگرگونی‌ها و تغییراتی که در همه

جهان به وجود آورده درک کرد؛ به طوری که ارزش‌های اسلامی را زنده کرد و آثاری در جهان اسلام و غیر آن به جا گذاشت و آثاری نیز از ادامه اثرگذاری‌های محسوس آن انتظار می‌رود.

### ۱۰- اهداف انقلاب مهدوی در نصوص و متون دینی

در قرآن کریم و احادیث شریفه‌ای که مورد اتفاق همه مسلمانان است، هدف‌های عمده‌ای برای انقلاب بزرگ مهدوی بیان شده است که به اختصار ذکر می‌کنیم:

- ۱- شماری از آیات قرآن بر برتری و غلبه اسلام بر همه ادیان و آشکار شدن خورشید اسلام تصریح دارند؛ مانند آیه‌های ۳۲ و ۳۳ از سوره توبه و آیه‌های ۸ و ۹ از سوره صف. احادیث شریفی که از اهل سنت و شیعه نقل شده‌اند و نیز مفسران شیعه و سنی اتفاق نظر دارند به اینکه این هدف که تحقق آن حتمی است (چون اراده خدا به آن تعلق گرفته) تنها در زمان مهدی منتظر (عج) برآورده خواهد شد.<sup>۱</sup>
- ۲- پایان دادن به برگشت از دین حق و پیروی و دوستی مسلمانان از یهود و نصارا که قرآن در آیه‌های ۵۱ - ۵۴ سوره مائده از آن خبر داده است، همچنین علامه طباطبایی در تفسیر قیم خود «المیزان» با بیان مفصلی استدلال می‌کند که این حوادث در عصر مهدی موعود (عج) جریان می‌یابد.<sup>۲</sup>

۱. تفسیر فخر رازی، ج ۱۶، ص ۴۰؛ تفسیر الدرالمثور السیوطی، ج ۲۴، ص ۱۷۶؛

تفسیر طبری، ج ۱۴، ص ۲۱۵؛ تفسیر قرطبی، ج ۸، ص ۱۲۱؛ مجمع البیان الطبرسی،

ج ۵، ص ۳۵۰. ۲. تفسیر المیزان، ج ۵، ص ۳۶۶ - ۴۰۰.

۳- پایان دادن به ستم و جور و برپا کردن حکومت عدل اسلامی در سراسر جهان؛ به طوری که آیاتی از قرآن و احادیث شریفی که بر صحت آنها اتفاق نظر وجود دارد بر این امر تصریح کرده‌اند.

۴- نابود کردن شرک و پاک نمودن زمین از آن به طور کامل و نشر توحید محض و عبادت حقه برای خداوند تبارک و تعالی، همان طور که از آیه ۵۵ سوره نور و آیه ۵۶ سوره ذاریات و ... استفاده می‌شود؛<sup>۱</sup> همچنین برپا کردن جامعه توحیدی شایسته که تنها خدا را عبادت کنند و به او شرک نوززند و نماز را به پا دارند و زکات را بپردازند و امر به معروف و نهی از منکر کنند.

۵- واگذاری حاکمیت زمین به بندگان شایسته خدا و کسانی که در زمین به جهت وابستگی خود به دین توحیدی، ضعیف نگه داشته شده‌اند؛ شماری از آیات کریمه قرآن، مانند آیه ۵۵ سوره نور و آیه ۵ سوره قصص و ۱۰۵ سوره انبیاء به این امر اشاره دارد.

آنچه گفته شد بنا به استناد آیات کریمه و احادیث صحیح نبوی از اهداف عمومی انقلاب بزرگ مهدوی هستند.

انقلاب امام خمینی هم جدا از انقلاب بزرگ مهدوی نیست؛ بلکه بخشی از آن است و همان هدف‌های استراتژیک آن را درباره برپایی حکومت جهانی اسلام دنبال می‌کند.

۱. تاریخ غیبت کبری، سید محمد صدر، ص ۲۵۴.

فصل هشتم:

استراتژی انتظار از نگاه

امام خمینی رحمته الله

## ۱- احیای اندیشه انتظار از نگاه امام خمینی علیه السلام

انقلاب رهایی بخش حضرت امام خمینی علیه السلام نه تنها باعث دگرگونی در صحنه حیات اجتماعی - سیاسی مردم مسلمان ایران شد؛ بلکه منشأ تحولی بزرگ در فرهنگ واژه‌ها و مفاهیم اسلامی گردید. به برکت این انقلاب، بسیاری از واژگان، معنایی نو یافتند و بسیاری از مفاهیم فراموش شده، حیات دوباره پیدا کردند.

امام راحل امت، به مدد پشتوانه غنی فکری و مبانی نظری خود، که مبتنی بر منابع و متون اصیل اسلامی و به دور از هرگونه شائبه التقاط و خودباختگی بود، در طول حیات پر برکت خود، دست به تدوین قاموسی عظیم از مفاهیم اسلامی زد که در سراسر تاریخ حیات فکری - فرهنگی مردم مسلمان ایران بی سابقه بود؛ زیرا در این قاموس، واژه‌ها نه در صفحات محدود کتاب بلکه در صفحه‌ای به گستردگی زندگی اجتماعی - فرهنگی مردم معنا می‌شد.

در قاموس مفاهیمی که بنیانگذار فقید جمهوری اسلامی ایران تدوین آن را آغاز کرد واژه‌هایی چون جهاد، شهادت، امر به معروف و نهی از منکر و ... که سال‌ها به فراموشی سپرده شده بودند، حیات دوباره یافتند؛ همچنان که واژه «انتظار» که سال‌ها با سکون و سکوت،



تحمل ظلم و دم فرو بستن و در یک کلمه، ماندن و درجا زدن، به امید برآمدن دستی از غیب، مترادف شمرده می‌شد، مفهومی دیگر یافت و این بار «انتظار» نه به عنوان عاملی برای خاموش ساختن روح سرکش اجتماع؛ بلکه به عنوان ابزاری برای دگرگون کردن وضع موجود و حرکت به سوی آینده موعود، به کار گرفته شد.

برای آشنایی هرچه بیشتر با مفهوم «انتظار» در فرهنگ واژگان امام راحل علیه السلام و درک نقش عظیمی که آن فرزانه دوران در احیای اندیشه انتظار داشتند، بخشی از بیانات ایشان را که در این زمینه ایراد شده است، مورد بررسی قرار می‌دهیم. باشد که این مختصر ادای دینی باشد به ساحت مقدس بزرگ احیاگر اندیشه اسلامی در قرن حاضر.

## ۲- انتظار، زمینه‌ساز قدرت اسلام

حضرت امام با توجه به شناخت عمیقی که از وضعیت اجتماعی - سیاسی مسلمانان در عصر حاضر داشتند، احیای هویت اسلامی و بازگشت به خویشتن را، تنها راه تجدید عظمت و قدرت اسلام و مسلمانان در جهان دانسته، این موضوع را سرلوحه دعوت خویش قرار دادند:

«من به صراحت اعلام می‌کنم که جمهوری اسلامی ایران با تمام وجود، برای احیای هویت اسلامی مسلمانان در سراسر جهان سرمایه‌گذاری می‌کند و دلیلی هم ندارد که مسلمانان جهان را به پیروی از اصول تصاحب قدرت در جهان دعوت نکند و جلوی جاه طلبی و فزون طلبی صاحبان قدرت و پول و فریب را نگیرد»<sup>۱</sup>.

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۹۱.

از آنجا که انتظار موعود یا به عبارتی انتظار تحقق وعده الهی در حاکمیت جهانی دین اسلام، می‌تواند در احیای هویت اسلامی مسلمانان و مقابله با روحیه خودباختگی و احساس حقارت در مقابل فرهنگ و تمدن مغرب زمین بسیار مؤثر باشد، حضرت امام با ژرفاندیشی تمام، احیای فرهنگ انتظار را به عنوان یکی از ارکان مهم احیای هویت اسلامی و وسیله‌ای برای تحقق دوباره قدرت و شوکت گذشته مسلمانان در جهان مدّ نظر قرار داده و در یکی از بیانات خود که در اولین سال استقرار نظام اسلامی ایراد کردند، ضمن بیان مفهوم «انتظار فرج» و وظیفه منتظران قدوم حضرت صاحب الامر علیه السلام را چنین بر شمردند:

«همه انتظار فرج داریم و باید در این انتظار خدمت بکنیم. انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است و ما باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا بکند و مقدمات ظهور آن شاء الله تهیه بشود».<sup>۱</sup>

چنان‌که ملاحظه می‌شود، در مفهومی که حضرت امام علیه السلام از «انتظار» ارائه می‌دهند، نه تنها از سکون و سکوت و تن دادن به وضع موجود خبری نیست، بلکه صحبت از تلاش و کوشش برای تحقق قدرت اسلام و آماده شدن زمینه ظهور است که این با مفهومی که سال‌ها سعی می‌شد از «انتظار» در اذهان مردم جا داده شود، بسیار فاصله دارد.

۱. صحیفه امام، ج ۸، ص ۳۷۴.

## ۳- انتظار، رمز پایداری

حضرت امام علیه السلام در برهه‌های مختلف انقلاب اسلامی به منظور آماده ساختن مردم برای مقابله با مشکلات و خطراتی که انقلاب و نظام نوپای اسلامی را تهدید می‌کرد، بر مفهومی که خود از انتظار داشت تأکید می‌فرمود و مردم را به پایداری و تلاش بیشتر فرا می‌خواند:

«من امیدوارم که ان شاء الله برسد روزی که آن وعده مسلم خدا تحقق پیدا کند و مستضعفان مالک ارض بشوند. این مطلب وعده خداست و تخلف ندارد، منتها آیا ما درک کنیم یا نکنیم، آن به دست خداست. ممکن است در یک برهه، کمی وسایل فراهم بشود و چشم ما روشن بشود به جمال ایشان. این چیزی که ما در این وقت، در این عصر وظیفه داریم، این مهم است. همه انتظار داریم وجود مبارک ایشان را، لکن با انتظار تنها نمی‌شود، بلکه با وضعی که بسیاری دارند، انتظار نیست. ما باید ملاحظه وظیفه فعلی شرعی - الهی خودمان را بکنیم و باکی از هیچ امری از امور نداشته باشیم. کسی که برای رضای خدا ان شاء الله مشغول انجام وظیفه است، توقع این را نداشته باشد که مورد قبول همه است، هیچ امری مورد قبول همه نیست. کار انبیا هم مورد قبول همه نبوده است، لکن انبیا به وظایفشان عمل کردند و قصور در آن کاری که به آنها محول شده بود نکردند، گرچه مردم اکثراً گوش ندادند به حرف انبیا، ما هم آن چیزی که وظیفه مان هست

عمل می‌کنیم و باید بکنیم؛ گرچه بسیاری از این عمل ناراضی باشند یا بسیاری هم کارشکنی بکنند»<sup>۱</sup>.

جانمایه تفکر امام راحل علیه السلام و موضوعی که همواره، چه در نظر و چه در عمل، مدنظر ایشان بود، عمل به وظیفه و ادای تکلیف الهی است و همین موضوع است که دیدگاه ایشان در باب انتظار فرج را از سایر دیدگاه‌ها متمایز می‌سازد.

برای درک بیشتر برداشتی که حضرت امام علیه السلام از موضوع انتظار داشتند، لازم است که سایر برداشتها نیز در کنار این برداشت مورد مطالعه قرار گیرند، از این رو در اینجا دیدگاه‌های متفاوتی را که در موضوع انتظار فرج ابراز شده است، از زبان امام راحل، نقل می‌کنیم تا تفاوت دیدگاه حضرت امام از سایر دیدگاه‌ها به خوبی روشن شود.

#### ۴- برداشتهای متفاوت از موضوع انتظار فرج

رهبر فقید انقلاب اسلامی در یکی از بیانات خود، برداشتهای متفاوتی را که از موضوع «انتظار فرج» شده است، دسته‌بندی نموده و به شرح زیر مورد نقد و بررسی قرار می‌دهند:

اولین دیدگاه در باب موضوع «انتظار فرج» که حضرت امام به طرح آن می‌پردازد، دیدگاه کسانی است که تکلیف مردم در زمان غیبت را تنها دعا برای تعجیل فرج حضرت حجت علیه السلام می‌دانند:

۱. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۲۴۶.

### ۵- آیا انتظار فرج صرف دعاست

بعضی‌ها انتظار فرج را به این می‌دانند که در مسجد، در حسینیه در منزل بنشینند و دعا کنند و فرج امام زمان -سلام الله علیه- را از خدا بخواهند. اینها مردم صالحی هستند که یک همچو اعتقادی دارند؛ بلکه بعضی از آنها را که من سابقاً می‌شناختم، بسیار مرد صالحی بود، یک اسبی هم خریده بود، یک شمشیری هم داشت و منتظر حضرت صاحب -سلام الله علیه- بود. اینها به تکالیف شرعی خودشان هم عمل می‌کردند و نهی از منکر هم می‌کردند و امر به معروف هم می‌کردند، لکن همین، دیگر غیر از این کاری ازشان نمی‌آمد و فکر این مهم که یک کاری بکنند نبودند.<sup>۱</sup>

### ۶- آیا انتظار فرج بی تفاوتی به امور جهان است

دیدگاه دومی که حضرت امام بدان اشاره می‌کند، بسیار شبیه به دیدگاه اول است با این تفاوت که در دیدگاه دوم به طور کلی وظیفه‌ای که هر فرد مسلمان نسبت به جامعه خود دارد به فراموشی سپرده شده و حتی از امر به معروف و نهی از منکر هم غفلت شده است:

یک دسته دیگری بودند که انتظار فرج را می‌گفتند این است که ما کار نداشته باشیم به اینکه در جهان چه می‌گذرد، بر ملت‌ها چه می‌گذرد، بر ملت ما چه می‌گذرد، به این چیزها ما کار نداشته باشیم، ما تکالیف‌های خودمان را عمل می‌کنیم، برای جلوگیری از این امور هم خود حضرت بیایند ان شاء الله درست می‌کنند. دیگر ما تکلیفی

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۳.

نداریم، تکلیف ما همین است که دعا کنیم ایشان بیایند و کاری به کار آن چه در دنیا می‌گذرد یا در مملکت خودمان می‌گذرد نداشته باشیم. اینها هم یک دسته‌ای، مردمی بودند که صالح بودند.<sup>۱</sup>

امام راحل علیه السلام در ادامه بیانات‌شان به نقد و بررسی دو دیدگاه یاد شده پرداخته و می‌فرماید:

ما اگر دستمان می‌رسید قدرت داشتیم باید برویم تمام ظلم‌ها و جورها را از عالم برداریم، تکلیف شرعی ماست منتها ما نمی‌توانیم، اینکه هست این است که حضرت عالم را پر می‌کند از عدالت، نه شما دست بردارید از این تکلیف، نه اینکه شما دیگر تکلیف ندارید.<sup>۲</sup>

سومین برداشت از مفهوم انتظار فرج که در بیانات حضرت امام بدان اشاره شده است، برداشت کسانی است که به استناد روایاتی که در آنها آمده است حضرت قائم - ارواحنا فداه - زمانی ظهور می‌کند که دنیا پر از فساد و تباهی شده باشد، می‌گویند ما نباید در زمان غیبت با انحراف‌ها و مفاسدی که در جامعه وجود دارد کاری داشته باشیم، بلکه باید جامعه را به حال خود بگذاریم تا به خودی خود زمینه ظهور حضرت فراهم شود، «یک دسته‌ای می‌گفتند که خوب! باید عالم پر [از] معصیت بشود تا حضرت بیاید. ما باید نهی از منکر نکنیم، امر به معروف هم نکنیم تا مردم هر کاری می‌خواهند بکنند، گناه‌ها زیاد بشود که فرج نزدیک بشود».<sup>۳</sup>

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۳-۱۴. ۲. ر.ک: صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۱.

۳. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۴.

دیدگاه چهارم به شکلی افراطی تر همان برداشت گروه سوم را مطرح ساخته و معتقد است که ما نه تنها نباید جلوی معاصی و گناهانی که در جامعه وجود دارد بگیریم؛ بلکه باید به آن دامن هم بزنییم تا زمینه ظهور حضرت حجت علیه السلام هرچه بیشتر فراهم شود:

«یک دسته‌ای از این بالاتر بودند، می‌گفتند باید دامن زد به گناه‌ها، دعوت کرد مردم را به گناه تا دنیا پر از جور و ظلم بشود و حضرت (سلام الله علیه) تشریف بیاورند. این هم یک دسته‌ای بودند که البته در بین این دسته منحرف‌هایی هم بودند، اشخاص ساده لوح هم بودند، منحرف‌هایی هم بودند که برای مقاصدی به این دامن می‌زنند»<sup>۱</sup>.

حضرت امام علیه السلام دو دیدگاه اخیر را به شدت مورد انتقاد قرار داده و در ادامه سخنانشان می‌فرمایند:

«یعنی خلاف ضرورت اسلام، خلاف قرآن نیست این معنا که ما دیگر معصیت نکنیم تا حضرت صاحب بیاید! حضرت صاحب که تشریف می‌آورند برای چه می‌آیند؟ برای اینکه گسترش دهند عدالت را، برای اینکه حکومت را تقویت کنند، برای اینکه فساد را از بین ببرند. ما برخلاف آیات شریفه قرآن دست از نهی از منکر برداریم، دست از امر به معروف برداریم و توسعه بدهیم گناهان را، برای اینکه حضرت بیایند. حضرت بیایند چه می‌کنند؟ حضرت می‌آیند می‌خواهند همین کارها را بکنند. الآن دیگر ما هیچ تکلیفی نداریم؟»

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۴.

دیگر بشر تکلیفی ندارد، بلکه تکلیفش این است که دعوت کند مردم را به فساد؟! به حسب رأی این جمعیت که بعضی هایشان بازیگرند و بعضی شان نادان، این است که ما باید بنشینیم دعا کنیم به صدام، هر کسی نفرین به صدام کند خلاف امر کرده است، برای اینکه حضرت دیر می آیند... ما باید دعاگوی آمریکا باشیم و دعاگوی شوروی باشیم. و دعاگوی اذنباشان از قبیل صدام باشیم و امثال اینها، تا اینکه اینها عالم را پر کنند از جور و ظلم و حضرت تشریف بیاورند! بعد حضرت تشریف بیاورند چه کنند؟ حضرت بیایند که ظلم و جور را بردارند، همان کاری که ما می کنیم و ما دعا می کنیم که ظلم و جور باشد، حضرت می خواهند همین را برش دارند»<sup>۱</sup>.

۱. ر.ک: صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۴-۱۵.



فصل نهم:

اصلاح تلقی‌های انتظار

از منظر امام خمینی رحمته الله

## ۱- اصلاح تلقی‌های غلط از انتظار، در اندیشه امام خمینی علیه السلام

در اندیشه امام خمینی جریان نبوت و امامت یک جریان واحد است که تحقق کامل آن در زندگی مسلمین، ضامن سعادت دنیایی و آخرتی آنها خواهد بود. در این میان امامت ائمه، بالاخص حضرت ولی عصر علیه السلام در زمان حاضر، دارای ویژگی خاص است.

یکی از نگرانی‌هایی که امام خمینی درباره ظهور حضرت مهدی (عج) دارند، رواج نگرش‌های انحرافی درباره انتظار برای ظهور آن حضرت است. ایشان ابتدا بر نگرش فعالانه در امر انتظار تأکید می‌کنند، یعنی انتظار آن است که منتظران ضمن اینکه منتظر آمدن آن حضرت باشند، برای تحقق عدالت و از بین رفتن ظلم، تلاش و مجاهده کنند؛ لذا می‌گویند:

«اینطور نیست که حالا که ما منتظر ظهور امام زمان - سلام الله علیه - هستیم پس دیگر بنشینیم تو خانه‌هایمان، تسبیح را دست بگیریم و بگوییم: عجل علی فرجه. عجل، با کار شما باید تعجیل بشود، شما باید زمینه را فراهم کنید برای آمدن او. و فراهم کردن این که مسلمین را با هم مجتمع کنید، همه با هم بشوید، ان شاء الله ظهور می‌کند ایشان»<sup>۱</sup>.

## ۲- مفهوم انتظار یعنی برقراری عدالت

پس انتظار فرج یک کنش و فعل و کارگر بودن است، نه یک انفعال و صرف منتظر چیزی بودن، تا آن واقع شود؛ زیرا انفعال و دست از فعالیت کشیدن، در واقع سلب مسؤولیت در قبال جامعه و انسان‌های آن است که عواقب جبران ناپذیری در پی خواهد داشت. از این رو در دیدگاه امام خمینی، انتظار واقعی برای ظهور حضرت صاحب علیه السلام به دعا و سکوت یا دست از فعالیت کشیدن به امید آمدن او نیست، بلکه تلاش مجددانه برای برقراری عدالت و ریشه‌کنی ظلم در هر زمان و مکان با امید به آمدن آن حضرت است. لذا ایشان به شدت با نگرش‌های انحرافی درباره انتظار به مقابله بر می‌خیزد.

### نگرش اول درباره انتظار فرج:

بر اساس این نگرش انتظار فرج یعنی مؤمنان در مسجدها و حسینیه‌ها بنشینند و تنها برای ظهور امام زمان علیه السلام دعا کنند و البته امر به معروف و نهی از منکر زبانی هم بکنند؛ ولی در مسائل اساسی جامعه دخالت نداشته باشند.<sup>۱</sup>

### نگرش دوم درباره انتظار فرج:

این نگرش بر آن است که کاری به اینکه در جهان و دنیا چه می‌گذرد نداشته باشید. شما تنها منتظر باشید تا حضرت صاحب بیایند و خودشان جامعه را اصلاح نمایند.<sup>۲</sup> پس طبق این نگرش ما در

۱. ر.ک: صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۳-۱۴. ۲. ر.ک: همان منبع.

قبال مردم جهان تکلیفی نداریم و تنها تکلیف ما دعا کردن و انتظار کشیدن برای ظهور آن حضرت است تا ایشان خودشان امور را ساماندهی کنند.

امام خمینی این دو نگرش را دیدگاه افرادی می‌داند که می‌خواهند از زیر بار مسؤولیت اجتماعی و دینی خود شانه خالی کنند و تن به سختی‌های مبارزه و تلاش در جامعه ندهند. لذا یک روایت جعلی یا دروغین پیدا می‌کنند و آن را مستمسک خود قرار می‌دهند و با این کار وجود ظلم و ظالم را در دنیای خود و دیگران مشروع قلمداد می‌کنند.

ایشان ضمن رد این دو دیدگاه و نفی ظلم در هر زمان و مکان به حدیث معروف استناد می‌کنند که می‌گوید: مسلمان اگر بخواهد اهتمام به امور مسلمین نداشته باشد که مسلمان نیست.<sup>۱</sup> پس برای مسلمان در هر زمان و مکانی مبارزه علیه ظلم و ظالم واجب است و او نمی‌تواند انتظار برای فرج را توجیهی برای فرار خود از این مسؤولیت قرار دهد.

### ۳- چیستی زمینه‌سازی ظهور در اندیشه امام خمینی علیه السلام

#### نگرش سوم و چهارم درباره انتظار:

این دو دیدگاه بر آن هستند که چون حضرت صاحب، زمانی ظهور خواهند کرد که ظلم و فساد جهان را پر کرده باشد، پس بهترین کار

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۵۵۹، کتاب الامر بالمعروف، ح ۱.

برای ما منتظران آن است که به گسترش ظلم و فساد در جهان کمک کنیم تا زمینه ظهور حضرت زودتر فراهم شود، یا اگر در گسترش ظلم کاری نمی‌توانیم انجام دهیم، حداقل به گسترش ظلم و معصیت کاری نداشته باشیم تا اینکه حضرت صاحب خودشان بیایند و تمامی ظلم و فساد را ریشه‌کن کنند. بنابراین طبق این دیدگاه‌ها وظیفه ما جلوگیری از گسترش ظلم نیست، بلکه کمک به گسترش آن و یا حداقل مانع نشدن در مقابل آن می‌باشد.<sup>۱</sup>

امام خمینی در رد این دیدگاه‌ها، آنها را منحرف از مسیر اسلام و هدایت دانسته و طرفداران آنها را خطاب قرار می‌دهند که آیا آنها تمام واجبات دینی خود را نیز تعطیل کرده‌اند تا امام زمان بیاید، یا اینکه واجباتی مثل نماز را از آن جدا کرده‌اند.<sup>۲</sup>

به نظر می‌رسد این دیدگاه، منطق کسانی است که با سکوت خود در مقابل ظالم و گسترش ظلم، در واقع منافع خاصی را برای خود دنبال می‌کنند یا اینکه دچار سطحی‌نگری و انحرافات اساسی در دین هستند. انحراف گروه سوم و چهارم تا آنجاست که در شکل افراطی آن حتی خود را موظف به کمک به گسترش ظلم در جهان می‌دانند و این را برای خود، خدمت بزرگی به منظور تعجیل در ظهور حضرت صاحب علیه السلام قلمداد می‌کنند.

۱. ر.ک: صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۵۳۴ و ج ۲۱، ص ۱۴.

۲. ر.ک: صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۴۴۷.

## ۴- دسیسه‌های باطل استعمار و مسأله انتظار

نگرش پنجم درباره انتظار:

این نگرش بر آن است که تشکیل هرگونه حکومت در زمان غیبت امام زمان علیه السلام، باطل می‌باشد و از این رو اینها در زمان غیبت تلاش برای تشکیل حکومت را حرام تلقی می‌کردند. امام خمینی انجمن حجتیه‌ها را مصداق این گروه دانسته و درباره آنها می‌گوید:

«یک دسته دیگری بودند که می‌گفتند که هر حکومتی اگر در زمان غیبت محقق بشود، این حکومت باطل است و برخلاف اسلام است. آنها مغرور بودند، آنهایی که بازیگر نبودند مغرور بودند به بعض روایاتی که وارد شده است بر این امر که هر عَلمی بلند بشود قبل از ظهور حضرت، آن عَلم، عَلم باطل است»<sup>۱</sup>.

امام خمینی این فکر را یک اندیشه دارای ریشه استعماری می‌داند یعنی استعمارگران، اندیشه جبر و انفعال را از این طریق در میان دینداران ترویج می‌دهند تا به راحتی سلطه خود را ادامه دهند. و لذا امام خمینی این را یک فکر تزریقاتی و وارداتی می‌داند که دینداران را اسیر خود کرده است. امام می‌گویند:

«اما مسأله این است که دست سیاست در کار بوده، همانطوری که تزریق کرده بودند به ملت‌ها، به مسلمین، به دیگر اقشار جمعیت‌های دنیا که سیاست کار شماها نیست، بروید سراغ کار خودتان و آن چیزی

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۴.

که مربوط به سیاست است بدهید به دست امپراطورها. خوب! آنها از خدا می‌خواستند که مردم غافل بشوند و سیاست را بدهند دست حکومت و به دست ظلمه»<sup>۱</sup>.

امام خمینی مصداق واقعی این سیاست را استعمار ملت مستضعف جهان توسط آمریکا و شوروی می‌داند که با این کار، هستی مسلمین را به غارت بردند و آنها را به خودشان مشغول کردند.

از سوی دیگر امام استدلال طرفداران دیدگاه پنجم را مبنی بر باطل بودن هرگونه حکومتی در زمان غیبت که آن را به معصوم نسبت می‌دهند، با این بیان رد می‌کند که اگر کسی در زمان غیبت با علم مهدی و با عنوان مهدویت قیام کند؛ یعنی خودش را مهدی موعود بنامد، این قیام باطل است و عمل او حرام و ضد اسلام، نه عمل ما مسلمانان در زمان غیبت برای تشکیل حکومت و اداره امور خودمان.

۵- یاری و نصرت الهی با مردم نورانی و تابع رهبران راستین است

﴿لَتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ﴾<sup>۲</sup> وقتی اینچنین شد، نمونه آل فرعون را نقل می‌کند. در سوره مبارکه ابراهیم، بعد از اینکه فرمود: تو آمدی، مردم را نورانی کنی؛ مردم اگر نورانی شدند، با هر فرعون‌نی هم می‌جنگند؛ آنگاه ما فرعون را هم غرق می‌کنیم. شما توقع داشته باشیم که ﴿فَاذْهَبْ أَنْتَ وَرَبُّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ﴾<sup>۳</sup> عملی بشود، این تفکر بنی اسرائیلی است. این به جایی نمی‌رسد که دریا را طی کند!

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۵ و ۱۶.

۲. سوره ابراهیم، آیه ۱.

۳. سوره مائده، آیه ۲۴.

اگر یک وقتی در برابر فرعون قرار گرفتید، نور موسای کلیم را دیدید، گفتید: شما می‌خواهید دست راست و پای چپ را قطع کنید، دست چپ و پای راست را قطع کنید؛ «لَأُصَلِّبَنَّكُمْ فِي جُدُوعِ النَّخْلِ»<sup>۱</sup> کنید، «فَاقْضِ مَا أَنْتَ قَاضٍ إِنَّمَا تَقْضِي هَذِهِ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا»<sup>۲</sup>. اگر اینچنین فداکاری شد، ما «وَجَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ»<sup>۳</sup> داریم، دشمنان شما را جمع می‌کنیم، می‌ریزیم در دریا؛ «فَأَخَذْنَاهُ وَجُنُودَهُ فَنَبَذْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ»<sup>۴</sup>.

#### ۶- سرنوشت تلخ در انتظار بیراهه‌روندگان

اگر بیراهه رفتید، کاسب کاری کردید؛ «أَرْبَعِينَ سَنَةً يَتِيهُونَ فِي الْأَرْضِ»<sup>۵</sup> اگر به دنبال موسی رفتید، دریا می‌پیمایید. به دنبال هوس خود رفتید، ۴۰ سال هم که باشد در حوزه و دانشگاه سرگردانید، بالاخره هم به جایی نمی‌رسید. مگر همین بنی اسرائیل نبودند؟! مگر همین دریانوردان و دریا دلان و دریاغواصان نبودند؟! مگر همین «وَجَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ» نبود؟ همین «وَإِذْ فَرَقْنَا بِكُمُ الْبَحْرَ»<sup>۶</sup> نبود؟ مگر همه معجزات نبودند؟ وقتی آمدند، اینها را به دنیا و به بازی‌ها سرگرم کردند، فرمود: حالا در این بیابان بمانید، یتیهون فی الارض اربعین سنه، همین مردم بودند!

۲. سوره طه، آیه ۷۲.

۱. سوره طه، آیه ۷۱.

۳. سوره اعراف، آیه ۱۳۸.

۴. سوره قصص، آیه ۴۰ و سوره ذاریات، آیه ۴۰.

۶. سوره بقره، آیه ۵۰.

۵. سوره مائده، آیه ۲۶.



همین دین است که اگر کسی واعتصموا بحبل الله شد، جاوزنا بنی اسرائیل البحر است، این همان خداست. و اگر خدای ناکرده باندبازی شد، یتیهون فی الارض اربعین سنة. این راه یک روزه را ۴۰ سال سرگردانند. معنای «انتظار» این است که انسان به جایی برسد که جاوزنا بنی اسرائیل البحر بشود. وگرنه سنگ امام زمان را به سینه بزند، حرف خودش را بزند، این یتیهون فی الارض اربعین سنة هست، این باعث تأخیر ظهور حضرت است.

دین با این شاخص‌های خود «لیظهره علی الدین کله» می‌شود. حالا این ضمیر «یظهر» چه به خلیفه یا رسول یا ذات اقدس اله برگردد، همه‌اش حق است. اگر رسول، اگر خلیفه، اگر امام، دین خدا را بر همه ادیان پیروز می‌کند، در حقیقت براساس و ما اظهرت اذ اظهرت ولكن الله اظهر است؛ نظیر «وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى»<sup>۱</sup> است. ذات اقدس اله است که پیروز می‌کند. این دین با این مؤلفه، با این مشخصه ظهور می‌کند.

#### ۷- ارتقاء اندیشه‌ها و انگیزه‌های بشری در عصر ظهور

##### امام زمان (عج)

وجود مبارک ولی عصر که آمد، اندیشه‌ها کامل می‌شود؛ «وضع یده علی رؤوس العباد» حالا یا خدا وضع، یا خلیفه الله وضع؛ بالاخره مردم فهم‌شان بالا می‌آید، فرهنگ‌شان بالا می‌آید، علم و عقلشان بالا

۱. سوره انفال، آیه ۱۷.

می‌آید؛ این از نظر اندیشه. از نظر انگیزه هم فرمود: «یملأ قلوب امته غناً» این گدا طبعی و کاسب کاری‌ها را بر می‌دارد، روح بی‌نیازی به پیروانش می‌دهد. ملتی مستقل است که مسبوق به استغناء باشد. تا از بیگانه بی‌نیاز نباشد، داعیه استقلال ندارد. کدام ملت محتاج و گدا و گرسنه است که داعیه استقلال دارد؟!

وجود مبارک حضرت قبل از استقلال، استغنا می‌بخشد؛ استغنا هم یک ملکه نفسانی است. آنگاه نه از رشوه خبری هست، نه از عشوه و نه جاه‌طلبی؛ ملت مستغنی، مستقل است.

آنگاه در بخش سوم «یملأ الله به الارض قسطاً و عدلاً»<sup>۱</sup> ملت بفهم، ملت بی‌نیاز روحی، قهراً عدل پرور است، قسط پرور است، عدالت خواه است، قسط خواه است؛ چنین ملتی اداره‌گردنش، آسان است.

#### ۸- استقرار دین الهی

اگر استغنای عن المال شد؛ دیگر احتکار و گرانفروشی و کم‌فروشی و تورم و بیکاری و گرانی نیست؛ همه می‌شوند راضی. اگر استغنای عن المال عطا کرده است، آنگاه در بخش سوم یملأ الله به الارض قسطاً و عدلاً سهل است؛ وزمین به آن سمت می‌رود تا ﴿لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ﴾؛<sup>۲</sup> آن روز ﴿وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ﴾،<sup>۳</sup> ﴿وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾؛<sup>۴</sup> باشد، ﴿وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيداً﴾<sup>۵</sup> او را همراهی می‌کند؛ این آسان است. تاکنون

۱. بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۱۶.

۲. سوره فتح، آیه ۲۸ و سوره توبه، آیه ۲۳.

۳. سوره توبه، آیه ۳۲.

۴. سوره توبه، آیه ۳۳.

۵. سوره فتح، آیه ۲۸.

این اهداف عملی نشده و به دست بشر باید بشود. و هرگز این فکر بنی اسرائیلی در ما ظهور و رسوب نکند که بگوییم: وجود مبارک حضرت بیاید، اصلاح بکند! این همان فکر بنی اسرائیلی است که به موسی و هارون علیهم السلام گفتند: ﴿فَاذْهَبْ أَنْتَ وَرَبُّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ﴾<sup>۱</sup>. این فکر را خدا نپسندید و نمی‌پسندد. به ما یک وقتی می‌گویند: «انا معك»؛ عمار یاسر گفت: «انا معك»، «نموت معك». ما را اینچنین می‌طلبند؛ ما هم اینچنین خواهیم بود!

بهترین راه آن است که خودمان نورانی بشویم، عقل و ایمان مردم را بالا ببریم؛ تا زمینه ظهور برای حضرت فراهم بشود. این با وفاق ملی و با تشکیل همین محافل هست که هم از معارف قرآن طرفی ببندیم، از مآثر عترت طاهرین علیهم السلام بهره‌ای ببریم. و رسالت مهم به عهده شما مخصوصاً علمای شیعه در سراسر کشور که مردم را با فرهنگ مهدویت، با هدف خلقت، با آینده بشریت بیش از پیش آشنا کنید؛ وگرنه آن انتظار یک جانبه خواهد بود و انتظار یک جانبه سودی ندارد.<sup>۲</sup>

۱. سوره مائده، آیه ۲۴.

۲. سخنرانی آیت الله جوادی آملی - دامت برکاته - در اجلاس مقدماتی کنگره بین المللی مصلح موعود (عج)؛ با موضوع «اندیشه مهدویت و آینده بشریت»، قم؛ مدرسه علمیه امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۲/۷/۲۲.

فصل دهم:

آسیب شناسی تبلیغ

در عرصه مهدویت

## ۱- آسیب‌شناسی تبلیغ انتظار در عصر ظهور

توجه به جایگاه و شأن رفیع امام عصر عجله الله

امام مهدی (عج) عصاره خلقت، خاتم اوصیا و وارث همه انبیا و اولیای پیشین است، چنان‌که در یکی از زیارات حضرت صاحب الامر عجله الله خطاب به ایشان عرض می‌کنیم:

«السَّلَامُ عَلَىٰ وَارِثِ الْأَنْبِيَاءِ وَخَاتِمِ الْأَوْصِيَاءِ... الْمُتَّهَىٰ إِلَيْهِ مَوَارِيثُ الْأَنْبِيَاءِ، وَلَدَيْهِ مَوْجُودُ آثَارِ الْأَصْفِيَاءِ؛<sup>۱</sup> سَلَامٌ بَرِّ وَارِثِ پیامبران و خاتم اوصیا... آن‌که میراث تمام پیامبران بدو رسیده و آثار همه برگزیدگان در نزد او موجود است».

آن حضرت چنان مقامی در نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام دارند که خطاب به ایشان از تعبیر «پدر و مادرم به فدای او» استفاده کرده‌اند، از جمله در روایات زیر که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام نقل شده، آمده است:

«بأبي و أمي سُمِّي و شبيهي و شبيهه موسى بن عمران، عليه جيوب (جلايب)

---

۱. مفاتيح الجنان، زیارت حضرت صاحب الامر به نقل از سید بن طاووس.

النور يتوقد من شعاع القدس؛<sup>۱</sup> پدر و مادرم به فدای او که همانام من، شبیه من و شبیه موسی بن عمران است، بر او جامه‌هایی از نور است که از پرتو قدس روشنایی می‌گیرد».

«بأبی ابن خیرة الإمام...؛<sup>۲</sup> پدرم به فدای فرزند بهترین کنیزان...».

۲- جایگاه و شأن حضرت مهدی (عج) در اندیشه امام خمینی

### و آیت الله بروجردی

امام راحل نیز در بیان جایگاه و شأن بی‌مانند امام مهدی (عج) در عالم هستی می‌فرماید:

من نمی‌توانم اسم رهبر روی ایشان بگذارم، بزرگ‌تر از این است. نمی‌توانم بگویم که شخص اول است، برای اینکه دومی در کار نیست. ایشان را نمی‌توانیم ما با هیچ تعبیری تعبیر کنیم، الا همین که مهدی موعود است.<sup>۳</sup>

با توجه به همین مقام و مرتبت رفیع امام عصر علیه السلام است که در روایات، به کلمات و عبارتهای خاصی برای عرض سلام و ارادت به پیشگاه آن حضرت سفارش شده است، از جمله در روایتی که از امام محمد باقر علیه السلام نقل شده، می‌خوانیم:

«من ادرك منكم قائمنا فليقل حين يراه السلام عليكم يا اهل بيت النبوة و معدن العلم و موضع الرسالة؛<sup>۴</sup> هر کس از شما که قائم ما علیه السلام را دریابد، پس

۱. بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۳۷، ح ۲۰۰. ۲. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۲۱.

۳. صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۴۸۲. ۴. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۱، ح ۵.

باید به هنگام دیدار با او بگوید: سلام بر شما ای خاندان نبوت و معدن علم و جایگاه رسالت».

در روایت دیگری، کیفیت سلام دادن مردم به آن حضرت در زمان ظهور چنین بیان شده است:

«لا یسلّم علیه مسلم الا قال: السلام عليك يا بقية الله في ارضه؛ هیچ سلام دهنده‌ای بر آن حضرت سلام نمی‌دهد، مگر اینکه می‌گوید: سلام بر تو ای باقی مانده خدا در زمین».

مطالعه سیره و اقوال علما و بزرگان نیز نشان می‌دهد که آنها نهایت ادب و احترام را نسبت به حضرت صاحب الامر علیه السلام رعایت و از هر سخن و عملی که در آن اندک شائبه بی‌توجهی به جایگاه و شأن آن حضرت وجود داشت، پرهیز می‌کردند. در این باره حکایت زیر که از مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی در زمینه ادب و احترام حضرت آیت الله العظمی بروجردی نسبت به امام عصر علیه السلام نقل شده، بسیار خواندنی است:

یک روز در منزلشان مجلسی بود، در آن مجلس شخصی با صدای بلند گفت: برای سلامتی امام زمان و آیت الله بروجردی، صلوات! در همان حال، ایشان که در حیاط قدم می‌زد. با شتاب و ناراحتی به طرف در بیرونی آمد و با عصا محکم به در زد، به طوری که آقایانی که در بیرون بودند ترسیدند که نکند اتفاقی افتاده باشد. چندین نفر به

طرف در اندرونی رفتند که ببینند چه خبر است؟ آیت الله بروجردی گفتند: «این که بود که اسم مرا در کنار نام مبارک امام زمان علیه السلام آورد؟ این مرد را بیرون کنید و به خانه راهش ندهید.<sup>۱</sup>»

براساس آنچه گفته شد، بر همه مبلغان فرهنگ مهدوی، اعم از نویسندگان، سخنرانان، شاعران، مدیحه سرایان و ... لازم است که در نوشته‌ها، گفته‌ها، سرودها و به تعبیر عام‌تر در کلیه فعالیت‌های تبلیغی و ترویجی خود، نکات زیر را مورد توجه جدی قرار دهند.

۱ - خودداری از به کار بردن کلمات و تعابیری که شایسته جایگاه و شأن رفیع امام عصر علیه السلام نیست؛

۲ - رعایت نهایت ادب و احترام به هنگام بر زبان راندن نام آن حضرت و یاد کردن از ایشان؛

۳ - ذکر سلام و صلوات پس از نام بردن از آن حضرت و برخاستن به هنگام بیان نام خاص ایشان.

### ۳- پرهیز از طرح مطالب سست، واهی و بی‌اساس

مروری اجمالی بر صدها کتاب روایی، کلامی، تاریخی و ... که محققان و دانشمندان شیعه و اهل سنت از سال‌ها پیش از تولد و غیبت امام دوازدهم تاکنون در این باره نگاشته‌اند<sup>۲</sup> و نگاهی گذرا به

۱. روزنامه جمهوری اسلامی، ویژه بزرگداشت آیت الله بروجردی و شیخ شلتوت.

۲. تنها در کتاب الذریعه مرحوم شیخ آقا بزرگ تهرانی افزون بر چهل کتاب و رساله با عنوان «الغیبه» معرفی شده که از سوی فقها، متکلمان و محدثان بزرگ شیعه در طی قرون متمادی به رشته تحریر درآمده است.



حدود شش هزار روایتی که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اهل بیت علیهم السلام در زمینه موضوعات مختلف مرتبط با امام عصر علیه السلام وارد شده،<sup>۱</sup> نشان می‌دهد که اعتقاد به امام مهدی (عج) به عنوان آخرین حجت الهی و منجی آخرالزمان، در معارف اسلامی از چنان مبانی و پایه‌های عقلی و نقلی استوار و خلل‌ناپذیری برخوردار است که راه هرگونه انکار و تردید را بر مخالفان این اندیشه می‌بندد و مدافعان این اندیشه را نیز از دست یازیدن به مطالب سست، واهی، خیالی و خواب و رویاهای بی‌اساس؛ برای اثبات حقانیت این اندیشه، بی‌نیاز می‌سازد.

در اینجا تذکر این نکته را لازم می‌بینم که در این وادی، اهل فکر و تحقیق باید معارف را به صورت ناب و خالص و به دور از هرگونه حشو و زواید در اختیار مردم قرار دهند. باید از بیان امور سست و واهی و چه بسا کذب که اساس اعتقاد مردم را متزلزل می‌کند اجتناب نمایند. در تثبیت حقیقت امامت هیچ نیازی به بیان رویاهای کاذب و حوادث غیر صحیح نیست. باید در منابع از جذبه‌های واقعی ولایت و آثار و کرامت‌های مسلم الثبوت و حقیقی آن استفاده نمایند و به بیان دیگر باید به دنبال تحکیم عقاید باشیم و نه فقط برانگیختن احساسات، که آن امری غیر پایدار و گذرا.<sup>۲</sup>

۱. در کتاب «منتخب الاثر» حضرت آیت الله صافی گلپایگانی، نزدیک به شش هزار روایت از طریق شیعه و اهل سنت و در معجم احادیث الامام المهدی (عج) نزدیک ۲ هزار روایت از منابع فریقین در خصوص مباحث مختلف مهدویت آورده شده است.

۲. مجله موعود، سال ششم، شماره ۳۲، تیر ۱۳۸۱.

تکیه بر مطالب سست و بی‌بنیادی چون خواب و رویا برای ترویج و تبلیغ فرهنگ مهدوی، نه تنها مردم را همواره در سطحی نازل از ایمان و آگاهی قرار می‌دهد، بلکه اعتقاد و باور آنها را نیز بسیار شکننده و آسیب‌پذیر می‌سازد؛ زیرا مردمی که تنها با بیان یک خواب و رویا جذب موضوع مهدویت می‌شوند، با وقوع اندک خدش‌های در این نقل‌ها، دچار تزلزل و سردرگمی می‌گردند.

#### ۴- ایجاد اندیشه‌های جدید در طرح مباحث مهدوی

با عنایت به مطالب یاد شده بر همگان لازم است که در تبلیغ و ترویج فرهنگ مهدویت و انتظار، به نحو شایسته‌ای به نکات زیر توجه کنند:

- ۱- تلاش در جهت دفاع عقلانی از اندیشه مهدویت و انتظار و تبیین هرچه بهتر و دقیق‌تر مبانی این اندیشه؛
- ۲- دقت و مراقبت کامل در نقل مطالب و مباحث مهدوی، به ویژه حکایت‌های مربوط به تشرفات، و توجه به منابع و مستندات مطالب و مباحث نقل شده؛
- ۳- پرهیز از مطرح ساختن خواب و رویاهایی که پایه و اساس محکم و متقنی ندارند، هرچند بسیار جذاب و اثرگذار باشند؛
- ۴- گشودن زوایای جدید در طرح مباحث مهدوی.

فراگیر شدن شور و شوق انتظار در جامعه ما و گرایش گروه‌های مختلف اجتماعی به ویژه اقشار فرهیخته و تحصیل کرده به مباحث مهدوی، ضرورت پرداختن عالمانه و متناسب با خواست و نیاز گروه‌ها

و اقشار مختلف اجتماعی به این مباحث را دو چندان ساخته و رسالت مراکز، نهادها و گروه‌های فعال در این حوزه را سنگین‌تر نموده است. بدیهی است که در شرایط حاضر نمی‌توان تنها با طرح مطالب و مباحث سنتی مهدویت، آن هم در قالب‌ها و اشکالی که پیش از این مرسوم بوده، نیاز روزافزون جامعه به این مباحث را پاسخ داد. از این رو بر مبلغان فرهنگ مهدوی لازم است که با گشودن زوایای جدید در طرح مباحث مهدوی و پرداختن به موضوعات مختلف اجتماعی از منظر فرهنگ انتظار، ارائه این‌گونه مطالب و مباحث را هم از نظر محتوا و هم از نظر قالب دچار تحول سازند.

امروزه می‌توان از منظر علوم مختلف انسانی؛ از جمله جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، علوم سیاسی، اقتصاد و حتی از منظر هنرهای تصویری چون سینما، به ارائه مباحث مهدوی پرداخت و با طرح موضوعات و مسائل جدیدی که تاکنون در این حوزه مطرح نبوده، توجه مخاطبان را جلب نمود. موضوعات و مسائلی چون آینده جهان و جهان آینده، اقتصاد جهانی، عدالت اجتماعی، حکومت جهانی، جهانی شدن، آثار روانی و تربیتی انتظار، آسیب‌شناسی اجتماعی انتظار، منجی‌گرایی در سینما و ...

البته ورود به این حوزه نیازمند دقت، ژرف‌نگری و احاطه به مباحث مهدوی از یک سو و علم و اطلاع کافی از مبانی علوم مورد نظر از سوی دیگر است و لذا لازم است کانون‌ها و مجامع مهدوی که قصد ورود به این حوزه را دارند، پیش از هر اقدامی با کارشناسان شناخته

شده و مورد اطمینان مشورت نمایند، تا خدای نخواستہ به دام التقاط یا ابتذال گرفتار نشوند.

### ۵- توجه به آفت‌ها و آسیب‌های اندیشه مهدویت

اندیشه مهدویت و انتظار نیز چون هر اندیشه و آرمانی، آفت‌ها و آسیب‌هایی دارد که اگر به آنها توجه نشود و به موقع برای برطرف ساختن آنها اقدام نگردد می‌تواند آثار منفی و مخربی داشته باشد. البته این آسیب‌ها می‌تواند در هر زمان، متفاوت از زمان دیگر باشد و از این رو مقابله با آنها نیازمند آسیب‌شناسی مستمر و روزآمد از سوی عالمان زمان شناس و مراکز فرهنگی و تحقیقاتی حوزوی و دانشگاهی است.

به نظر می‌رسد در حال حاضر فرهنگ مهدوی در جامعه ما با آسیب‌های مختلفی روبروست که می‌توان آنها را در ذیل دو عنوان کلی دسته‌بندی کرد: الف) عوام‌زدگی و سطحی‌نگری؛ ب) روشنفکر زدگی و تأویل‌گرایی.

#### الف) عوام‌زدگی

امروزه شاهد هستیم که گروهی از نویسندگان، سخنرانان و گردانندگان محافل و مجالس مذهبی برای جلب توجه عوام و جذب هرچه بیشتر آنها به موضوع مهدویت، با به فراموشی سپردن فلسفه واقعی انتظار و کارکردهای اجتماعی آن، مردم را صرفاً به نقل خواب و رویا و حکایت‌های ضعیف و بی‌اساس مشغول داشته و با بستن باب هرگونه تعقل و تدبر در معارف مهدوی، برداشت‌های سطحی خود از روایات را ملاک تحلیل و بررسی پدیده ظهور قرار داده‌اند.

سخنرانی‌ها و آثار مکتوبی که از سوی این گروه ارائه می‌شوند، مخاطبان جوان خود را از رسالت سنگینی که در برابر حجت خدا، حضرت صاحب الامر علیه السلام و مسؤولیت بزرگی که در برابر اجتماع خود دارند، غافل ساخته و آنان را به این اندیشه وا می‌دارد که تنها باید در خلوت خود در جست و جوی امام غایب بود و تلاش کرد که با به دست آوردن ادعیه، توسلات و ختومات، راهی برای تشریف خدمت آن حضرت پیدا کرد. قطعاً اگر این قبیل افراد به آرزوی خود دست نیابند و راهی برای ملاقات با امامشان پیدا نکنند دچار دل‌زدگی و ناامیدی می‌شوند.

خطر دیگری که این قبیل سخنرانی‌ها و آثار دارد، این است که اعتقاد به مهدویت را در نزد کسانی که هنوز به حقایق شیعه و عمق اندیشه مهدویت پی نبرده‌اند، اعتقادی موهوم و آمیخته با خرافه جلوه می‌دهد.

#### ب) روشنفکر زندگی و تأویل‌گرایی

گروهی دیگر از نویسندگان و سخنرانان که همه جهان پیرامون خود را تنها با عینک مدرنیسم می‌بینند و همه حقایق هستی را با ملاک علوم تجربی و انسانی غربی تجزیه و تحلیل می‌کنند، به ارائه برداشت‌های روشنفکرانه از قیام و انقلاب مهدی (عج) پرداخته و شاخصه‌های دموکراسی لیبرال را ملاکی برای ارزیابی حکومت امام عصر علیه السلام قرار داده‌اند. این گروه تلاش می‌کنند که روایات مربوط به ظهور و حوادث پس از آن را به گونه‌ای تأویل و تفسیر کنند که با چارچوب‌های به ظاهر علمی پذیرفته شده از سوی آنها هیچ تفاوتی نداشته باشد.

آثاری که بر اساس دیدگاه‌های این گروه عرضه می‌شوند، از یک سو

مستلزم درک چند مطلب اساسی است که در اینجا برخی از آنها را یادآور می‌شویم:

۱- مدیون بودن همه ما نسبت به امام عصر علیه السلام: استمرار هستی و بقای همه ما بسته به وجود آخرین حجت الهی است؛ چرا که به فرموده امام باقر علیه السلام: «لو بقیت الأرض يوماً بلا امام منّا لساخت بأهلها؛<sup>۱</sup> اگر زمین یک روز بدون امامی از ما بماند اهلش را در خود فرو می‌برد».

و همه نعمت‌ها و خیرات و برکاتی که در عالم هستی نصیب ما می‌شود، به واسطه امام عصر علیه السلام و به طفیل هستی ایشان است، چنان که در «دعای عدیله» می‌خوانیم:

«بِبقائه بقیة الدنيا، وبیمنه رزق الوری، وبوجوده ثبتت الأرض والسما؛<sup>۲</sup> به بقای او دنیا باقی است و به برکت وجود او مردم روزی داده می‌شوند و به واسطه وجود او است که زمین و آسمان پابرجاست».

از این رو می‌توان گفت که همه ما در زندگی خود مدیون و وام‌دار امام عصر علیه السلام هستیم و ایشان نسبت به همه ما در حیات و زندگی حق دارند و به همین دلیل اگر موفق شویم که قدمی در راه ترویج و تبلیغ نام و یاد آن حضرت برداریم، جز ادای بخش بسیار ناچیزی از دین خود نسبت به ایشان، کاری انجام نداده‌ایم.

۲- خدمت به امام عصر علیه السلام افتخار همه اولیا و بزرگان: امام مهدی (عج) چنان جایگاه رفیعی در عالم هستی دارند که حتی ائمه

۱. بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۳۷، ح ۶۴. ۲. مفاتیح الجنان، دعای عدیله.

معصومین علیهم‌السلام خدمت به ایشان را افتخار خود دانسته و آرزو می‌کردند که خداوند توفیق خدمت به آن حضرت را نصیبشان فرماید، چنان‌که وقتی از امام صادق علیه‌السلام می‌پرسند که «آیا قائم به دنیا آمده است؟» می‌فرماید: «لا، و لو ادركته لخدمته ایام حیاتی؛<sup>۱</sup> خیر، اما اگر او را درک کنم همه روزهای زندگی‌ام خدمتگزارش خواهم بود».

با توجه به این موضوع کسی که توفیق خدمت به آرمان‌ها و اهداف فرهنگ مهدوی را به دست می‌آورد، نه تنها منتی بر امام عصر علیه‌السلام ندارد، بلکه باید خدا را به خاطر توفیقی که نصیب او کرده شکر کند.

۳- جاری شدن برکت در زندگی خدمتگزاران به امام عصر علیه‌السلام: بدون تردید هرگونه فعالیتی که با هدف ترویج معارف اهل بیت علیهم‌السلام، گسترش فرهنگ امامت و ولایت در جامعه و تعمیق عشق و ارادت مردم به خاندان رسالت صورت گیرد، مورد رضایت حضرت حق بوده و موجب نزول خیرات و برکات در زندگی انسان می‌شود.

با نگاهی اجمالی به زندگی کسانی که عمر خود را وقف خدمت به اهل بیت علیهم‌السلام نموده و در این راه از استعدادها، توانایی‌ها و امکانات مادی و معنوی خود حداکثر استفاده را کرده‌اند، نشان می‌دهد که این‌گونه افراد در زندگی خود از توفیق‌ها و برکت‌های الهی بیشتری برخوردار شده و در فعالیت‌های فردی و اجتماعی خود شاهد رشد و توسعه بیشتری بوده‌اند. رمز این مسأله نیز روشن است؛ چرا که به

۱. کتاب الغیبة، ص ۲۴۵؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۴۸، ح ۲۲.

اعتقاد ما هر کس در راه امیرمؤمنان علی علیه السلام و خاندان او قدم بردارد و آنها را در حدّ توان خود یاری نماید، مشمول این دعای پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام نسبت به یاری دهندگان اهل بیت عصمت و طهارت خواهد شد که: «اللَّهُمَّ انصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَ اخْذِلْ مَنْ خَذَلَهُ؛<sup>۱</sup> خدایا یاری کن هر کس که او (علی علیه السلام) را یاری کند و خوار کن هر کس که او را خوار کند».

«اللَّهُمَّ انصُرْهُ وَ انْتَصِرْ بِهِ لِ دِينِكَ، وَ انصُرْ بِهِ اَوْلِيَاءَكَ وَ اَوْلِيَاءَهُ وَ شِيعَتَهُ وَ انصَارَهُ، وَ اجْعَلْنَا مِنْهُمْ... وَ انصُرْ ناصِرِيهِ وَ اخْذِلْ خاذِلِيهِ؛<sup>۲</sup> خدایا او را (مهدی علیه السلام) یاری کن و به وسیله او دینت را یاری کن و دوستانت را، و دوستان او را و شیعیان و یاران او را یاری نما و ما را از ایشان قرار بده... و هر کس که او را یاری می کند یاری ده و هر کس که او را خوار می کند خوار کن».

توجه به نکات یاد شده، مبلّغ و مروج فرهنگ مهدوی را از هرگونه انگیزه و غرضی جز کسب رضایت حضرت ولی عصر علیه السلام و ادای وظیفه به ساحت مقدّس آن حضرت فارغ می سازد و به او یاری می دهد که با نیت خالصانه، به دور از هرگونه انگیزه مادی و بدون توجه به مدح و ذمّ این و آن، به فعالیت در این حوزه بپردازد.

#### ۸- توجه به دیدگاهها و نظرات بزرگان دین

در طول تاریخ پرفراز و نشیب شیعه، افراطها و تفریطهای فراوانی در موضوع مهدویت صورت گرفته و جریانهای انحرافی بسیاری در

۱. بحارالانوار، ج ۳۷، ص ۱۲۶، ح ۲۴. ۲. مفاتیح الجنان، زیارت آل یاسین.



این زمینه شکل گرفته‌اند؛ اما در همه این زمان‌ها جریان قدرتمند فقاقت و مرجعیت شیعه به عنوان یکی از اصلی‌ترین شاخص‌های خط تعادل در اندیشه شیعی، با همه این انحراف‌ها و کج‌اندیشی‌ها مقابله کرده، همواره مبلغ و مروج اندیشه ناب برگرفته شده از تعالیم معصومین علیهم‌السلام بوده است. از این رو بر گروه‌ها و تشکل‌های فعال در حوزه مباحث مهدوی لازم است که برای در امان ماندن از هرگونه افراط و تفریط در فعالیت‌های خود، همواره دیدگاه‌ها و نظرات مراجع عالیقدر تقلید و بزرگان حوزه علمیه را مدنظر داشته باشند و از انجام هر نوع فعالیت مغایر با اندیشه و دیدگاه‌های ایشان پرهیز کنند؛ چرا که بر اساس فرمایش امام عصر علیه‌السلام آنها حجت بر همه ما هستند:

«... و اما الحوادث الواقعة فارجعوا فیها الی رواة حدیثنا فانهم حجتی علیکم و انا حجة الله علیهم؛<sup>۱</sup> ... و اما رویدادهایی که [برای شما] پیش می‌آید، پس به راویان حدیث ما مراجعه کنید؛ چرا که آنها حجت من بر شما هستند و من حجت خدا بر ایشان می‌باشم».

#### ۹- آسیب‌شناسی مجالس و مراسم مهدوی

جشن‌ها و مراسمی که به نام امام عصر علیه‌السلام و برای بزرگداشت یاد ایشان برپا می‌شوند، فرصت مناسبی برای تجدید پیمان با آن امام، یادآوری تکالیف و رسالت‌های ما نسبت به آن حضرت، ترویج فرهنگ انتظار و آماده‌سازی جامعه برای ظهور یگانه منجی عالم بشریت

۱. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۴۸۳، ح ۴.

است. اما متأسفانه در سال‌های اخیر بسیاری از این جشن‌ها و مراسم، کارکرد اصلی خود را از دست داده و به مجالسی خنثی، بی‌محتوا و گاه ضد انتظار و مروج سکون و رکود تبدیل شده‌اند. حتی در مواردی دیده شده است که در این جشن‌ها و مراسم، اعمالی صورت می‌گیرد که خلاف شرع آشکار و برخلاف خواسته حضرت بقیة الله الاعظم - ارواحنا له الفداء - است؛ اعمالی چون پخش موسیقی‌های مبتذل، اختلاط زن و مرد، اسراف و تبذیر، اجرای نمایش‌های سخیف و بی‌محتوا و ...

در این شرایط، وظیفه گروه‌ها و تشکل‌های فعال در حوزه فرهنگ مهدوی، دو چندان شده و بر آنها لازم است که ضمن تلاش برای حفظ کارکرد اصلی مجالس و مراسم مهدوی، از هر عملی که بر خلاف احترام و قداست این‌گونه مراسم و مغایر با خواسته‌های امام عصر علیه السلام است، جلوگیری نمایند.

توجه به بیانات حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی که خطاب به دومین همایش «مهدویت؛ جهان آینده و استراتژی انتظار» صادر شده، در این زمینه راهگشاست. ایشان می‌فرماید: از این برنامه‌ها که به عنوان جشن و مجالس چراغانی، شادباش، مدیحه‌سرایی، سخنرانی و همایش برگزار می‌شود، باید در جهت اهداف عالی آن وجود مقدس و حجة الله یگانه زمان، بهره‌برداری شود و پیرامون شخصیت منحصر به فرد آن ولی خدا و ابعاد و اطراف و خصایص مأموریت بزرگی که بر عهده آن حضرت است و در حقیقت

مکمل بعثت همه انبیا و رسالات آسمانی است، تبلیغ کنند که همه این برنامه‌ها موجب خشنودی و رضایت خاطر آن حضرت است و نیز همگان را از کارها و اعمالی که باعث نگرانی ورنجش خاطر آن حضرت می‌شود، برحذر نمایند.<sup>۱</sup>

با امید به اینکه خداوند متعال به همه ما توفیق فعالیت تبلیغی مهدوی، همراه با معرفت و خلوص کامل و به دور از هرگونه افراط و تفریط عطا فرماید.

---

۱. مجله موعود، سال هفتم، شماره ۴۰، آذر و دی ۱۳۸۲.